

سخنرانی در اولین کنفرانس در امریکای شمالی

لی هنگجی

۲۹ و ۳۰ مارس ۱۹۹۸، نیویورک

اینجا هستیم تا در این کنفرانس شرکت کنم، و مثل بقیه می‌خواهم به تجربیات شما گوش دهم. پیشنهاد برگزاری این کنفرانس را من دادم. از آنجاکه تاکنون کنفرانس تبادل تجربه شاگردان دافا را به صورت سراسری در ایالات متحده برگزار نکرده ایم، فکر کردم برای شاگردان مناسب است تا گردهم بیایند و تجربیاتشان را با یکدیگر به اشتراک بگذارند؛ زمان نیز مناسب است. از زمانی که برای آخرین بار به ایالات متحده آمدم تا فای آموزش دهم یک سال گذشته است. در طول این یک سال، همگی شما در تمرین تزکیه خود در حال پیشرفت بوده‌اید. مخصوصاً پس از دفعه قبل که فای را شنیدید، همگی تان احساس کردید که پیشرفت تان را تا درجه مشخصی تسریع کرد. اما برای اینکه متوجه شوید چقدر واقعاً پیشرفت کرده‌اید، فکر کردم به اشتراک گذاشتن تجربیات تان مفید خواهد بود. به علاوه می‌تواند اشاعه گسترده‌تر دافای ما را سرعت دهد.

با صحبت درباره اشاعه آن، در حال حاضر درک نادرستی وجود دارد. برخی از افراد گفته‌اند: «معلم به ما آموزش داده‌اند تا در تزکیه واقعی عجله کنیم.» فکر کردند منظور من این بوده که باید انجام هر کاری را متوقف کرده و از تمام زمانی که دارند برای تزکیه واقعی استفاده کنند. البته منظور من این نبود که ما دیگر نباید کارهای مردم عادی را انجام دهیم. شما می‌توانید رابطه بین کارهای مردم عادی و تمرین تزکیه را به خوبی متعادل کنید. مسئله اصلی این است که اشاعه فای خیلی جدی نگرفتید. شما فای را کسب کرده‌اید، اما هنوز افرادی هستند که آن را کسب نکرده‌اند. درحقیقت، بگذارید به شما بگویم که هیچ کسی در جامعه مردم امروزه نباید یک موجود بشری باشد. این به چه معنی است؟ در برهه‌ای از دوره تاریخی باستان، نظم و ترتیب‌هایی چیدم تا این فای آموزش دهم. به علاوه چیزی که آموزش داده می‌شود چنین فای بیکرانی است - فای کل کیهان. دفعه قبل در سان فرانسیسکو، در مورد ساختار کیهان برای تان توضیح دادم. خیلی از شما درکی از آن گرفتید و فکر کردید: «پس ساختار کیهان این گونه است.» درحقیقت بگذارید این را به شما بگویم: مفهومی که دفعه قبل درباره ساختار کیهان به شما آموزش دادم، و فکر می‌کنید به‌طور باورنکردنی عظیم است، هنوز تنها ذره‌ای غبار در بدن کیهانی بزرگ است. با این حساب، فکر کنید که کل کیهان چقدر وسیع است. از آنجاکه چنین فای بیکرانی در حال آموزش در اجتماع بشری است، تصور کنید چقدر آسان است که یک شخص در آن جذب شود. بگذارید یک قیاس بسیار ساده‌تری بیان کنم: اگر یک ذره خاکاره در کوره فولاد مذاب بیفتد، در یک چشم‌به‌هم‌زدن ناپدید می‌شود. برای فای بیکرانی مانند فای ما بسیار آسان می‌بود تا شخصی مانند شما را در خود جذب کند، تا کارمای شما را از بین ببرد، و افکار نادرست شما را پاک کند و مانند آن. با توجه به این که قدرت فای بسیار عظیم است، چرا ما این کار را به این طریق انجام نمی‌دهیم؟ ما نمی‌توانیم آن را در اجتماع مردم عادی انجام دهیم، چراکه تزکیه کردن به این شکل، تزکیه در نظر گرفته نمی‌شود. بلکه خلق دوباره در نظر گرفته می‌شود، که به این معناست که شما کاملاً دور انداخته می‌شوید و شخص جدیدی دوباره به وجود می‌آید. پس برای اینکه آن، خود شما باشد، مجبورید به‌طور واقعی تزکیه کنید. به هر حال، آزمایش‌های شین‌شینگ بسیاری در مسیر تزکیه تان روی می‌دهد و همان‌طور که شاگردان سعی می‌کنند مسائل را به طور درستی برای دافا اداره کنند، در اثر همکاری ضعیف میان آنان اصطکاک بوجود می‌آید، و غیره. تمام اینها اجتناب‌ناپذیر است - فقط این که شما متوجه آن نمی‌شوید.

اگر وقتی یک فای عمومی می‌شود سختی‌های خودش را نداشته باشد و برای نسل‌های آینده تقوای عظیم به جای نگذارد، من آن را یک راه شیطانی می‌نامم. هیچ چیز فوق‌العاده‌ای در خصوص آن وجود ندارد، هیچ چیزی ندارد که به خاطر آن به وجد بیاید، و هیچ تقوای عظیمی ندارد که برای نسل‌های آینده به جای بگذارد. قطعاً به این شکل است. وقتی فایی را که آموزش

می‌دهم کسب کنید و قادر باشید تزکیه کنید، هنوز باید در نظر بگیرید که سایر افراد چگونه می‌توانند تزکیه کنند و چگونه قادر خواهند بود فا را کسب کنند. همان‌طور که الان گفتم هیچ کسی در اجتماع بشری به این منظور نیامده که موجودی بشری باشد. اما نباید از خودراضی شوید- اگر فا را کسب نکنید یا اگر نتوانید از طریق تزکیه بازگردید، صرفاً موجودی بشری هستید. شاید حتی بیشتر سقوط کنید و پایین‌تر از انسان‌ها شوید. بنابراین باید اهمیت اشاعه فا را متوجه شوید. این تمام چیزی است که درباره این موضوع می‌گوییم.

بسیاری از شاگردان از من می‌خواهند که درباره چیزهای بالاتر و چیزهایی که نشنیده‌اند صحبت کنم. اگر این وابستگی رها نشود، قادر نخواهید بود به کمال برسید- آیا این‌گونه نیست؟ هر وابستگی یک مانع است. می‌توانم به شما بگویم که رشد جامعه کنونی و تمام روند پیشرفت آن، چه در مرحله شکل‌گیری و چه در مرحله تکامل آن، موجودات فضایی آن را کنترل کرده و به پیش برده‌اند. درباره این موضوع امروز صحبت کردم. اگر از زبان باستانی فرهنگ چین استفاده می‌کردم، احتمالاً می‌توانستم آن را به‌طور کامل‌تری توضیح دهم، اما قادر نمی‌بودید اکنون آن را درک کنید. تمام ذهنیت شما متعلق به مردم معاصر است، بنابراین در آموزش‌هایم مجبورم علم مدرن را ترکیب کنم، که در واقع چیزی کاملاً سطحی است. درک آن، بسیار بسیار ظاهری است. چیزی که به‌عنوان «علوم تجربی» شناخته می‌شود محدود به بعد فیزیکی است که برای چشمان بشری قابل رؤیت است- صرفاً یک بعد در سه‌قلمرو. پس چه تعداد لایه از ماده در سه‌قلمرو وجود دارد؟ آن قدر زیاد وجود دارد که عدد آن غیرقابل‌شمارش است، و بشریت فقط در یکی از آنها ساکن است. چشمان شما می‌تواند فقط چیزهایی را ببیند که در محدوده این یک لایه است؛ فقط محدود به این گستره هستند. این کیهان پهناور هرگز نمی‌تواند توسط ذهن بشری برآورد شود، چراکه ذهن شما گنجایش آن را ندارد. زبان بشری نمی‌تواند چگونگی هستی کیهان در قلمروهای بسیار بالا را توضیح دهد. چنین لغاتی وجود ندارد، و حتی مفاهیمی برای آن وجود ندارد- هیچ چیزی نمی‌تواند آن را به‌طور واضح تشریح کند. بنابراین زبان بشری نمی‌تواند برای آموزش مطالب سطح بالا مورد استفاده قرار گیرد. فقط از طریق پیشرفت مداوم‌تان در طول تزکیه می‌توانید خود شما به تدریج آن را درک کنید و به آن روشن و آگاه شوید. وقتی فا را مطالعه می‌کنید، فا آن را به شما نشان می‌دهد.

چگونه این فا می‌تواند چنین تأثیر عظیمی داشته باشد و شما را قادر سازد تا چنین اصول سطح بالایی را کسب کنید؟ درحقیقت بگذارید به شما بگویم که یک کتاب- یک کتاب انسان‌های معمولی با برگه‌های کاغذ که به هم چسبانده شده‌اند و جوهر مشکی که بر روی کاغذ سفید چاپ شده است- به‌هیچ‌وجه تأثیری ندارد. تمام کاری که می‌تواند انجام دهد بازگو کردن ساده‌ترین اصول بشری است که برای انسان‌ها شناخته شده است. کتاب جوآن فالون، اگر معانی عمیق‌تری در آن وجود نداشت هیچ تفاوتی نمی‌داشت. چرا این‌گونه است که با خواندن دوباره و دوباره جوآن فالون، می‌توانید اصول قلمروهای مختلف در سطوح بسیار بالا را ببینید یا به آنها آگاه و روشن شوید؟ زیرا در پشت هر کلمه، لایه‌ای پس از لایه‌ای دیگر، خدایان، داتوها و بوداهای بی‌شماری وجود دارند. تعداد آنها غیرقابل‌شمارش است. بدون توجه به اینکه تا چه سطح بالایی بتوانید تزکیه کنید، افرادی از شما در میان حاضرین، هنوز هم قادر نخواهید بود انتهای آن را ببینید، حتی وقتی در آینده به روشن‌بینی برسید. درباره این بیندیشید که اگر بر طبق این کتاب تزکیه کنید به چه سطح بالایی می‌توانید دست یابید. وقتی زمان ارتقاء شما فرا می‌رسد، تمامی بوداها، داتوها و خدایان پشت یک کلمه می‌توانند این را ببینند. همان‌طور که به سطح جدیدی می‌رسید و اجازه پیدا می‌کنید که به اصول آن سطح آگاه شوید، آنها معنای واقعی پشت آن کلمه یا آن سطر از کلمات را برای شما آشکار خواهند کرد؛ ناگهان آگاه خواهید شد. درحقیقت این‌گونه نیست که شما باهوش‌تر شده‌اید، بلکه این‌گونه است که آنها به‌طور عمد آن را به شما نشان دادند به‌طوری که به آن آگاه شوید. پس برای این، الزامی جدی وجود دارد: اگر از طریق تزکیه به آن قلمرو نرسیده باشید، مطلقاً به شما اجازه داده نمی‌شود که از اصول آن سطح آگاه شوید. زمانی که به اصول آن سطح آگاه باشید پیشاپیش در آن قلمرو هستید.

بسیاری از شاگردان مان مضطرب می‌شوند چراکه اغلب احساس می‌کنند پیشرفت تزکیه‌شان کند به‌نظر می‌رسد و آن افکار و حالت‌های ذهنی نادرست به‌طور متناوب پدیدار می‌شود. درواقع بگذارید به شما بگویم که نباید نگران باشید. شکل تزکیه ما امروز با تمام تزکیه‌های گذشته متفاوت است، اگرچه شباهت‌هایی نیز وجود دارد. تفاوت از این جهت است که ما مسیر فای

کوچک یا دائوی کوچکی را بر نمی‌گزینیم. آنها همگی شبیه هم هستند چراکه تمام فاهای گذشته متعلق به پایین‌ترین و محدودترین شکل‌های تزکیه در گستره این دافای کیهان که امروز آموزش می‌دهیم هستند. البته در آموزش دافا، قدرت‌های عظیم آن، مسیری که بر می‌گزینیم، و روش‌های استفاده‌شده برای نجات مردم، بهترین انتخاب‌ها هستند. پس چگونه این فاهای می‌توانند چنین نقش بزرگی به‌عهده بگیرند؟ پیش‌تر ذکر کردم که بعدها می‌تواند در خصوص کلمات این کتاب وجود دارد.

خدایان، دائوها و بوداهایی که درباره‌شان به شما گفتم جعلی نیستند - آنها خدایان، دائوها و بوداهای حقیقی هستند که در این فاه ظهور پیدا می‌کنند. آنها این قدرت‌های عظیم را دارند. آنها در پشت هر کلمه هستند ولی با این حال می‌توانند بی‌نهایت بزرگ باشند؛ به‌هرحال، آن مسئولیت آنها است. آنها تجلی‌ای از فاه هستند. بنابراین برای این فاه آسان است که یک شخص را جذب کند. تمام فاه و شکل‌های تزکیه در گذشته، صرفاً شکل‌های بسیار سطح پایینی از فای بی‌کران گیتی بودند، و آنها تقریباً در سطوح پایین بودند. اگر وقت باشد بعداً بیشتر درباره ساختار سطوح مشخصی از کیهان به شما خواهیم گفت.

ابتدا بگذارید درباره اهمیت مطالعه فاه صحبت کنم. به‌عبارت دیگر، مطالعه فاه می‌تواند پیشرفت شما را بیشتر کند. زیرا معنای عمیقی در پشت این فاه وجود دارد. چرا هیچ کتاب دیگری نمی‌تواند به این قلمرو دست یابد؟ چرا آنها نمی‌توانند به این تأثیر برسند؟ زیرا هیچ چیزی در پشت آنها وجود ندارد، هرچند این درست نیست که اصلاً هیچ چیزی ندارند، چراکه شرایط هر یک متفاوت است. اغلب به شما می‌گویم که کتاب‌هایی از مذاهب بد را ننگ ندارید. البته به آن کتاب‌هایی اشاره می‌کنم که متعلق به مذاهب بد یا شیطانی، یا چی‌گونگ‌های بد است. زیرا کلمات آنها نیز چیزهای خاصی در پشت خود دارند و چیزهایشان در آنها گنجانده شده‌اند. اما آن چیزها، بوداهای، دائوها یا خدایان نیستند، بلکه چیزهایی پلید مانند حیوانات تسخیرکننده (فوتی)، ارواح، اشباح و غیره هستند. بدن انسان صرفاً مانند تکه‌ای لباس است و ذهن شخص صرفاً مانند کلاه است. آنها هرکسی می‌شوند که آنها را می‌پوشد. چرا به این صورت است؟ انسان‌ها آنقدر ضعیف هستند که هر چیزی می‌تواند آنها را کنترل کرده و با آنها مداخله کند. آیا انسان‌ها رقت‌انگیز نیستند؟ بله، اما آخر چه؟ انسان‌ها به‌خاطر عملکرد خودشان به این سطح افتادند. درحقیقت برای هر یک از ما و افرادی از شما که اینجا نشسته‌اید و فاه را مطالعه می‌کنید، آسان نبوده است - انواع و اقسام مداخلات و سختی‌ها را دارید. هر وقت می‌خواهید فاه را مطالعه کنید، با کار، کمبود وقت و غیره مشغول می‌شوید. شاید به‌نظر برسند که اتفاقاتی طبیعی هستند. درواقع انواع و اقسام عوامل وجود دارند که با شما مداخله کرده و شما را از کسب فاه باز می‌دارند. حقیقتاً کسانی وجود دارند که ادعا می‌کنند این فاه خوب نیست. اما بگذارید این شخص را قضاوت نکنیم، چراکه افکارش به احتمال زیاد متعلق به خودش نیست بلکه متعلق به شخص دیگری است. آن چیزهای بد گفته‌های او را کنترل می‌کنند. نمی‌توانیم چنین شخصی را نجات دهیم. چراکه او خودش نیست، چگونه هنوز می‌تواند نجات یابد؟ آن به این خاطر است که یک شخص چنان افکار بدی دارد که مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین نمی‌توانیم آنها را که مستقیماً به دافا آسیب می‌زنند نجات دهیم. همچنین افرادی هستند که تا عمق وجودشان فاسد شده‌اند و کاملاً ادراک خود را از دست داده‌اند؛ اگرچه چیزهای بد هستند که اعمال و گفتار آنها را تعیین می‌کنند، اما این آن افرادی هستند که کنترل خودشان را از دست داده‌اند. فاه ما تمرین تزکیه با ذهنی آگاه را ایجاد می‌کند. نمی‌توانیم این فاه را به کسی بدهیم که هوشیار نیست یا ذهن گیجی دارد و می‌خواهد به‌وسیله ارواح خارجی کنترل شود، زیرا چگونه چیزهای بد می‌توانند اجازه داشته باشند که فاه ما را کنترل کنند؟

در تزکیه با مشکلات بسیاری روبرو خواهید شد. وقتی بعضاً می‌بینم در تزکیه رنج بسیاری می‌کشید، آن مرا نیز ناراحت می‌کند! گاهی اوقات درباره وقتی می‌اندیشم که شاگردی نمی‌تواند آزمایشی را بگذراند و به‌طور رقت‌آوری به عکس من نگاه می‌کند، با اشک‌هایی در چشمانش، در ذهنش التماس می‌کند تا معلم به او کمک کرده و سختی‌های او را بیشتر از بین ببرد یا او را از بدبختی برهاند. اما می‌دانید من چه فکر می‌کنم؟ اگر آن سختی را برای شما از بین می‌بردم، فرصت برای پیشرفت را از دست می‌دادید. آیا فکر می‌کنید می‌توانید به آرامی، بدون هیچ سختی، خود را به چنان قلمروی بالایی برسانید؟ مطلقاً ممنوع است. همگی می‌دانیم که موجودات بشری درطول دوره‌های زندگی‌شان کارمای زیادی انباشته کرده‌اند - دقیقاً مانند آنچه عیسی گفت که انسان گناه‌کار است. اگر می‌خواهید صرفاً بدون بازپرداخت کارما و گناهان‌تان به بهشت بروید، چگونه می‌توانید آنها را نادیده بگیرید، پشت سر رها کنید و سپس به بهشت بروید؟ درباره آن بیندیشید: آیا این می‌تواند امکان‌پذیر باشد؟ مطلقاً خیر. به

همین دلیل است که باید خودتان با بازپرداخت هر چه بده کار هستید، کارما را از بین ببرید. همچنین باید درحالی که کارمای خود را از بین می‌برید شین‌شینگان را نیز ارتقاء دهید. فقط با رسیدن به قلمرویی آنقدر بالا می‌توانید به آن سطح صعود کنید. این فاست که شما را قادر می‌کند تا آن سطح بالا بروید.

در طول دوره تریک با سختی‌های بسیاری مواجه خواهید شد. تا وقتی فا را به‌طور جدی مطالعه کنید، می‌توانید بر هر سختی غلبه کنید. تا وقتی فا را به‌طور جدی مطالعه کنید، پاسخ‌های یافت‌شده در فا می‌تواند هر گره کوری در قلب‌تان یا هر مانعی را حل کند. این فا دربرگیرنده این است که چگونه می‌توان موجودی بشری بود و نیز چگونه می‌توان موجودی آسمانی بود. من نیز درحال گفتن این به شما هستم که چگونه یک بودا، داتو، خدا و حتی خدایی در قلمروهای بسیار بالاتر باشید. چگونه این فا می‌تواند در از بین بردن موانع‌تان ناکام باشد؟ چگونه این فا می‌تواند ذهن‌تان را باز نکند؟ چگونه این فا می‌تواند مشکلات‌تان را حل نکند؟ می‌تواند تمام آنها را انجام دهد. اغلب مایل نیستید از عقاید و تصورات گوناگونی که در طول سال‌ها زندگی در اجتماع بشری رشد داده‌اید، جدا شوید. شما فکر می‌کنید در زمینه‌های مختلف دستاوردهایی داشته‌اید و مایل نیستید آنها را رها کنید. همچنین به آن مفاهیم «صحیح» که در میان مردم عادی آموخته‌اید چسبیده‌اید. معمولاً این چیزها هستند که برخی افراد را عقب نگه می‌دارند. به‌علاوه موانع شامل این موارد نیز می‌شود: انواع و اقسام نیروهای عادی که خیلی از شما در اجتماع مردم عادی رشد می‌دهید، شیوه استقرار یافته زندگی یک شخص، و آن چیزهایی که مردم عادی قرار است در طلب آنها باشند. اینها چیزهایی بسیار حساس بوده و تغییرشان بسیار ترسناک است. وقتی به چالش کشیده شوند، فوراً مخالفت خواهند کرد؛ برخی از مردم ترجیح می‌دهند از یادگیری فا دست بکشند. در این باره کاری نمی‌توان انجام داد. این که فا را یاد گرفت یا خیر، فقط توسط خود شخص تعیین می‌شود. هیچ فرد دیگری را برای یادگیری آن مجبور نمی‌کند.

به‌طور کلی بگویم، هر کسی در مطالعه فا مانعی دارد. برای روشنفکران، مانع، علم نوین است. اگر چیزی با این علم تطبیق داشته باشد، آنها می‌توانند آن را بپذیرند؛ اگر تطبیق نداشته باشد، نمی‌توانند آن را بپذیرند. این به‌شدت مانع آنها می‌شود. هیچ کسی نمی‌داند چرا من علم نوین را در آموزش این فا ترکیب می‌کنم. چرا این کار را انجام می‌دهم؟ علت آن این است که می‌خواهم آن پوسته‌ای که شما را از کسب فا بازمی‌دارد بشکنم. برخی افراد تحت تأثیر مذاهب مختلف هستند. اگر چیزی با عقاید مذهبی این شخص موافق باشد، می‌گوید این خوب است و آن را مطالعه می‌کند؛ در غیر این صورت آن را مطالعه نمی‌کند. برای این که شما را نجات دهم و قادر سازم فا را کسب کنید، درباره مطالبی از مذاهب گفته‌ام، همان‌طور که از روند و شکل تباهی آنها نیز گفته‌ام. برای فردی عادی که نمی‌تواند در جامعه مردم عادی شغلش را رها کند، فای من حتی درباره این موضوع صحبت کرده است که چگونه باید تریک کرد، درحالی که تا حد امکان مطابق مردم عادی بود. درواقع این‌گونه نیست که درحال آزاد گذاشتن [امیال و آرزوهای] شما هستم - این فا به‌طور حقیقی شما را قادر می‌سازد که هم‌زمان که شغل‌تان را نگه می‌دارید، تریک کنید. حالت‌های بسیار دیگری نیز وجود دارد. هر کسی موانعی دارد و یک یا چند عقیده و تصویری دارد که نمی‌تواند رها کند. هر عقیده و تصور بشری یک مانع است. من مخالف دستاوردهای باشکوه حاصل از توسعه اجتماع بشری تا به امروز نیستم. و همچنین دانش جمع‌شده از توسعه اجتماع بشری تا به امروز را رد نمی‌کنم. اما بگذارید به شما بگویم که به‌عنوان تریک‌کننده باید آنها را از ذهن‌تان پاک کنید. مردم عادی می‌توانند از چنین شکوهی لذت ببرند و با قالب ذهن بشری زندگی کنند؛ اما به‌عنوان تریک‌کننده، باید این عقاید و تصورات اکتسابی را کنار بگذارید. به‌عبارت دیگر، این اصولی است که آموزش داده‌ام - باید تریک کنید درحالی که تا بیشترین حد امکان مطابق مردم عادی باشید. از آنجاکه در میان مردم عادی زندگی می‌کنید، می‌توانید مانند فردی عادی کار کنید و به مدرسه بروید. اما باید عقاید و تصورات بشری را رها کنید.

این را نمی‌گویم که با رها کردن عقاید و تصورات بشری، هیچ دارایی مادی نخواهید داشت، مانند یک راهب یا راهبه - موضوع این نیست. از آنجاکه از شما می‌خواهم در میان مردم عادی تریک کنید، باید با روش اجتماع مردم عادی هم‌راستا باشید. به‌عبارت دیگر چیزی که واقعاً رها می‌کنید وابستگی‌ها هستند. انسان‌ها در رها کردن وابستگی‌ها سختی بسیاری دارند. وقتی واقعاً بتوانید یک وابستگی را دور بیندازید، پی می‌برید که چیزی از دست نداده‌اید. یادگیری فا خودش یک برکت است - چرا چیزی از دست بدهید؟ درواقع اگر واقعاً چیزی از دست دهید، صرفاً به این خاطر است که مایل نیستید آن وابستگی را رها کنید.

به وابستگی‌تان همیشه ضربه می‌خورد تا شما را وادار کند آن را بشکنید. اگر واقعاً یک بحران برای شما پیش آید، هدفش این است که وابستگی‌تان را از بین ببرید. بنابراین چه اتفاقی خواهد افتاد اگر بر از بین نبردن آن اصرار داشته باشید و باز هم به آن چسبیده باشید؟ نتیجه یک بن‌بست خواهد بود. هرچه بیشتر مقاومت کنید، شرایط و محیط زندگی‌تان احتمالاً بدتر خواهد شد. وقتی به‌طور واقعی آن وابستگی را رها کنید، احتمالاً پی می‌برید که مسائل فوراً تغییر می‌کنند، و ذهن‌تان ناگهان آرام می‌شود، و بدن‌تان تغییر می‌کند و به‌طور کلی سبک می‌شود. وقتی به عقب نگاه کنید، پی می‌برید که چیزی از دست نداده‌اید. دقیقاً مانند این گفته چینی است: «بعد از گذر از درختان بید سایه‌دار، گل‌هایی درخشان و دهکده دیگری در پیش رو خواهد بود.» چیزهای خوب ناگهان دوباره سر راه شما قرار خواهند گرفت.

اما وقتی این چیزهای خوب دوباره به‌سوی شما می‌آیند، حتی اگر ثروت بیشتر، دارایی‌های بیشتر یا سختی‌های بیشتری داشته باشید، پی می‌برید که دیگر مانند فردی عادی به آنها وابسته نیستید. این چیزها را سبک خواهید گرفت، اما هنوز هر چیزی خواهید داشت. آیا آن بهتر نیست؟ چرا باید به‌طور بسیار دردناکی به پول، شغل، یا امیال‌تان بچسبید که نتوانید خوب بخورید یا خوب بخوابید و همیشه در ترس از دست دادن آنها باشید؟ آیا فکر می‌کنید این‌طور زندگی کردن خوب است؟ درحقیقت، آنچه مردم نمی‌توانند رها کنند وابستگی‌ها هستند. تزکیه کردن افراد باعث نمی‌شود اجتماع بشری شکل خود را از دست دهد. شکل هستی بشریت همیشه باقی خواهد ماند. چه شما بخواید چه نخواهید، آن همیشه اینجا خواهد بود. صرفاً این‌گونه است که افراد عادی، چون نمی‌توانند وابستگی‌هایشان را رها کنند زندگی خود را سخت و خسته‌کننده می‌کنند.

البته انسان‌ها نیز بسیار پیچیده هستند. گستره موهبت‌های یک شخص به زندگی گذشته او مربوط است، یک زندگی پیشین، یا حتی زندگی‌های قبل‌تر در زمان‌های مختلف. با دیدن اینکه شخص دیگری یک رئیس برجسته است نباید این‌طور فکر کنید که اگر تزکیه کنید و وابستگی‌هایتان را رها کنید ممکن است شما نیز مانند او رئیس بزرگی شوید - نخواهید شد. از آنجاکه آن در اجتماع بشری است، به این مربوط می‌شود که چه چیزی با خود آورده‌اید. درحالی که تزکیه می‌کنید تعداد خاصی موهبت و برکت دارید، و احتمالاً اگر تزکیه هم نمی‌کردید همان مقدار برکت را می‌داشتید. پس چه تفاوتی دارد؟ تفاوتش در این است که ذهن‌تان آرام است، به عبارت دیگر، ذهن‌تان پرنش می‌بود؛ هم‌اکنون زندگی خسته‌کننده‌ای را می‌گذرانید، و ذهن‌تان حتی بیشتر تحلیل می‌رفت، باعث می‌شد نتوانید خوب بخورید یا خوب بخوابید. البته بدن شما فرسوده، پیر و خراب می‌شد، و مانند یک شخص عادی به بیماری‌های زیادی مبتلا می‌شدید. از سوی دیگر، اگر وابستگی را کنار می‌گذاشتید، خیلی بیشتر در راحتی می‌بودید - حتی اگر فقیر می‌بودید. درواقع، یادگیری دافا باعث نمی‌شود فقیر شوید. فکر می‌کنم شاد زندگی کردن بهتر از این است که آن‌گونه وابسته بود. اما باید شغل دنیایی خود را انجام دهید. با بیشتر شدن تعداد افرادی که تزکیه را شروع می‌کنند، می‌گویم قطعاً غیرقابل قبول است که تمام شما کار کردن را متوقف کنید. صرفاً موضوع این است که در تفکر خود چگونه این رابطه را به‌طور صحیحی متعادل می‌کنیم. در هر صورت، یادگرفتن دافا یک برکت است. دافا برای مریدانش پس از اینکه وابستگی‌های بشری عادی را رها کنند بخت و اقبال خوب به‌ارمغان خواهد آورد. به‌هرحال، بخت و اقبال خوب قطعاً با وابسته بودن به رئیسی بزرگ شدن به دست نمی‌آید.

به‌علاوه، وقتی در مطالعه فایده‌های پرسش‌هایی پیش می‌آید، یا وقتی با مشکلاتی مواجه می‌شوید که نمی‌توانند حل شوند، نباید همیشه در بیرون به دنبال جواب‌ها باشید. برای مثال، وقتی مسائلی بین شاگردان یا افراد مسئول پیش می‌آید، درست نیست انگشت خود را به سوی دیگران بگیریم و بدین‌صورت موجب اصطکاک و ایجاد تنش شویم. اگر این مریدان دافا روی دهد یا اگر درباره این مسائل عصبانی باشید، پس ذهن‌تان همانند فردی عادی است. وقتی با هر مشکلی مواجه می‌شوید، برای پاسخ باید همیشه به فایده رجوع کنید. باید خود را بررسی کرده و به درون نگاه کنید: «من چه کاری را اشتباه انجام دادم؟ آیا من کاری اشتباه انجام دادم و موجب مساله‌ای شده‌ام که امروز ناگهان سر برآورده؟» به‌دقت درباره آن بیندیشید.

به هنگام سختی، چه تعداد از شما می‌توانند برای علت‌ها، به‌طور واقعی به درون خود نگاه کنند؟ البته بسیاری از شما می‌توانید گاهی اوقات این‌گونه عمل کنید، اما بسیاری از اوقات دیگر هنوز نمی‌توانید. اگر وقتی علل واقعی را درون خود ببینید، جرأت کنید با آنها روبرو شوید و آنها را تشخیص دهید، پی می‌برید که آن مسئله بی‌درنگ تغییر می‌کند و مشکل ناپدید می‌شود.

ناگهان بی هیچ دلیل مشخصی، به نظر خواهد رسید که هیچ اصطکاک یا مسئله‌ای بین شما و آن شخص دیگر پیش نیامده است. زیرا برای یک تزکیه‌کننده چنین چیزی تصادفی نیست، و به هیچ رویداد تصادفی اجازه داده نمی‌شود که مسیر تزکیه شما را مختل کند.

هر چیزی که برای شما روی می‌دهد آزمایشی است تا دیده شود آیا می‌توانید خود را یک تزکیه‌کننده در نظر بگیرید، خطا و اشتباهات خود را پیدا کنید، و خود را مانند تزکیه‌کننده اداره کنید. این کلمات مرا به خاطر داشته باشید: بدون توجه به اینکه با چه مشکلی روبرو می‌شوید، بدون توجه به اینکه چه چیزی باعث می‌شود در درون احساس ناپسندی داشته باشید، و بدون توجه به اینکه در ظاهر حق با شما است یا نیست، اگر قرار است خود را تزکیه‌کننده در نظر بگیرید، باید همیشه برای علت‌ها خودتان را مورد بررسی قرار دهید. از خودتان بپرسید آیا انگیزه‌های اشتباه و پنهان در رابطه با آن مشکل دارید. اگر شما، به عنوان یک تزکیه‌کننده، تنها در سطحی ظاهری مسائل را رها کنید درحالی که در عمق درون‌تان هنوز به چیزی چسبیده باشید یا به منافع حیاتی خودتان چسبیده باشید، منافی است که به آنها اجازه نمی‌دهید از بین بروند، به شما می‌گویم که تزکیه شما جعلی است! اگر تفکر خودتان تغییر نکند، حتی یک قدم هم نمی‌توانید پیشرفت کنید و در حال گول زدن خودتان هستید. فقط وقتی به طور حقیقی از درون بهتر شوید، می‌توانید به‌طور واقعی رشد کنید. پس مطمئن باشید که این را به‌خاطر می‌سپارید: هرگاه با هر چیزی برخورد کنید مانند درسرها، چیزهای ناخوشایند، یا تضاد با دیگران، باید خودتان را مورد بررسی قرار دهید و درون‌تان را جستجو کنید. علت آن مشکل حل‌نشده را پیدا خواهید کرد. پیش‌تر در طول اوج چی‌گونگی بسیاری از افراد این‌طور درک کردند که میدان انرژی شخص می‌تواند محیط اطراف او را تحت تاثیر قرار دهد. در حقیقت این‌گونه نیست. دلیل اینکه پی می‌برید هر چیزی در اطراف‌تان با شما ناهماهنگ است این است که در درون شما ناسازگاری است، که با سرشت اساسی کیهان در تناقض است، - رابطه آن این‌گونه است. اگر شما خودتان را تعدیل کنید، هر چیزی به‌طور هموار پیش می‌رود. دقیقاً این‌گونه است.

در رابطه با مطالعه فا موضوع دیگری وجود دارد. اگر بگویم تعدادی از شاگردان مشتاقانه تلاش نمی‌کنند، و در عین حال کتاب را مقداری خوانده‌اند؛ اگر بگویم که تلاش‌های مشتاقانه می‌کنند با این حال هنوز خواندن یک کتاب را تمام نکرده‌اند و جوان فالون را تمام نکرده‌اند، می‌گویم که این مسئله را سبک نگیرید. مخصوصاً وقتی شما شاگردان جدید کتاب را برای بار اول می‌خوانید، اگر نتوانید خواندن آن را به‌طور کامل تمام کنید، متوجه خواهید شد که از آن موقع به بعد، زمان یا فرصتی برای مطالعه آن نخواهید داشت. حتی زمانی که وقت هم داشته باشید فراموش می‌کنید که دوباره آن را بخوانید. چرا؟ هر کسی کارمای فکری دارد، که خودخواه و بد است. وقتی پی می‌برد دافایی که مطالعه می‌کنید بسیار درست و خوب است، و آن [کارمای فکری] از بین خواهد رفت، کارما خواهد ترسید و تلاش می‌کند شما را از مطالعه و خواندن کتاب باز دارد. اگر در نیمه راه، خواندن کتاب را متوقف کنید آن کارمای فکری تلاش خواهد کرد شما را از داشتن فرصت دیگری برای خواندن یا دست زدن به کتاب دافا باز دارد. این دلیل آن است که چرا برخی افراد پی می‌برند که پس از خواندن صرفاً بخش کوچکی از کتاب، سخت است که فرصت دیگری برای یادگیری فا پیدا کرد. بنابراین وقتی تصمیم می‌گیرید برای اولین بار کتاب را بخوانید، باید آن را از ابتدا تا انتها بخوانید، بدون اینکه [خواندن آن را] کُند کنید. وقتی برای اولین بار، خواندن کتاب را به پایان رسانده باشید، پی خواهید برد که تمام عقاید و تصورات بدی که تفکر شما را تحت تاثیر قرار می‌داد اساساً پاک شده‌اند. دفعه بعد که فا را مطالعه می‌کنید، دیگر در این رابطه موانعی نخواهد بود. بنابراین شاگردان ما، مخصوصاً تمرین‌کنندگان قدیمی‌مان، باید مطمئن باشند که به این مسئله توجه می‌کنند. وقتی از فرد دیگری می‌خواهید که آن را یاد بگیرد (اگر بخواند آن را بخواند)، از او بخواهید از ابتدا تا انتها آن را بدون توقف بخواند. اگر برای بار اول خواندن آن را تمام نکند و متوقف شود، وقتی دفعه بعد از او بخواهید که کتاب را بخواند فوراً خواهد گفت که وقت ندارد و فقط کمی خوانده است. این شخص درحقیقت کاملاً نادان است. گفته‌ام که بدن شخص صرفاً مانند یک تکه لباس است، و تبدیل به هر کسی می‌شود که آن را می‌پوشد؛ ذهن شخص مانند یک کلاه است، و تبدیل به هر کسی می‌شود که آن را بر سر بگذارد. او ادعا می‌کند که وقت ندارد. درحقیقت، این گفته به‌وسیله کارما گفته می‌شود، که مانع او از خواندن می‌شود، او را مشغول نگه می‌دارد، و مانع می‌شود که خواندن کتاب را به یاد بیاورد. این مشکلی است که به‌آسانی در مطالعه فا روی می‌دهد. مطمئن باشید که به این هشدار توجه می‌کنید.

نسخه‌های جوآن فالون به زبان‌های خارجی دقیقاً اثری همانند کتاب چینی دارد. اما اینجا باید به مشکلی اشاره کرد. بسیاری از شاگردان مان که این کتاب را به زبان‌های مختلف ترجمه می‌کنند، همیشه تمایل دارند با یکدیگر بحث کنند: «این معنی وجود دارد که شما آن را نیاورده‌اید؛ آن معنی وجود دارد که آن را حذف کرده‌اید؛ این لغت به درستی ترجمه نشده است؛ آن کلمه اشتباه ترجمه شده است.» اغلب این چنین بحث می‌کنند و نمی‌توانند ترجمه را به پایان برسانند. درحقیقت، بگذارید مطلبی را به شما بگویم. آیا شما اشتباه می‌کنید که این کار را انجام می‌دهید؟ خیر، شما اشتباه نمی‌کنید، اما درعین حال نیز اشتباه می‌کنید. چرا نمی‌توانیم بگوییم که اشتباه می‌کنید؟ آن معنی که به ذهن تان می‌رسد درحقیقت چیزی است که شما درک کرده‌اید، اما آن ورای سطح مردم عادی است. اما چیزی که به شکل جوهر سیاه بر روی کاغذ سفید باقی مانده نمی‌تواند فراتر از سطح مردم عادی برود. بنابراین وقتی ترجمه را انجام می‌دهید، تا زمانی که معانی اصلی کلمات در سطح یک شخص عادی تا بیشترین حد ارائه شود، خوب است. شما معانی و اصول درونی پشت هر کلمه را متوجه شده‌اید زیرا عناصری که پشت آنها هستند در کارند. اینها چند مشکل رایج در انجام ترجمه هستند.

همان‌طور که شاگردان به‌طور پیوسته پیشرفت می‌کنند، ممکن است مسئله‌ای پیش بیاید؛ می‌خواهم آن را اینجا برای شما روشن کنم. قصد دارم با شما درباره‌ی مسئله‌ای صحبت کنم که به‌طور خاص به مریدان سفیدپوست و مریدان از نژادهای دیگر مربوط می‌شود. بسیاری از افراد، همان‌طور که در دافا تزکیه می‌کنند، می‌توانند وضعیتی را ببینند: آنها پی می‌برند که در میان شاگردان ما، بسیاری از بدن‌هایی که از طریق تزکیه رشد کرده، به مدرسه بودا تعلق ندارد. بلکه، برخی متعلق به مدرسه دائو، برخی شبیه بدن‌های خدایان هستند، درحالی که برخی دیگر شبیه تصاویر خدایان در بهشت سفیدپوستان هستند. بگذارید به شما بگویم که درک شما از اینکه کدام مدرسه بهتر است و کدام خیلی خوب نیست، از نقطه نظر بشر عادی می‌آید. در سطوح بالا، این درک فرق می‌کند. بنابراین چرا برخی از مریدان مان ظاهر بدنی بهشت‌های مختلف را بدست می‌آورند؟ زیرا از مکان‌های مختلفی می‌آیید، و شاید بر روی زمین، در شکل نژادهای گوناگون بازپیدا شده‌اید. اما اگر موجودی باشید که از سطحی بالا پایین آمده، درخصوص سرشت حقیقی تان، مطمئناً می‌خواهید به مکان اصلی خودتان بازگردید. درحال حاضر فکر می‌کنید می‌خواهید به بهشت استاد بروید. آن فکر از روش تفکر بشری شما می‌آید. بنابراین به‌منظور این که اطمینان حاصل شود که می‌توانید به‌جای خواسته بشری حال حاضر تان، آرزو و خواسته اصلی تان را تحقق بخشید - به عبارت دیگر، به‌منظور اطمینان از اینکه می‌توانید در فا جذب شده و سپس به مکان اصلی خود بازگردید - درحالی که فای که درحال آموزش آن هستم بر پایه مدرسه بودا است، این فای کل کیهان است و شامل اصولی برای تمام موجودات در سطوح مختلف، قلمروهای مختلف، و در بهشت‌های یگانه مختلف می‌شود.

با صحبت درباره این، از این فرصت استفاده می‌کنم تا از زاویه‌ای دیگر موضوع بُعدها را تشریح کنم. همین الان گفتم که انسان‌ها از سطوح و بعدهای گوناگون می‌آیند. در ادامه درباره ساختار کیهان صحبت می‌کنم. همان‌طور که گفتم، زمین ما تقریباً در مرکز کیهان قرار دارد. تعداد بسیار بسیار اندکی سیاره مانند زمین در جای دیگر وجود دارد، اما فقط سیاره ما در موقعیت مرکزی است. تصرف موقعیت مرکزی تمایزات خود را دارد، اما این مفهوم در کیهان نیست. برای مثال وقتی مردم عادی در جامعه بشری دانش به دست می‌آورند، مرکز را بالاترین و بهترین در نظر می‌گیرند. می‌توانم به شما بگویم که بر طبق مفهوم کیهان، اگرچه زمین در مرکز است، اما در بدترین مکان است. چرا؟ زیرا کیهان گرد است، و انواع مختلفی از موجودات در کیهان سقوط می‌کنند. به کجا سقوط می‌کنند؟ از آنجاکه کیهان گرد است، سمت چپ بالا است، اما آیا پایین نیز بالا نیست؟ سمت راست بالا است (با حرکات دست نشان می‌دهند)، سمت عقب بالا است، سمت جلو هم بالا است. چیزهای فاسد در کیهان سقوط می‌کنند. به کجا سقوط می‌کنند؟ به مرکز سقوط می‌کنند، مگر نه؟ اما کیهان بی‌نهایت پیچیده است، و همچنان مفاهیم دیگری در ارتباط با موقعیت مرکزی وجود دارد.

سطوح بسیار زیادی در کیهان وجود دارد. برای مثال تقریباً کمتر از سه میلیارد کهکشان مانند راه شیری، گستره یک جهان را تشکیل می‌دهند؛ معمولاً این را یک جهان کوچک می‌نامیم. آنگاه در ورای این [یک جهان کوچک] حدود سه هزار از چنین جهان‌های کوچکی وجود دارد، و فاصله بین آنها بسیار زیاد است. انسان‌های عادی نمی‌توانند این را تصور کنند. حتی برای

تصور خدایان معمول، این فاصله هنوز هم به طور قابل ملاحظه‌ای طولانی و فراتر از دامنه دید آنها است. درعین حال پوسته‌ای بیرون این سه هزار جهان وجود دارد که جهان لایه دوم را می‌سازد. همین‌طور که ادامه دهیم، فراتر از جهان لایه دوم، سه هزار جهان به همین اندازه، جهان لایه سوم را می‌سازد. مفهوم این اعداد بسیار عظیم است. اگر یک دانه برنج را برای نشان دادن یک جهان به کار ببریم، افزایش آن به صورت تصاعدی رشد می‌کند. حجم سه هزار دانه برنج به اندازه یک میز یا حتی بزرگتر است. آنگاه سه هزار میز، به همان ترتیب، نمی‌توانست در این سالن سخنرانی جا شود. بنابراین اندازه افزایش آن به طور قابل ملاحظه‌ای وسیع است. به عبارت دیگر، حجم و گستره آن بی‌نهایت عظیم است.

با این حال، چیزی که به شما درباره این کیهان گفتم، صرفاً یک مفهوم ساده شده است. کیهانی مانند این، هنوز هم یک ذره در نظر گرفته می‌شود. درحقیقت، آن واقعاً یک ذره است، و آن شکلی از ذره بسیار کوچکی در دنیای ماکروسکوپی است. گذشته از این، در ساختار تمام کیهان، هر ذره درون آن نیز شکل‌های مختلف هستی بدن کیهانی خود را دارد. همچنین لایه‌های مختلفی از آسمان‌ها درون بدن‌های کیهانی وجود دارد. در گستره هر ذره از یک بدن کیهانی، لایه‌های مختلفی وجود دارد که، از نظر موجودات داخل آنها، [این لایه‌های مختلف، آسمان‌های مختلف یا لایه‌های مختلفی از آسمان‌ها هستند. در این لایه‌های مختلف آسمان‌ها، بهشت‌های غیرقابل شمارشی از خدایان مختلف وجود دارد. دفعه قبل که به ایالات متحده آمدم و فا را در سان‌فرانسیسکو آموزش دادم، مفهومی را به شما گفتم که بسیار وسیع است. چه تعداد لایه ذکر کردم؟ در ابتدا از هشتاد و یک لایه صحبت کردم، و بعداً از بیش از یک هزار لایه صحبت کردم. این گستره کاملاً وسیع است. بگذارید به شما بگویم که گستره‌ای که درباره آن صحبت کردم، که آن را به طور غیرقابل تصویری وسیع در نظر می‌گیرید، در واقع هنوز هم بی‌نهایت کوچک است. اگر از آن دور شوید، بالای آن بروید و سپس به عقب و به آن نگاه کنید، مانند ذره‌ای غبار در کیهان است. کیهان به این وسیعی است.

درعین حال به شما می‌گویم که بدن کیهانی غول‌پیکر که با زمین به عنوان مینایش گسترش و توسعه می‌یابد («گسترش» کلمه مناسبی نیست؛ صرفاً می‌توانم از زبان بشری استفاده کنم چراکه زبان دیگری در دسترس نیست) - چنین ارتباطی فقط این‌گونه می‌تواند توصیف شود - صرفاً یک سیستم است. سیستم‌هایی شبیه این نیز غیرقابل شمارش هستند، و به لحاظ تعداد، برای بشر غیرقابل شمارش هستند. موجودات مختلفی در آن بدن‌های کیهانی وجود دارد، و فواصل زیادی بین آنها وجود دارد. درباره آن بیندیشید. این کیهان آنقدر پهناور است که نمی‌توانید عظمت آن را با زبان بشری تشریح کنید. بنابراین تفاوت‌های بین موجودات کاملاً قابل توجه است. انسان همیشه به تمدنی که تاکنون توسعه داده افتخار کرده است، مانند اینکه منهن بلندترین و بیشترین آسمان‌خراش‌ها را دارد. انسان‌ها از دستاوردهای علمی حال حاضر خود نیز خشنودند، و آنها را بسیار قابل توجه در نظر می‌گیرند. وقتی به عقب نگاه می‌کنند فکر می‌کنند پیشینیان از مردم امروزی اوضاع بدتری داشتند. پیشینیان باید سوار کالسکه‌هایی می‌شدند که اسب‌ها آنها را می‌کشیدند، درحالی که مردم معاصر با ماشین، قطار و هواپیما سفر می‌کنند. مردم فکر می‌کنند رشد و توسعه‌شان درخشان است. درحقیقت بگذارید به شما بگویم که شما از بهشت‌ها و بدن‌های کیهانی مختلف آمدید. تمام چیزهایی که در جامعه بشری توسعه یافته، نتیجه پیام‌ها یا رد و اثرهایی است که از اجتماعات و بدن‌های کیهانی مختلف در ذهن انسان‌ها باقی مانده، که شما را قادر می‌کند با استفاده از این مواد اولیه زمخت این بعد بشری، دوباره آنها را در میان انسان‌های عادی به وجود بیاورید. به عبارت دیگر، این چیزها در زمان‌های بسیار گذشته در بعدهای مختلف کیهان پیشاپیش وجود داشتند.

همان‌طور که الان گفتم بسیاری از مردم از مکان‌های دوری می‌آیند. پس درباره آن بیندیشید: تفاوت‌های بین آنها و تفاوت‌های موجود در ویژگی‌های آنها کاملاً قابل توجه است. با گذشت دوره‌ای طولانی از زمان و تبدیل پوسته موجودات زنده به موجوداتی که دیگر خوب نیستند (در زبان آسمان‌ها، چیزی مثل «خوب» یا «بد» وجود ندارد؛ کلمات یا مفهومی که آنها اغلب استفاده می‌کنند این است که چیزی «سنگین می‌شود»)، آنها شروع به نزول و غرق شدن می‌کنند. وقتی دیگر خیلی خالص، سبک و شناور نباشند، ته‌نشین می‌شوند. درحقیقت، ماده تغییر کرده است؛ یعنی در این حالت، ناخالص شده است. روند ته‌نشین شدن پوسته آن چنین فرآیندی بود. اما این روندی بی‌نهایت کند و آهسته است و مردم هیچ تغییری را در خود درک نمی‌کنند؛

خدایان هم حس نمی کنند که خودشان نیز دستخوش تغییراتی شدند. زیرا زمانی که می برد بی نهایت طولانی است - نمی تواند با زمان بشری محاسبه شود.

درخصوص زمان، بُعدهای مختلف، زمانهای مختلف دارند. زمان به طور باورنکردنی پیچیده است. تقریباً شبیه چرخ دنده های با اندازه های مختلف درون یک ساعت است، اما پیچیدگی حقیقی آن بیشتر از یک میلیارد لایه یا یک تریلیارد لایه از آن است. آن را نمی توان به هیچ مفهوم بشری تعمیم داد. آن حرکت انتقالی خود و زمان خودش را دارد. آن مواد ته نشین شده اند، با خودشان این تنوع و گوناگونی را می آورند. با رسیدن به سطح بشری، مردم این طور درک می کنند که ذهن بشری پیچیده است. درحقیقت، می توانم به شما بگویم که ذهن بشری حقیقتاً بسیار پیچیده است، چراکه قبل از رسیدن به اینجا از میان دوره زمانی بسیار طولانی گذشته است. در طول آن دوره بسیار طولانی از زمان، زندگی شما چیزهایی را از هر سطحی با خود حمل کرد. امروزه دانشمندان می دانند که هفتاد درصد از مغز بشری بدون استفاده می ماند. یعنی هوش بشری تقلیل یافته است. اگر هیچ محدودیتی برای هوش بشر وجود نداشت و انسان ها می توانستند به اندازه خدایان خرد داشته باشند، وجود آن افکار پیچیده تان در جامعه بشری وحشتناک می بود. معلوم نبود احتمالاً چه تغییراتی در جامعه بشری رخ می داد. با صحبت درباره این موضوع، می خواهم در ادامه به شما بگویم که رشد و توسعه فعلی بشریت چیز خوبی نیست. برای حرص و طمع بشر هیچ حدی وجود ندارد. وقتی شخصی به سطحی بالا می رسد و هنوز حرص و طمع داشته باشد و در آرزوی رفتن به حتی سطوح بالاتر باشد، واقعاً بد است. چرا این طور است؟ اگر می شد که مردم فراتر از حالت موجودات بشری بروند یا فراتر از آنچه که توسط موجودات بشری می تواند شناخته شود، برای انسان بی نهایت خطرناک می بود. دلیل اینکه هوش بشر محدود است این است که انسان ها از آن اندازه دانستن یا از داشتن آن اندازه خرد منع شده اند.

اکنون که به اینجا رسیدم، نکات بیشتری می گویم. این را در نظر بگیرید: اگر هر یک از شما واقعاً به افکار خودش توجه کند، پی خواهید برد آنها سریعاً تغییر می کنند. بسیاری از افکار در عرض یک ثانیه پدیدار می شود، و شما نمی دانید که آنها از کجا می آیند. برخی از افکار کاملاً عجیب و غریب هستند - آنها آن عقاید و تصورات گوناگون از بسیاری از زندگی های گذشته شما هستند. وقتی با مشکلی مواجه می شوید آنها پدیدار می شوند. هر شخصی عقاید و تصورات اکستایبی پس از تولد دارد که خودخواهانه هستند و از علایق خود او محافظت می کنند و به همین دلیل انسان ها بیشتر و بیشتر غیراخلاقی می شوند. به همین دلیل است که موجودات بشری به جای اینکه به سطوح بالاتر صعود کنند فقط می توانند به پایین سقوط کنند. موجودات روشن بین، بوداها و خدایان، می آیند تا مردم را نجات دهند چراکه این مسائل را می بینند. البته عوامل پیچیده متعدد دیگری نیز درگیر هستند. خدایان صرفاً هر کسی را نجات نخواهند داد - تمام آنها درصدد این هستند که فقط افراد خودشان را نجات دهند. البته من راز دیگری را آشکار کرده ام. من تنها کسی هستم که تمام این محدودیت ها را برداشته ام تا همه را نجات دهم. برخی از شما می گویند که این رحمت معلم است که شما را نجات می دهد. درحقیقت، چیزهای بسیار زیادی هستند که شما نمی توانید بدانید. شما هرگز اجازه نخواهید داشت بفهمید که نجات دادن شما چقدر سخت است. درباره این بیندیشید: آن عقاید و تصورات پیچیده شما با مسائلی در سطوح مختلف آسمان، بهشت های مختلف و قلمروهای مختلف سروکار دارند. امروزه گفته ای در چین وجود دارد، که در آن، حل کردن و تدبیر امور به معنی «متعادل کردن امور به طور برابر و عادلانه» است. چگونه چنین اموری را به طور عادلانه و برابر هماهنگ می کنید؟

نظرات بسیار زیادی درباره نجات مردم وجود داشته است، اما هیچ کسی نمی داند چگونه باید مردم را تا سطوح بالا نجات داد - آن بیش از حد سخت است. همان طور که الان گفتم، تمام موجودات روشن بین در صدد نجات افراد خودشان هستند؛ آنها سایر افراد را در نظر نمی گیرند و نهایت سعی شان را می کنند تا آنها را راه ندهند. وقتی سایر افراد را وارد کنند، نه تنها نمی توانند آنها را نجات دهند بلکه ممکن است خودشان نیز به دردمس بیفتند. زیرا این جهان بیش از حد پیچیده است. حتی مفاهیم خوب و بد در سطوح خاصی متفاوت هستند. آنها مفاهیم بشری خوب و بد را ندارند. وقتی بر امور آنها تأثیر می گذارید، احتمالاً چیزهای بسیار زیادی از آنها را تحت تأثیر قرار داده اید، دنیاهاشان ممکن است تغییر کرده باشد و غیره. آیا می توانید مسئولیت آن را به عهده بگیرید؟ نمی توانید. انجام آن به زور، مانند انجام کاری بد می بود - حتی وقتی سعی می کنید مردم را نجات دهید. مانند

چیزی که تصور کرده‌اید نیست. یک تعهد بی‌نهایت سخت است. هر یک مرید یا شاگردی که اضافه می‌شود یک سهمی از سختی و دشواری را بر من می‌افزاید. اما هنوز هم می‌خواهم شما را نجات دهم و بهترین سعی خود را می‌کنم تعداد بیشتری را نجات دهم - تا هر تعداد که امکان دارد. برای تان مثال ساده‌ای می‌آورم: در نظر بگیرید که می‌خواهم شما را نجات دهم اما شما به مذهب مشخصی باور دارید. آن مذهب سابقاً از مذاهب راستین بوده، اما اکنون دیگر نمی‌تواند مردم را نجات دهد و به شکلی از امور سیاسی تبدیل شده است. پس برای نجات شما، باید شما را آگاه کنم که دیگر این مذهب نمی‌تواند شما را نجات دهد. آیا این مذهب رنجیده نخواهد شد؟ بنابراین مانع و مزاحمت ایجاد خواهد کرد، یا حتی انواع و اقسام کارهای بدی انجام می‌دهد. این مثالی ساده است.

البته من مسائل را تا این حد برای شما توضیح داده‌ام چرا که همه شما که اینجا هستید مریدان دافای من هستید. نمی‌توانیم بگوییم که بسیاری از مذاهب در گذشته بد بودند. تصدیق می‌کنم که مذاهبی مانند بودیسم، مسیحیت، کاتولیسم و نیز یهودیت و برخی مذاهب دیگر در تاریخ، راستین بودند. اما در این دوره تاریخی فعلی که ذهنیت بشر در اجتماع امروزی به [ذهنیتی] مدرن تبدیل شده، دیگر مردم قادر نیستند برای درک آن مذاهب از سرشت اصلی انسانی خود و آن حالت اصلی دیرینه خود استفاده کنند. به عبارت دیگر، ذهنیت شما از آن آموزه‌های اصلی آنها منفصل شده است. از آنجاکه دیگر نمی‌توانید آنها را درک کنید، نمی‌توانید به وسیله آنها نجات یابید و آنها مراقب شما نیستند. اما مردم در مذاهب به خود مباحثات می‌کنند و به دستاوردها و اعتبار خود می‌بالند تا کاری کنند که دیگران به آنها ایمان بیاورند و آنها را تأمین کنند. آنها به دنبال شهرت و نفع شخصی و حتی سیاست‌مدار شدن هستند. بنابراین ببینید و به آن نگاهی بیندازید: آیا این مذاهب هنوز راستین هستند؟ من نگفتم که بوداها، دائوها و خدایان راستین نیستند. من در حال اشاره به مذاهب هستم. مذاهب به وسیله موجودات بشری به وجود می‌آیند و تصدیق می‌شوند. خدایان، زیاد به مذاهب اهمیتی نمی‌دهند؛ بلکه فقط قلب انسان را در نظر می‌گیرند. اگرچه هدف شما رفتن به بهشت یک بودا یا عیسی است، اما رفتار شما مطابقت ندارد. وقتی کل مذهب به این شکل باشد، آیا می‌توانید بگویید که آن، مذهبی راستین است؟ به سختی بتوان گفت. من باید مسئول همه شما باشم. این را به شما می‌گویم زیرا نگرانم به وسیله آن مذاهب که قادر به نجات شما نیستند مسدود شوید.

مانند هر کسی دیگر، اینجا هستیم تا در این کنفرانس شرکت کنیم. به هر مشکلی که متوجه شوم اشاره می‌کنم.

همان طور که به سخنان شاگردان گوش می‌دادم، تعدادی از شما دیگر نمی‌توانستید آرام بنشینید و می‌خواستید شاگردان صحبت‌هایشان را کوتاه کنند تا من بتوانم صحبت کنم. این کنفرانس فا یک برنامه تبادل تجربه است. بگذارید آن را مختل نکنیم. فقط با اهداف خاص و به این منظور که به مسائل خاصی بپردازم درباره فا سخنرانی می‌کنم. وقتی مشکلاتی را متوجه می‌شوم، برای اینکه رشد شما را آسان تر کنم، آنها را روشن می‌کنم. البته سؤالات بسیار زیادی نیز وجود دارند که در طول دوره تزکیه پدیدار می‌شوند. بارها گفته‌ام که تمرین تزکیه ما در تمام نقاط دنیا باید از شکلی که در چین به کار می‌رود پیروی کند. چرا آن طور است؟ همان گونه که می‌دانید جامعه چین به لحاظ کنترل مردم، سفت و سخت در نظر گرفته می‌شود. اگر بتوانیم در چنین اجتماع سفت و سختی فا را به نرمی و آرامی منتشر کنیم، در آینده انتشار فا در هر اجتماعی احتمالاً بدون وارد آمدن هیچ گونه آسیبی میسر است. به عبارت دیگر، در طول دوره آموزش فا در طی سال‌ها، به افراد در چین گفته‌ام که چگونه کارها را باید انجام دهند. زمانی که مشکلات سربر می‌آوردند، آنها را برطرف می‌کردم تا از پیشرفت سالم و آرام اطمینان حاصل کنیم. همه شما از سایر کشورها و مناطق باید با آن منطبق شوید تا فا راه‌های انحرافی کمتری را برگزیند و تمرین‌کنندگان کمتر اذیت شوند. هدف این است.

تزکیه موضوعی بی‌نهایت جدی است. بگذارید به شما بگویم که در طول توسعه اجتماع بشری، حتی یک اتفاق نیز تصادفی نبوده است. دیدگاه من درباره توسعه اجتماع بشری تماماً با دیدگاه شما متفاوت است. تمام افکار و اندیشه‌های بشری برای منافع ملیت، منطقه، یا حتی خود شخص است؛ ایده‌هایی که بر چنین اساسی شکل گرفته همگی افکار بشری هستند. من امور را از این منظر نمی‌بینم. تجزیه و تحلیل تاریخ و نگاه به کل رشد و پیشرفت بشریت را به شیوه‌ای که شما به کار می‌برید انجام نمی‌دهم. چیزی که انسان‌ها درک می‌کنند محتمل است که خلاف حقیقت باشد، چرا که نقطه شروع آنها طلب کردن

خوشی و سعادت در میان خودشان است. خدایان در نظر دارند مردم درحالی که در میان توهم هستند در اسرع وقت کارمای‌شان را بپردازند تا بتوانند به مکان اصلی خودشان برگردند و آنگاه در راحتی و آسایش زندگی کنند. تفاوت اصلی این است. ضمناً انسان‌ها صرفاً می‌خواهند اینجا در آسایش زندگی کنند. البته، بدون اینکه فا را کسب کرده باشند این‌گونه فکر می‌کنند. اگر فا را کسب کنند، حالت ذهنی‌شان تغییر خواهد کرد و کاملاً متفاوت می‌شود. بنابراین اغلب می‌گویم برای انسان‌ها، برعکس اینکه چیز بدی باشد، چیز خوبی است که کمی سختی بکشند و با سختی مواجه شوند. و چرا این‌طور است؟ وقتی انسان‌ها می‌خواهند از خودشان حفاظت کنند، افکارشان از خودخواهی نشأت می‌گیرد- یک میل خدمت به خود. آنها نمی‌خواهند زجر بکشند، بلکه فقط خوشبختی و خوشی می‌خواهند. اما درباره آن فکر کنید. انسان‌ها، شامل بسیاری از مردم در اجتماع غربی، همگی به خوشبختی و خوشی تمایل دارند. این حقیقت دارد که در مقایسه با چین و بسیاری از کشورهای آسیایی شرایط زندگی آنها بهتر است. آن را سعادت عالی در نظر می‌گیرند، اما در واقع آنها از سختی‌های دیگری در رنج هستند. موجودات فناپذیر نمی‌توانند از رنج حاصل از تولد، پیری، بیماری و مرگ فرار کنند. بدتر از آن، سختی ناشی از نوسانات احساسات حاصل از امیال ارضاء نشده است. همچنین ممکن است احساس کنند که زندگی‌شان بدون هدف است و نمی‌دانند برای چه زندگی می‌کنند. آنها احساس انزوا و تنهایی می‌کنند. تنهایی غیرقابل تحمل برای بشر خطرناک‌ترین است و نیز بزرگترین سختی در تزکیه است. بنابراین انسان‌ها در روند تحمل سختی‌ها یا در محیط‌های گوناگون، می‌توانند تزکیه کنند و خودشان را رشد دهند. رنج کشیدن و مقداری تجربه ناکامی، چیز بدی نیست، زیرا همان‌گونه که خدایان آن را می‌بینند، پس از رنج کشیدن، کارمای شما حل و فصل می‌شود. مشکل شما هر چقدر جدی که باشد، باید آن را به‌طور مناسبی اداره کنید، با حالت ذهنی آرام و صلح‌آمیز. همان‌گونه که الان گفتم، وقتی ناسازگاری با دیگران را تجربه می‌کنید، باید درون خود را بررسی کرده تا اشکالات را در درون پیدا کنید- به بیرون نگاه نکنید. با انجام این کار، شین‌شینگ شما به‌طور بنیادی ارتقاء می‌یابد.

قبلاً گفته‌ای در دنیای تزکیه را ذکر کردم: برخی از افراد «پیشاپیش در دائو هستند بدون اینکه دائو را تمرین کنند.» این چه معنایی دارد؟ چنین فردی استطاعت ناچیزی در جامعه مردم عادی دارد و به‌طور مداوم با مصیبت‌هایی مواجه می‌شود. اما هرگاه مشکلات رخ می‌دهند، او قادر است با دیگران با مهربانی رفتار کرده و مشکلات را درون خودش بیابد. چنین شخصی واقعاً بهترین نوع موجود بشری است. اگر به همین شیوه به رفتار خود ادامه دهد و بتواند تا لحظه آخر زندگی‌اش بر آن استوار باشد، پی خواهید برد که دائو را کسب می‌کند. چرا می‌تواند دائو را کسب کند؟ برای مثال، همگی می‌دانید که مذاهب غربی با آنچه که من امروز آموزش می‌دهم و با آن روش‌های تزکیه در شرق نیز متفاوت است. آنها به «ایمان» باور دارند. تا زمانی که به خدا یا عیسی مسیح ایمان داشته باشید و آموزه‌های خدا را پیروی کنید، می‌توانید به بهشت بروید. آن همان ایده است.

البته، مذاهب غربی نیز در واقع تمرین تزکیه هستند. چرا این‌طور است؟ وقتی شخصی عبادت می‌کند، او به کارهای اشتباهش اعتراف می‌کند. دفعه بعد، او کار درست را انجام داده و انجام همان اشتباه را متوقف می‌کند. به تدریج رفتارش بهتر و بهتر می‌شود و هیچ یک از اشتباهات قبلی را تکرار نمی‌کند. آیا او بهتر عمل نمی‌کند؟ آیا او از طریق تزکیه شین‌شینگ خودش را رشد نمی‌دهد؟ تزکیه درباره تزکیه ذهن شخص است. پس آیا او ذهنش را ارتقاء نمی‌دهد؟ و آیا این نوع از ارتقاء، تمرین تزکیه نیست؟ با این حال او یک چیز را از قلم می‌اندازد: تمرین تزکیه ما ذهن و بدن را به‌طور هم‌زمان تعالی می‌بخشد، درحالی که روش تزکیه او فقط ذهن را تزکیه می‌کند. بنابراین در پایان زندگی‌اش توسط عیسی مسیح یا خدای غربیان، بیهوده، مورد قضاوت قرار خواهد گرفت تا معلوم شود آیا معیار لازم برای صعود به بهشت را دارد یا خیر. اگر داشته باشد، ایشان یک بدن الهی برای او خواهد آفرید و او را به بهشت می‌برد. اما روش تزکیه امروز ما، با مشخصات برخی روش‌های تزکیه باستانی در شرق شباهت دارد. درحالی که شین‌شینگ خود را بهبود می‌بخشید، بدن اصلی شما (بتنی) نیز در حال تبدیل شدن است و با ماده با انرژی بالا جایگزین می‌شود. این مشخصه روش تزکیه ما است.

در ارتباط با تزکیه بدن بودا، سابقاً گفته می‌شد که همان‌طور که شخص به‌طور فزاینده‌ای سطح خود را در طول تزکیه ارتقاء می‌دهد، یک کودک جاودان در ذن‌تی‌ان او پدیدار می‌شود. کودک جاودان به‌طور مداوم رشد می‌کند. وقتی قابل‌رویت می‌شود، تصویر یک کودک کوچک بودا یا کودک کوچک دائو را در بردارد. آن بزرگتر و بزرگتر می‌شود. وقتی به اندازه بدن

شخص رشد کرده باشد، جایگزین بدن فیزیکی اولیه شخص می‌شود. بودیسم به نیروانا باور دارد- بدن فیزیکی با خود برده نمی‌شود. آنهایی که توانایی دیدن دارند می‌توانند مشاهده کنند که وقتی بدن فیزیکی [این بعد می‌میرد و] دور انداخته می‌شود، یک بودا از بدن بیرون آمده و صعود می‌کند. مردم در شرق و غرب دیدگاه‌های متفاوتی دارند زیرا فرهنگ‌های آنها امروزه متفاوت است. در زمان‌های باستان، برخی از مردم در غرب نیز دائو را تزکیه کردند و برخی بدن‌شان را نیز تزکیه کردند. صرفاً این‌طور است که غربی‌های نوین میراث خود را گم کرده‌اند.

در طول چند سال گذشته در مناطق مختلفی بوده‌ام. در کوه‌های استرالیا موجودات خدایی سفیدپوست‌گونه‌ای را دیدم؛ همگی آنها خدایان زمینی در حال تزکیه بودند. در کوه‌های آلپ در اروپا و در کوه‌های راکی ایالات متحده نیز موجودات خدایی را دیدم. اکنون از شنیدن این هیجان‌زده نشوید- شما آنها را نخواهید یافت حتی اگر به آنجا بروید. به عبارت دیگر، آنها جرأت نمی‌کنند شما را ملاقات کنند. چرا این‌گونه است؟ زیرا آنچه شما تزکیه می‌کنید دافا است، که بی‌نهایت راستین است. بگذارید به شما بگویم که دلیل اینکه بی‌نهایت راستین بودن آن را احساس نمی‌کنید این است که تزکیه بدن سطحی شما کاملاً به آهستگی پیش می‌رود. در مقابل، وقتی تزکیه می‌کنید، تبدیل مواد میکروسکوپی زندگی‌تان به سرعت پیش می‌رود. چرا خیلی سریع پیش می‌رود؟ زیرا بدن شما در سر منشاء زندگی‌تان از همان ابتدا در آسمان قرار دارد. اما این مفهوم «آسمان» همان مفهوم بشری از فاصله نیست، یعنی آن‌طور که شما تصور می‌کنید. برای یک لحظه بیندیشید. اگر از مریخ به زمین نگاه کنید، آیا زمین در آسمان‌ها نیست؟ آن نیز در آسمان‌ها است. فضایی در فاصله کمتر از یک اینچ از انگشت خود را در نظر گرفته و به آن اشاره کنید، آیا آن آسمان نیست؟ آن نیز آسمان است. آن شبیه آسمان‌هایی نیست که با مفهوم بشری مسافت تصور می‌کنید. برای مثال، از مواد میکروسکوپی تا مواد میکروسکوپی، مانند سلول‌های بدن انسان، سلول‌ها از مولکول تشکیل شده‌اند و به دنبال آن، اتم‌ها، هسته‌ها، و نوترون‌ها هستند، تا جایی که در نهایت به نقطه‌ای می‌رسند که کوآرک‌ها و نوترینوها وجود دارند. این هنوز بسیار ابتدایی است. آن می‌تواند تا سطوح حتی میکروسکوپی تری ادامه یابد. از منظر مفهوم بشری مسافت، آنها چه در درون بدن‌تان یا در هر شیئی خارج از بدن‌تان باشند، فاصله زیادی بین آنها وجود ندارد و تقریباً یکپارچه هستند. اما گستره آن بدن کیهانی، بی‌نهایت عظیم است. هرچه یک ماده میکروسکوپی تر باشد یا هرچه ذره ماده میکروسکوپی تر باشد، دامنه کلی آن عظیم‌تر است. یک ذره کوچک است، اما از آنجاکه آن بدنی کلی است که از ذرات غیرقابل شمارشی تشکیل شده، بی‌نهایت عظیم است و حتی از محدوده بُعد انسان‌ها فراتر می‌رود. این بُعد انسان‌ها واقعاً بزرگ به نظر می‌رسد، در حالی که در واقع اصلاً بزرگ نیست.

در طول تزکیه‌تان، بدون توجه به اینکه با چه نوع مشکلی مواجه می‌شوید، تا وقتی بتوانید برای یافتن علت آن، از بررسی کردن خودتان شروع کنید، می‌توانید هر نوع مشکلی را حل کنید. وقتی با مشکلات مواجه می‌شوید مجبورید درون خود را جستجو کنید. همان‌طور که پیش‌تر گفتم، به این خاطر نیست که دیگران با شما به‌طور نامناسبی رفتار می‌کنند، بلکه این‌گونه است که چیزی اشتباه در سمت شما وجود دارد. برای مثال، اگر بدن کیهانی عظیم در هماهنگی باشد اما یک ناهماهنگی در سمت شما وجود داشته باشد، و یک موقعیت پیچیده فقط در جایی که شما هستید اتفاق بیفتد، شما کسی هستید که در هماهنگی با سایرین نیست. وقتی دلیل را درون خودتان تشخیص دهید و آن مشکل را تصحیح کنید، وضعیت آرام و هماهنگ می‌شود، و همه مجدداً با شما به‌خوبی رفتار خواهند کرد. از مثال ساده‌ای برای تشریح این اصل استفاده کردم.

از آنجاکه این یک کنفرانس فاست و افراد اینجا هستند تا سخنرانی‌شان را ارائه دهند، فکر می‌کنم آن باید ادامه یابد. فردا دوباره با شما صحبت می‌کنم و سپس به پرسش‌های‌تان پاسخ می‌دهم.

به شما گفته‌ام که تزکیه آسان نیست. شما سختی‌های بسیاری را تحمل کرده‌اید. تحمل سختی‌ها فقط در مذاهب راستین یا روش‌های تزکیه راستین روی می‌دهد. اگر روشی بتواند به آرامی و بدون هیچ سختی انجام شود، آن نمی‌تواند تمرین تزکیه نامیده شود و نمی‌تواند شخص را تا رسیدن به کمال راهنمایی کند- این یک حقیقت مطلق است.

با صحبت درباره تزکیه، از این فرصت استفاده می‌کنم تا درباره سلسله مذاهب گوناگون که امروزه در اجتماع وجود دارند صحبت کنم. می‌خواهم این را نیز روشن کنم که فالون دافای ما یک مذهب نیست، و من هرگز در مذهب درگیر نخواهم شد. فالون دافای ما مطلقاً یک مذهب نیست. همچنین بگذارید به شما بگویم که همگام با انتشار فا در جامعه، در سطوح مشخصی از این کیهان، اصلی وجود دارد که «ایجاد متقابل و بازدارندگی متقابل» نامیده می‌شود. یعنی درحالی که این فای راستین را آموزش می‌دهم، آموزش‌های شیطنانی نیز در مقابل پدیدار می‌شوند. این به سبب اصل ایجاد متقابل و بازدارندگی متقابل است. در این وضعیت، آنچه به آن نگریده می‌شود این است که شخص چه روشی را برمی‌گزیند و چه اصولی را برای آگاه شدن به آن انتخاب می‌کند. زیرا انسان‌ها به اراده و خواست خودشان به این سطح سقوط کردند، بدین وسیله مانع بودن در توهّم را برای خود ایجاد کردند. در میان این سرگشتگی، این که هنوز بتوانید روش تزکیه راستینی را تشخیص دهید و آنچه که به دنبال آن هستید، امری حیاتی می‌شود. درحقیقت، برای شما آسان نبوده است که بتوانید اینجا بنشینید و فا را کسب کنید. شما نمی‌دانید کدام یک از آگاهی‌های مختلفتان - چه خودآگاه یا ناخودآگاه - شما را راهنمایی کرده تا بر بسیاری از سختی‌ها غلبه کنید تا بتوانید این فا را کسب کنید.

همچنین برخی فرقه‌هایی وجود دارند که درحال اشاعه هستند. تمامی آنها درباره پایان دنیا آموزش می‌دهند - همگی درباره چنین چیزهایی صحبت می‌کنند. البته، گفته‌ام که بلایا وجود دارند. بودیسم نیز به آنها باور دارد، مسیحیت، کاتولیسم، و دائوئیسم نیز چنین عقیده‌ای را مطرح می‌کنند. این قانون تکامل کیهان است، اما قطعاً مانند چیزی نیست که این فرقه‌ها ادعا کرده‌اند. به علاوه، من نیز مشاهده کرده‌ام که چنین رخدادی ممکن است واقعاً در دوره خاصی از زمان وجود داشته باشد، اما غیرقابل حل نیست. می‌توانم اینجا با جدیت تمام به همه اعلام کنم که همه آن بلایای گفته شده درباره زمین، پایان جهان و چنین چیزهایی مربوط به سال ۱۹۹۹، مطلقاً وجود ندارد. چرا بلایا وجود داشته باشند؟ بگذارید اصلی را به شما بگویم. درنظر بگیرید که همانطور که اخلاقیات بشر رو به زوال می‌رود، تمام مواد درحال فاسد شدن هستند. به عبارت دیگر، آن آلوده شده است. درحال حاضر تمدن‌های نوع بشر در یک آشفتگی قرار دارد - ترکیب درهم و برهمی از انواع و اقسام چیزها هستند و نژادهای بشر بیشتر و بیشتر مخلوط می‌شوند. بشریت را واقعاً به مرحله بسیار خطرناکی سوق داده‌اند - این مسلم است. همان طور که گفتم، بلایا اتفاق می‌افتند زیرا بشریت تباه شده است.

پس چرا آن به اصطلاح «بلایا» دیگر وجود ندارند؟ گفتم که اکنون ۱۰۰ میلیون نفر در چین دافای ما را مطالعه می‌کنند. همچنین مریدان بسیاری در همه جا در سراسر دنیا این فا را مطالعه می‌کنند. این تعداد کاملاً قابل توجه شده است. اگر همه آنها در تلاش هستند که مهربان باشند، درحال تزکیه هستند و به عنوان افراد خوب رفتار می‌کنند، اگر این جهان یا زمین قرار بود ویران شود، چه اتفاقی برای تمام این افراد خوب می‌افتاد؟ آیا اصول آن این گونه نیست؟ نابودی فقط وقتی اتفاق می‌افتد که دیگر این سیاره خوب نباشد. با وجود این همه افراد خوب، چگونه می‌تواند نابود شود؟ به عبارت دیگر، چنین خطری دیگر وجود ندارد. (تشویق) این را به شما گفتم زیرا هر کسی که اینجا نشسته برای مطالعه این فا آمده است. از آنجاکه درباره این موضوع صحبت کرده‌ام، به شما با جزئیات توضیح خواهم داد تا آن مطالب شیطنانی و عقاید آشفته را تا حد بیشتری برطرف کنم.

همگی می‌دانید که درحال آموزش فا و عرضه نجات به مردم هستیم. به خاطر اینکه همه شما شخصاً از آن بهره برده‌اید، هر کسی که اینجا است به آن باور دارد. با شروع از فا و اصول آن، به طور حقیقی به این آگاه شده‌اید. اما می‌توانم به شما بگویم که اینجا نیستیم تا فقط مردم را نجات دهیم؛ آنچه انجام می‌دهم شامل نجات مردم می‌شود. از آنجاکه مفاهیمی که درباره آن صحبت می‌کنم در سطح بسیار بالایی هستند، برخی از تازه‌واردین درمیان شما احساس می‌کنند که پذیرش آن سخت است. قبلاً در رابطه با این موضوع صحبت کردم که تمام کیهان از سرشت بنیادین کیهان منحرف می‌شود و ناخالص می‌شود (درخصوص سرشت کیهان، آن را به طور واضح در جوآن فالون توضیح داده‌ام - جن، شن، رن - سرشت بنیادین کیهان است). وقتی تمام مخلوقات، مواد و موجودات در کیهان ناخالص می‌شوند، آن انحرافی از سرشت بنیادین کیهان است؛ آن از فا منحرف می‌شود. فای کیهان برای موجودات در سطوح مختلف محیط‌های زندگی خلق کرده است. وقتی درطول مدت زمانی طولانی، موجودات و مواد، ناخالص می‌شوند، آنها دیگر الزامات فا در آن سطح را برآورده نمی‌کنند. به همین دلیل است که موجودات می‌توانند سقوط

کنند- وقتی دیگر تطابق نداشته باشند نزول می‌کنند. هرچه بدتر شوند به پایین‌تر سقوط می‌کنند تا اینکه به این سطح بشری می‌رسند. این هنوز آخرین جایگاه نیست.

در این حالت، اگر چنین مشکلی در مقیاس کامل و بزرگی برای مواد پیش بیاید، خطر بسیار جدی و تشخیص آن سخت خواهد بود. اگر این فا را آموزش نداده بودم، و شما برای یاد گرفتن این فایانیده بودید، هیچ کسی میزان تباهی حال حاضر اجتماع بشری را متوجه نمی‌شد. به دلیل اینکه فا را مطالعه و درک کرده‌اید، وقتی به عقب نگاهی بیندازید و به اجتماع بشری نگاه کنید می‌توانید ببینید که بشریت چقدر بد شده است. بنابراین اگرچه امروز این فای کیهان را به شما آموزش داده‌ام، اما در گذشته حتی خدایان درباره آن نمی‌دانستند. هیچ موجودی اجازه نداشت بدانند در این کیهان فای وجود دارد. آنها فقط می‌دانستند که کیهان الزامات مختلفی برای چگونگی بودن موجودات در هر سطحی دارد- اصلاً هیچ چیز مشخص و صریحی نمی‌دانستند. بنابراین اگرچه در کیهان مدت‌زمانی که در طول آن به‌آهستگی از فای منحرف شده‌اند بسیار طولانی بوده است، اما نمی‌توانند روند این تحول را احساس کنند. من چنین وظیفه عظیمی را به‌عهده گرفتم. چرا این کار را انجام می‌دهم؟ دلایلی در پشت آن وجود دارد. البته اکنون نمی‌توانم آنها را توضیح دهم.

آنچه در حال گفتن آن هستم این است که وظیفه‌ای که به‌عهده گرفتم صرفاً ارائه نجات به موجودات بشری نیست. می‌خواهم تمام مواد و موجودات منحرف‌شده را نیز اصلاح کنم. (تشویق) در غیر این صورت، آنجا در آن بالا نیز خطرناک خواهد بود، و بدون توجه به اینکه تا چه سطح بالایی شما را قادر کنم به آنجا تزکیه کنید، هیچ جای امنی برای ماندن نخواهید داشت. بنابراین لازم بود که این کار انجام شود. نمی‌توانید تصور کنید که چقدر انجام چنین کاری سخت است. با اینکه این را برای شما توضیح داده‌ام، اما نمی‌توانید ببینید که در آن سوی دیگر چه کاری انجام داده‌ام. تصویری که من دارم صرفاً تصویر موجودی بشری است، لی‌هنگجی، با تصویر کامل بشری که اینجا نشسته است و با شما صحبت می‌کند. بنابراین باید مرا یک موجود بشری مانند خود در نظر بگیرید. چیزی که بیان می‌کنم صحبتی هراس‌انگیز نیست- صرفاً در حال آموزش فایانیده‌هاست و اصول فای کیهان را به شما می‌گویم. اینکه آن را باور کنید و بتوانید تزکیه کنید کاملاً به خود شما بستگی دارد.

با گفتن آن، مایلم از این فرصت استفاده کرده تا شما را آگاه کنم که این کیهان اساساً اصلاح شده است، فقط بشریت و مواد در این بیرونی‌ترین لایه هنوز ناتمام باقی مانده است؛ اما تکمیل آن در حال انجام است. گونگ من می‌تواند به‌طور کامل از شکافته شدن، منفجر شدن، یا سایر چنین فعالیت‌های این لایه از مواد جلوگیری کند- می‌تواند به‌طور کامل از آن ممانعت کند. (تشویق) بنابراین پدیده‌هایی که در تاریخ پیش‌بینی شد، مطلقاً دیگر وجود ندارد. البته این را نیز ذکر کرده‌ام که برای انجام این وظیفه، باید هرچه را که لازم است نگه داشته شود اصلاح کنم. قبلاً مثال یک سبب خراب را عنوان کردم. اگر سبب پوسیده باشد، نگه داشتن آن کار بدی است. در چشم موجودات در قلمروهای بسیار بالا، بشریت مانند سطل زباله است. آنها انسان‌ها را جزو گونه خود نظر نمی‌گیرند: «تو می‌خواهی آنها را بخشیده و نگه‌داری، چرا؟ اگر آنها را نگه‌داری، باید آنها را اصلاح کنی.» این فقط در مورد بشریت به کار نمی‌رود- تمام مواد، سیارات، حیوانات و چیزهای بسیار زیاد بر روی زمین را شامل می‌شود.

آنچه امروز انجام می‌دهم به‌منظور اصلاح بشریت و مواد کل زمین است- می‌توانم تمام این کارها را انجام دهم. از آنجاکه برای سایر ارگانیزم‌ها، گیاهان و حیوانات درک فا ضرورتی ندارد، می‌توانم آنها را مستقیماً تبدیل کنم- مستقیماً خلق دوباره آنها یا جذب آنها. به‌هرحال بگذارید فقط درباره انسان‌ها صحبت کنم. غیرممکن است که هر شخصی روی زمین را اصلاح کرد. چرا این‌طور است؟ زیرا برخی از مردم آنقدر بد شده‌اند که اجازه ندارند درباره فا بدانند. حتی اگر درباره فا بدانند، اجازه ندارند آن را یاد بگیرند چراکه دیگر سزاوار آن نیستند. تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از چنین افرادی وجود دارد، تعداد این افراد خیلی زیاد است. چه کار باید کرد؟ هرگز نگفتم بلایایی برای انسان یا برای زمین اتفاق می‌افتد. اما می‌توانم به شما بگویم که اصلاً تصادفی نیست که امروزه تعداد زیادی بیماری‌های لاعلاج و انواع و اقسام بلایای طبیعی در اجتماع رخ می‌دهد. علم نوین نمی‌تواند تشخیص دهد که تمام مواد، موجودات زنده هستند و همه آنها یک جنبه زنده دارند؛ فقط پدیده‌های فیزیکی را در سطحی ظاهری توضیح می‌دهد و نمی‌تواند سرشت زنده‌بودن مواد را آشکار کند. بنابراین مسلم است که بشریت در گستره‌ای وسیع از بین

رفتن را تجربه خواهد کرد. آنهایی که خیلی خوب نیستند قطعاً از بین می‌روند. مانند نیاز بدن انسان به متابولیسم است: بخش‌های نامناسب از بین می‌روند. چنین چیزی روی خواهد داد.

درحقیقت چنین چیزی در هر دوره تاریخی روی داده است. چندین هزار سال به این شکل بوده است. انسان‌ها کهنگی را از بین می‌برند و تازگی را پایه‌گذاری می‌کنند؛ بدن‌های‌شان درحال متابولیسم است. زمین و جوامع بشری نیز این‌گونه هستند، تولدها و مرگ‌ها وجود دارد. اما آنچه می‌گوییم این است که چنین اتفاقی که ویران‌کننده‌تر و در گستره وسیع‌تری خواهد بود روی می‌دهد. کسانی که واقعاً کارمای زیادی دارند دیگر نمی‌توانند به این شکل به هستی خود ادامه دهند. پس زمین چگونه می‌تواند حفظ شود؟ دقیقاً مانند تمرین تزکیه‌تان، همان‌طور که بدن‌تان درحال تبدیل شدن است، به همین شکل زمین جدید نیز ساخته می‌شود. برخی از افراد از خود می‌پرسند که وقتی زمین جدید ساخته شود آیا برای نقل و انتقال، سوار چیزی می‌شویم. این شیوه تفکر بشری و مفهومی بشری است.

همان‌طور که پیش‌تر گفتم، شکل‌گیری تمام مواد در کیهان از این طریق است که به‌طور متوالی ذرات و مواد میکروسکوپی، ذرات بزرگتر را می‌سازند تا اینکه به سطح سلول‌ها برسند- ذراتی در اندازه مولکول‌هایی که امروزه انسان‌ها می‌توانند مشاهده کنند. یعنی تمام مواد زیر سطح مولکول‌ها نو شده‌اند، و فقط این لایه سطحی مولکول‌ها یا حتی سطوح بیرونی‌تر باقی مانده است. به عبارت دیگر، زمین که به وسیله ذرات میکروسکوپی زیر لایه سطحی مولکول‌ها شکل گرفته است، هم‌اکنون یک زمین جدید است. این مواد در بعد لایه سطحی اجازه می‌دهد مردم خوبی که نگه داشته می‌شوند بر روی زمین جدید ادامه دهند، یک روز ناگهان پی می‌برند که جهان ناگهان تغییر کرده است؛ یا شاید یک روز صبح از خواب بیدار شده و پی ببرند که هر چیزی روی زمین نو شده است. به جز این، انسان‌ها چیز دیگری حس نخواهند کرد. مردم خواهند توانست تغییر را حس کنند، اما هیچ موج شوک‌آوری نخواهد بود.

چرا این‌گونه است؟ زیرا هر سطحی از ماده که زیر لایه سطحی قرار دارد از مواد میکروسکوپی ساخته شده است. وقتی ماده میکروسکوپی متلاشی می‌شود، ماده در سطح لایه سطحی نیز متلاشی و محو می‌شود؛ متلاشی شدن آن نامحسوس است و قابل دیدن نیست، دقیقاً مانند مه و دود است. در آن زمان، انسان‌ها هنوز در همان نقطه خواهند بود اما درواقع بر روی زمین جدید هستند. هدفم از گفتن این چیزها به شما این است که همگی را آگاه کنم که از یک جهت، آن به اصطلاح بلایا وجود ندارد؛ از سوی دیگر، خطرناک است که انسان خوبی نبود. این مسئله مستقیماً به انسان امروزه‌مان و نیز به تمرین تزکیه‌مان مربوط می‌شود.

بعد، از این فرصت استفاده می‌کنم تا به شما بگویم هیچ کسی نباید در سخنان من به دنبال چیزهای نو و غیرعادی باشد، نباید آنها را بدون توجه به زمینه و محتوا، نقل قول کند یا به‌طور بی‌ملاحظه و با وابستگی شوق و اشتیاق بیش‌ازحد یا سایر وابستگی‌های مختلف آنها را منتشر کند. شما، به‌عنوان مریدان، باید بدانید چه کار کنید. هنوز احساس می‌کنم برخی از افراد نمی‌توانند مطالب را پیش خود نگه دارند. اجازه دهید این را بیشتر توضیح دهم. چرا انسان‌ها این‌گونه هستند؟ چرا گفته می‌شود که بسیار ناکارآمد هستند؟ یکی، به‌خاطر اینکه خرد کمی دارند. به‌علاوه، مجبوند کارها را با استفاده از دست‌ها و پاهای‌شان و از طریق سخت‌کوشی و کار فیزیکی به‌انجام برسانند. درمقابل، یک خدا وقتی بخواهد کاری را انجام دهد، نیازی ندارد دست‌ها یا پاهایش را تکان دهد. آن خدا می‌تواند آن را با ذهنش انجام دهد- به هر چه که فکر کند به حقیقت می‌پیوندد. زیرا گونگ یک خدا در ذراتی وجود دارد که در گستره بی‌نهایت میکروسکوپی تا بسیار ماکروسکوپی هستند، و هر یک از آن ذرات، تصویر آن خدا را با خود دارند. گونگ او شامل ذرات در تمام اندازه‌ها می‌شود. هرگاه آن خدا بخواهد یک شیء را شکل دهد، آن را به‌طور هم‌زمان از میکروسکوپی‌ترین سطح تا تمام سطوح دیگر، و نیز تا لایه سطحی، می‌آفریند. همان‌طور که آن خدا فکر می‌کند، گونگ او به شیئی که وجود نداشت، در میدان زمانی بسیار سریع، هستی می‌بخشد. به همین دلیل است که یک بودا چنین قدرت‌های عظیمی دارد و یک خدا بسیار توانمند است.

ازسوی دیگر، موجودات بشری ناکارآمدترین هستند. مجبورند با بدن فیزیکی خود برای انجام هر کاری تقلا کنند. برای ساختن یک ساختمان، افراد بسیار زیادی باید بالا و پایین بروند، دقیقاً مانند صدها مولکول که اینجا و آنجا، عقب و جلو، مشغول کار کردن هستند. این بدترکیب‌ترین شیوه است. بیشتر این که، وقتی یک بودا بخواهد کاری انجام دهد- برخلاف موجودات بشری که کارها را در این زمان بشری انجام می‌دهند- آن در بعد سریع‌ترین زمان انجام می‌شود. بنابراین می‌تواند در این بعد فوراً انجام شود؛ در میدان زمان بشری، به نظر می‌رسد که صرفاً با یک فکر انجام می‌شود. هر چه سطح تزکیه شخص بالاتر باشد، قدرت او بیشتر است و به میدان‌های زمانی بیشتری می‌تواند فرمان بدهد.

بعد، به پرسش‌های تان پاسخ می‌دهم.

پرسش: پسر چهار ساله من بسیار دوست دارد نوشته‌ها و جوآن فالون استاد را از بر بخواند، اما او نمی‌خواهد تمرین‌ها را انجام دهد. آیا این تزکیه به حساب می‌آید؟

معلم: بچه‌های کوچک مانند ما بزرگسالان نیستند. بچه‌های کوچک دوست دارند بازی کنند. این طبیعت آنهاست، و از آنجاکه صرفاً به این شیوه زندگی می‌کنند، نمی‌تواند یک وابستگی در نظر گرفته شود. اگر یک کودک بتواند فا را مطالعه کند، بهترین چیز این است که به او اجازه دهیم آن را مطالعه کند. من بسیار دوست دارم کودکان را تماشا کنم زیرا افکارشان، ذهنیت‌شان و بدن‌شان بسیار پاک است. اگر آنها تمرین تزکیه را انجام دهند حقیقتاً می‌توانند به سرعت پیشرفت کنند. آنها هیچ‌یک از وابستگی‌هایی که بعداً در زندگی رشد می‌یابد را ندارند. برخی از کودکان وقتی به آموزش‌های فا گوش می‌دهند، به طور همزمان که می‌شنوند بازی هم می‌کنند، گویی که چیزی نمی‌شنوند. در حقیقت آنها همه آن را می‌شنوند. اگر از آنها پرسید، درمی‌یابید که آنها همه چیز را می‌دانند. بسیار خوب است اگر یک کودک بتواند تمرین‌ها را انجام دهد، اما اگر بسیار کوچک باشد، امکان‌پذیر نیست. از آنجاکه او یک کودک خردسال است باید بازی کند. باید با کودکان خردسال به گونه‌ای متفاوت رفتار کرد.

پرسش: به هنگام اشاعه فا در میان سفیدپوستان، متوجه شدیم تعدادی از آنها نمی‌توانند از باورش‌شان به مسیح دست بردارند. این چه تاثیری بر تزکیه آنها در دافا دارد؟

معلم: من درباره موضوع «هیچ راه دومی را تزکیه نکردن» صحبت کردم. اگر فرد نتواند منحصراً بر تزکیه دافا تمرکز کند، نمی‌تواند در دافای ما به کمال برسد. پیش‌تر گفتیم که تمام کیهان، یا حتی وسعتی بزرگتر، از فا منحرف شده‌است. آیا آن شامل بشریت نمی‌شود؟ آیا مذاهب توسط موجودات بشری تأسیس نشدند؟ اگر تمام موجودات در کیهان از فا منحرف شده‌اند، آیا بهشت‌هایی که انسان‌ها به آنها باور دارند، شامل آن موجوداتی نمی‌شوند که از فا منحرف شده‌اند؟ اگر تمام بهشت‌های بوداها، دائوها، و خدایان، همگی قسمتی از آن باشند، درباره آن فکر کنید که این چه نوع مشکلی می‌تواند باشد. بدون توجه به اینکه چه کسی در آن سال‌ها آموزش داد- مسیح، شاکيامونی، لائو‌زی، یا یهوه- در آن زمان که آنها در حال آموزش بودند، تمام موجودات و حیات‌ها در کیهان، مدت‌ها بود که از سرشت بنیادین کیهان منحرف شده بودند.

بگذارید با استفاده از این زمخت‌ترین زبان برای تان مثالی بزنم. فرض کنید بهشت‌های بوداها و خدایان، از طلا ساخته شده باشد، اما در طول مدت‌زمانی طولانی ناخالص شده‌باشند و دیگر طلای خالص نباشند. آنها هنوز هم از طلا ساخته شده بودند، اما آن طلا فقط ۱۶ یا ۱۸ عیار بود. اکنون، فا اصلاح می‌شود؛ آن طلا خالص، ناب و ۲۴ عیار است. اما مذاهب یا روش‌های تزکیه‌ای که آنها از خود به‌جای گذاشتند همگی از آن دوران طلای ۱۸ عیار یا ۱۶ عیار آمده است، و نمی‌توانند مطابق با معیار بهشت‌های جدید بوداها و خدایان باشند. آیا شخص هنوز هم می‌تواند به بهشتی با طلای خالص ۲۴ عیار برود؟ حتی اگر یک عدد از چنین مولکولی به آنجا بازگردد، آن بهشت را آلوده می‌کند؛ بنابراین اجازه داده نمی‌شود این اتفاق روی دهد. آیا موضوع این نیست؟ بنابراین از این فرصت استفاده می‌کنم تا به شما بگویم که هیچ‌یک از مذاهب در دنیای امروزه- شامل تمام

آن مذاهب راستین که بوداها آموزش دادند، و من آنها را پلید نمی‌نامم - دیگر نمی‌توانند برای انسان‌ها شرایطی مهیا کنند که به کمال برسند.

بدون توجه به اینکه یک فرد چه مذهبی برمی‌گزیند و چقدر خوب تزکیه می‌کند، حتی اگر او کاملاً آنچه که توسط یک بودا یا مسیح در آن سال‌ها آموزش داده شد را پیروی کند، بیشترین چیزی که او می‌تواند انجام دهد این است که به بالاترین اصولی برسند که شاکيامونی یا مسیح در آن زمان آموزش دادند. اما آن هنوز از همان طلای ۱۶ یا ۱۸ عیار است. آیا او هنوز می‌تواند به بهشت طلای ناب برود؟ این‌گونه نیست که بگویم شاکيامونی یا مسیح به اندازه کافی خوب نیستند. آنچه که می‌گویم این است که موجودات در کل کیهان از فاجعه منحرف شده‌اند، و هر دوی آنها در میان این عناصر هستند - این‌گونه است. وارد جزئیات نمی‌شوم، چراکه آن موضوعی بزرگ است. انسان‌ها صرفاً به‌طور لجوجانه‌ای به یک راه اشتباه می‌چسبند؛ فقط به چیزی که اکنون می‌توانند ببینند باور دارند. انسان‌ها عادت‌ریشه‌دار و بسیار وخیم نیز دارند - به‌طور منطقی به مسائل نمی‌نگرند؛ بلکه دوست دارند به‌طور احساسی بنگرند. به‌خاطر احساسات شان نمی‌توانند آن چیزهایی را که از زمان‌های گذشته به ارث برده‌اند رها کنند و از خردشان برای تجزیه و تحلیل آنچه که واقعاً خوب یا بد است استفاده نمی‌کنند.

پرسش: وقتی که فا را به سفیدپوستان اشاعه می‌دهیم چه چیزی را باید مورد ملاحظه قرار دهیم؟

معلم: مردم نژاد سفید شیوه تفکر متفاوتی نسبت به مردم نژاد زرد، مانند ما، دارند، بنابراین باید خصوصیات ویژه آنها را در نظر بگیرید. آنها را به‌وسیله شیوه‌های پیچیده تفکر چینی و زبان چینی سردرگم نکنید. آن باعث می‌شود آنها فکر کنند «این بسیار سخت است»، و نتیجه خوبی به‌دست نمی‌آید. بنابراین پیشنهاد من این است: وقتی سعی می‌کنید سفیدپوستان فا را کسب کنند، ابتدا (نسخه بازنگری‌شده) فالون گونگ چین را به آنها نشان دهید. پس از اینکه آن را مطالعه کردند، می‌توانند جوآن فالون را بخوانند. به این طریق، نسبتاً برای شان آسان است که یاد بگیرند. اگر با خواندن جوآن فالون شروع کنند، احتمال دارد اکثر آنان اگر درک نکنند، آن را رها کنند. البته کسانی نیز هستند که به‌طور استثنایی خوبند و می‌توانند فقط با اولین نگاه وارد شوند. مسئله دیگر این است که شما باید راه‌هایی پیدا کنید که آنها خواندن کتاب برای بار اول را به اتمام برسانند. اگر در نیمه راه توقف کنند، برای شان سخت خواهد بود که فرصتی دوباره برای خواندن آن پیدا کنند؛ اگر بعداً از آنها بخواهید که آن را مطالعه کنند یا بخوانند، به‌ناچار می‌گویند وقت ندارند. همیشه همین‌طور است. درحقیقت، آن کارمای فکری است که آنها را از ادامه خواندن کتاب بازمی‌دارد، چراکه آن می‌ترسد. بعد از خواندن این کتاب، کارمای فکری آنها می‌تواند از بین برود.

پرسش: ما دافا را به ایستگاه‌های رادیویی، تلویزیونی، و روزنامه‌های امریکایی معرفی کرده‌ایم، اما هیچ پاسخی دریافت نکردیم. آیا باید به این تلاش‌ها ادامه دهیم؟

معلم: اصلی را به همه می‌گویم. احتمالاً همه شما درباره روش استوار من در انجام کارها می‌دانید. گفته‌ام که هیچ شکلی از مذهب تمرین نخواهد شد؛ این‌گونه نیست که تک‌تک اسامی شما را در یک لیست عضویت، مانند آن [لیست‌های] مردم عادی بنویسیم. ما هیچ تشریفات، یا اداره، و هیچ چیز ملموسی نداریم. هر چیز ملموسی می‌تواند وابستگی‌های بشری را تحریک کند بنابراین هیچ جایی در تمرین تزکیه ندارد. چیزهایی که باید رها کنیم صرفاً پول، ثروت، شهرت و نفع شخصی نیست. بگذارید این را به شما بگویم: از آنجاکه فای ما در جامعه بشری اشاعه می‌یابد و بسیار عظیم است، به همان نسبت الزامات برای اشاعه چنین فای بزرگی باید بالاترین باشد. شما نمی‌دانید چرا چنین شیوه بدون شکلی را برگزیده‌ام. زیرا فای ما بسیار والا است، منصفانه این است که باید «راه بزرگ بدون شکل» را برگزینید تا این فا را در جهان دنیوی اشاعه دهید. خیلی‌ها پیش از این آمدند تا فا را آموزش دهند، مانند بوداها، عیسی مسیح خدای غربی و حتی یهوه. همه آنها مردم را دور هم جمع کردند، بیم آن را داشتند که درگیر این صورت، مردم آن را به‌خوبی مطالعه نکنند یا سقوط کنند. بنابراین مردم را جمع کردند تا با همدیگر تزکیه کنند. شاکيامونی از مریدانش خواست تا موهای خود را بتراشند و کاسایاس بپوشند. مریدان عیسی وارد دیرها می‌شدند. می‌توانم به شما بگویم که علت اینکه آنها آن کار را انجام دادند این بود که فایی که اشاعه می‌دادند کوچک‌تر بود. آنها

نمی‌توانستند بدون چنین الزاماتی مردم را نجات دهند. در مقابل، امروز ما چنین فای با عظمتی داریم که قطعاً جرأت می‌کنیم چیزها را باز گذاشته و اجازه دهیم همه چیز به خودتان بستگی داشته باشد - فقط قلب‌تان اهمیت دارد. گفتم که دری بسیار بزرگ را گشوده‌ام. درحقیقت نمی‌دانید که اصلاً دری وجود ندارد. آن کاملاً باز است - فقط قلب‌تان مهم است!

بگذارید بگویم شما از بعدها و بهشت‌های مختلف برای کسب فای آمده‌اید. ذهن‌های بشری شما نمی‌داند. اگر بخواهید به بهشت خود برگردید، درباره آن فکر کنید: آیا می‌توانید این کار را با شیوه‌ها یا با مذهب‌ها از گذشته انجام دهید؟ قطعاً خیر. درمقابل، فای ما امروز می‌تواند تمام موجودات را نجات دهد و آنها را به مکان‌های اصلی خود بازگرداند، زیرا این فای عظیم کیهان است. بر این اساس، الزامی که در پی آن می‌آید این است که شیوه منتشر شدن این فای در جهان دنیوی باید بی‌نهایت راستین باشد. بنابراین به همگی گفته‌ام که ما درست‌ترین راه را انتخاب کردیم. از افراد می‌خواهیم که نفع شخصی، احساسات، و اهمیت به شهرت را رها کنند. با شروع از خودم، ما تمام این چیزها را دور می‌اندازیم. این تمام آن نیست. همچنین می‌گوییم درحالی که فای ما در اجتماع مردم عادی منتشر می‌کنید، باید با شیوه‌های اجتماع مردم عادی مطابقت داشته و آن را برهم نزنید.

درحالی که این فای منتشر می‌کنیم، به‌ندرت از طریق آگهی‌های تبلیغاتی، تلویزیون، و روزنامه‌ها تبلیغ کرده‌ایم و با اسراف و ولخرجی خودمان را عرضه نکرده‌ایم. خیر، این کار را انجام نداده‌ایم. در گذشته وقتی سخنرانی‌های فای را ارائه می‌دادم تمام گزارشات خبری که منتشر می‌شد به‌جز این مطلب چیزی نداشت: لی‌هنگجی اینجا است. تعداد بسیار بسیار اندکی از شاگردان بودند که دافا را به اطلاع عموم رساندند. با این حال، آن فعالیت‌ها اعمال شخصی خودشان بود؛ آنها به‌صورت انفرادی کارهای خوبی برای فای انجام می‌دادند. اگر دافای ما هر نوعی از تبلیغات رسانه‌ای را برای انتشار خودش استفاده می‌کرد، خودش را لکه‌دار می‌کرد. به همین دلیل است که ما چنین مسیری را انتخاب نکردیم. تصور کنید شما یک تمرین‌کننده و همچنین یک گزارش‌گر یا ویراستار یک روزنامه بودید: اگر می‌خواستید فای را ترویج دهید، آن یک عمل شخصی خودتان می‌بود - فای ما به آن نیازی ندارد. یک عمل شخصی یا یک خواست شخصی برای انجام کارها، یک تمایل شخصی است. اینکه به‌عنوان یک فرد کسی مایل به انجام کارهای خوب باشد، هیچ ربطی به فای ما به‌صورت یک کل ندارد.

چرا تعداد بسیار زیادی از مردم فای را مطالعه می‌کنند؟ همه شما می‌دانید که فای ما خوب است. از آنجاکه آن فای کیهان است، چه کسی می‌تواند بگوید که آن خوب نیست؟ حتی شورورترین افراد که در ظاهر با آن مخالفند در درون خود آن را تحسین می‌کنند. چرا آنها در ظاهر مخالف آن هستند؟ آنها می‌دانند که اگر هر کسی با خودش بر اساس این رفتار کند، در واقع نوبت آنها می‌رسد که نابود شوند. بنابراین کاری که شما برای انتشار این فای انجام می‌دهید عمل شخصی خودتان است. خود دافا هیچ نوع آداب و رسومی ندارد. ما «راه بزرگ بدون شکل» را به‌طور واقعی برگزیده‌ایم.

همگی شما وقتی به خانه می‌روید عضوی عادی از جامعه هستید. ما تنها به قلب‌تان بها می‌دهیم - ما هیچ‌گونه اصول و عقاید یا شروط اجباری از هیچ نوعی نداریم. در حقیقت هیچ‌کسی در گذشته جرأت انتخاب این مسیر را نداشته است. صرف‌نظر از اینکه چه مذهبی باشد، اگر شما به مردم می‌گفتید که به خانه رفته و بدون درگیر شدن در آداب و رسوم مذهبی یا فعالیت‌های پر از قصد، تزکیه کنند، آن مذهب منحل می‌شد. آنها مطلقاً جرأت انجام آن را به این شیوه نمی‌داشتند زیرا فای آنها به‌اندازه کافی عظیم نبود. از سوی دیگر، ما جرأت انجام آن به این شیوه را داریم. وقتی به خانه می‌روید، همه شما شغل‌تان را انجام می‌دهید و زندگی‌تان بدون تغییر خواهد ماند. اما همگی شما فای ما در قلب‌تان نگه خواهید داشت، خود را تزکیه کرده و به‌طور واقعی خود را رشد می‌دهید. قبلاً گفته‌ام که بوداها و خدایان نه به مذاهب مردم عادی توجهی می‌کنند و نه آنها را تصدیق می‌کنند - آنها فقط به قلب مردم بها می‌دهند. چرا وقتی مذاهب دستکاری و نابود می‌شدند بوداها پا به میان نمی‌گذاشتند؟ چرا وقتی یک کلیسا ویران می‌شد مسیح دخالت نمی‌کرد؟ زیرا آن کارها همگی اعمال بشری بودند. انسان‌ها می‌خواستند کار خوبی انجام دهند و بنابراین معابد یا کلیساها را می‌ساختند تا وسیله‌ای برای مردم مهیا کنند تا بودا یا مسیح را عبادت کنند. آنها آداب و رسومی بودند که توسط موجودات بشری اتخاذ می‌شدند. از سوی دیگر، خدایان و بوداها، فقط به قلب بشر بها می‌دهند. بنابراین ما اصلاً درگیر هیچ تشریفاتی نمی‌شویم.

البته، همان‌گونه که قبلاً گفته‌ام، دلایل حتی بیشتری وجود دارد که چرا نباید در سیاست دخالت کنیم. ما مطلقاً نباید در سیاست درگیر شویم. توسعه جامعه بشری، شرایط یک کشور و روابط میان موجودات بشری همگی توسط سیر تکامل اجتماعی تعیین می‌شود. انسان‌های عادی نمی‌توانند به خواست خودشان مانع آن شوند. تمام کاری که انسان‌ها می‌توانند انجام دهند این است که مغز خود را تحت فشار قرار داده تا سعی کنند به جلو پیش بروند، به شدت مطالعه کرده تا چیزی به دست آورند، یا آرمان‌های دیگری داشته باشند؛ اما بدون تغییرات کیهانی، موجودات بشری نمی‌توانند چیزی را تغییر دهند. رشد و توسعه بشریت در مسیری از پیش تعیین شده است، و در رشد و توسعه خود، هر قدمی که به پیش برمی‌دارد خارج از مسیر نمی‌رود. بنابراین یک تزکیه‌کننده از انسان‌های عادی فراتر می‌رود. چرا باید خود را نگران امور بشری کند؟ سیاستمداران در مذاهب خاصی، برای خاطر استقلال، سرزمین، یا حتی به اصطلاح «موقعیت»، وارد سیاست می‌شوند. بعضی از آنها حتی مردم را می‌کشند یا درگیر فعالیت‌های تروریستی می‌شوند - این اهریمنی است. من می‌گویم آنها تزکیه‌کننده نیستند. یک تزکیه‌کننده در امور سیاسی مردم عادی دخالت نمی‌کند. آن افراد صرفاً سیاستمداران هستند. آنچه یک بودا یا خدا می‌خواهد بهشت آسمانی است. چرا جنگ برای قلمروی بشری؟ آیا فکر می‌کنید آن افراد تزکیه‌کننده هستند؟ آیا آنها مطابق ضوابط و معیار هستند؟ اما موجودات بشری هنوز هم آنها را موجودات الهی در نظر گرفته و به آنها مانند موجودات الهی احترام می‌گذارند. درحقیقت، برخی از آنها حتی افرادی درخور و شایسته هم نیستند؛ آنها به جهنم خواهند رفت.

پرسش: آیا محیط مادی جامعه بشری که به مدت بیش از هزاران سال وجود داشته است یکی از عوامل ایجاد کارمای فکری است؟

معلم: بله، البته. اگر به خاطر این محیط مادی نبود شما هیچ کارمایی ایجاد نمی‌کردید. بدون این محیط جاری بشری، شما قادر نمی‌بودید کارهای خوب یا بد انجام دهید. بدون این محیط، شما نمی‌توانستید یک موجود بشری باشید - مطمئناً این‌طور است. اما همزمان، اجتماع بشری خصوصیات ویژه خودش را دارد، بنابراین باید وجود داشته باشد.

پرسش: آیا سرشت اهریمنی/اجتماع آمریکا همان مانع بزرگی است که آمریکایی‌ها را از کسب فا باز می‌دارد؟

معلم: شما نمی‌توانید به این شکل بیان کنید. وقتی از حومه شهر و برخی شهرهای کوچک در ایالات متحده بازدید می‌کردم، مردم مهربان و سفیدپوستان خوش‌قلب زیادی دیدم. تمامی شهرهای بزرگ در دنیا نسبتاً پر هرج و مرج هستند؛ مردم خوب و بد با هم ترکیب شده‌اند، و تشخیص افراد خوب از افراد بد سخت است. معمولاً کسانی هستند که به‌طور استثنایی خوبند، همین‌طور افرادی که به‌طور استثنایی بد هستند، و این به خاطر اصل ایجاد متقابل و بازدارندگی متقابل است. بنابراین نباید به‌سادگی آن را به همه تعمیم دهید. ایالات متحده خصوصیات خودش را دارد. آن در رشد و توسعه سبک مدرن تفکر منحرف‌شده بشری، برای تمام دنیا، نقش مهمی ایفاء کرده است، که شامل هر حوزه و زمینه‌ای می‌شود، از قبیل هنر، فرهنگ، و ارزش‌های انسانی. این سبک مدرن، فرهنگی گمراه‌شده است - آن فرهنگ بشری نیست. این مسلم است. فکر می‌کنم فرهنگ آمریکا قبل از دهه ۱۹۵۰ فرهنگ بشری بود. مردم تا حد زیادی مهربان بودند. مردان غربی رفتاری شریف داشته و به شیوه‌ای بسیار متمدنانه عمل می‌کردند، و رفتار زن‌ها به‌گونه‌ای بود که زنان باید رفتار کنند. فکر می‌کنم خیلی خوب بود. امروزه زنان و مردان به‌نظر می‌رسد شخصیتی یکسان دارند. البته، در حال گفتن این نیستم که ایالات متحده خوب نیست.

همان‌طور که پیش‌تر گفتم، صرفاً در حال صحبت درباره تغییرات بشریت هستم. امروزه، مردم آسیایی نیز خیلی بد هستند. هر کسی به دیگری صدمه زده و مقاصد بدی دارد. مردم نمی‌دانند که وقتی دو نفر یکدیگر را ملاقات می‌کنند، بدون این که چیز زیادی بگویند شروع به آزار و اذیت یکدیگر می‌کنند. آن بدین خاطر است که در طول دوره‌ای طولانی از تاریخ فرهنگی، زندگی پس از زندگی، هرگز نمی‌دانید چه کسی چه چیزی به چه کسی بدهکار است. از آنجاکه زمانی بسیار طولانی گذشته است که شکایات و سپاس‌گزاری‌ها ایجاد شده است، وقتی مردم همدیگر را ملاقات می‌کنند، هر یک از آنها

می‌خواهند که گذشته بازپرداخت شود و به‌طور ظالمانه‌ای به یکدیگر آسیب می‌زنند. آیا شما نگفتید که مردم چینی در آمریکا با هم کنار نمی‌آیند؟ تمامی شما به سطح و ظاهر نگاه می‌کنید، درحالی که من به علل واقعی می‌نگرم. علت آن این است.

پرسش: من به‌وسیله سرشت اهریمنی تحت تأثیر قرار گرفته‌ام. آن به‌طور وحشیانه‌ای در اطراف یا درون بدنم حرکت می‌کند. مردم اطراف من نیز به رنگ سیاه، زرد، سبز یا رنگ پریده، مانند اهریمنان می‌شوند...

معلم: بگذارید این را به شما بگویم: هنگامی که برخی از مردم ادعا می‌کنند که درحال تزکیه دافا هستند یا شما ممکن است ادعا کنید که یک مرید دافا هستید، من باید ببینم آیا شما یک مرید حقیقی دافا هستید- اینکه به حرف بگویید عمل نمی‌کند. مریدان من باید به‌طور واقعی تزکیه را تمرین کنند، هنگامی که با مشکلات مواجه می‌شوند با پرسیدن این سؤال به دنبال وابستگی‌هایشان باشند: آیا مسبب ایجاد آن، مشکلی در ذهن من است؟ پس از صرفاً یکبار خواندن کتاب، برخی افراد ادعا می‌کنند که درحال تزکیه دافا هستند و اینکه با این مشکل و آن مشکل مواجه شده‌اند. ذهن آنها پر از موضوعات بشری است. وقتی در مشکلی می‌افتند با دیگران می‌جنگند، و در حین تضادها، مشکل را به‌جای درون خودشان در دیگران پیدا می‌کنند. آنها ادعا می‌کنند که مریدان من هستند، اما من آن را تأیید نمی‌کنم. اینها بدون شک دو چیز متفاوت هستند. البته، من به این پرسش یا این شخص اشاره نمی‌کنم.

آنچه می‌گویم این است که هر مشکلی می‌تواند حل و فصل شود، اگر در درون خودتان به‌دنبال نارسایی‌ها باشید. ممکن است پی ببرید که شخصی سابقاً مطالب آشفته بسیاری یاد گرفته و بدنش با پیام‌های آشفته احاطه شده است. او اغلب تصاویری وحشتناک دیده است یا بدنش واکنش‌های بدی داشته است. به‌خاطر این دلایل آمده تا دافای ما را یاد بگیرد، چراکه درباره قدرت عظیم دافای ما آگاهی پیدا کرده است. اما به همگی می‌گویم که این، با قصد آمدن برای کسب فایده همراه با وابستگی در طلب بودن است. این مؤثر نیست و چیزی کسب نخواهد شد. اما اگر در ابتدا، زمانی که هنوز این فایده را درک نکرده‌اید، چنین وابستگی را داشته باشید مخالفت نمی‌کنیم. اما با مطالعه فایده، باید از این نوع وابستگی‌ها رها شوید. در آن صورت هر حالتی می‌تواند رفع شود. فکر می‌کنم این موضوع را برای همگی روشن کرده‌ام. این موضوع به‌خوبی در جوان فالون تشریح شده است. شما باید کتاب را بیشتر خوانده و فایده را بیشتر مطالعه کنید. خواندن کتاب می‌تواند تمام مشکلاتتان را حل کند.

پرسش: همیشه حس می‌کردم که شخص مهربانی هستم، اما چرا نمی‌توانم آن نیکخواهی که معلم تشریح کرده‌اند را به دست آورم؟

معلم: این پرسش خوبی است. درحقیقت خود این پرسش یک وابستگی است. منظورم این نیست که نوشتن این پرسش یک وابستگی است. بلکه، شما به نیکخواهی‌تان وابسته هستید، که نمی‌تواند هرطور که مایلید بیاید. همان‌طور که سطح‌تان بالا می‌رود، آن بخشی از احساسات‌تان که پاک می‌شود خالی نمی‌ماند- به‌وسیله نیکخواهی جایگزین می‌شود، که به تدریج رشد می‌کند. در میان شما مریدانم که اینجا نشست‌اید، بسیاری حقیقتاً تا سطوح بالایی تزکیه کرده‌اید، اما چرا نیکخواهی آن سطوح بالا را ندارید؟ درحقیقت، نیکخواهی خدایان کاملاً با آن نیکخواهی که مردم مدرن تصور می‌کنند متفاوت است. قبلاً درباره این موضوع بارها با شما صحبت کرده‌ام. برای اینکه در اجتماع مردم عادی زندگی کنید، اجازه ندارید که در سطح و ظاهر بیش‌ازحد غیرمعمولی به‌نظر بیایید. اگر نیکخواهی بسیاری نشان می‌دادید، واقعاً دیگر نمی‌توانستید در میان مردم عادی زندگی کنید. به این دلیل، نیکخواهی شما و هر چیز دیگری که از طریق تمرین تزکیه به‌دست آورده‌اید در سطوح بسیار میکروسکوپی از هستی‌تان به‌سرعت درحال پیشرفت هستند، و آنها از لایه سطحی‌تان جدا می‌شوند.

زندگی بشری از ذراتی تشکیل شده که به‌طور متوالی از ذرات میکروسکوپی شکل گرفتند تا به مولکول‌ها که بزرگترین ذرات در سطح هستند برسند؛ به همین ترتیب مولکول‌ها سلول‌ها را شکل می‌دهند. همان‌طور که به تزکیه ادامه می‌دهید، مولکول‌های داخل بدن‌تان (من تنها می‌توانم آن را به این شیوه توضیح دهم چراکه زبان بشری محدود است) و ذرات میکروسکوپی زندگی‌تان به‌طور چشم‌گیری تغییر شکل می‌یابند تا با ضوابط فایده تطابق داشته باشد. سپس همان‌طور که تزکیه

بخشی از خودتان را به پایان می‌رسانید، همانند این است که آن جدا شده و به سمت دیگر می‌رود. همان‌طور که تزکیه بخشی دیگر را به پایان می‌رسانید، آن نیز جدا شده و به سمت دیگر می‌رود- حتی نیکخواهی شما به سمت دیگر می‌رود. مانند یک انبار می‌ماند که به نمایندگی از طرف شما، در حال ذخیره کردن هر چیزی است که از طریق تزکیه به دست آورده‌اید. اگر بدن شما در سطح و ظاهر خیلی به سرعت تغییر می‌کند تزکیه برای شما غیرممکن می‌شود. هر چیزی که می‌دیدید برای آن می‌خواستید اشک بریزید. هر کاری که انجام می‌دادید، مثل این می‌بود که آن بخش شما که به‌طور کامل تزکیه شده است همراه با شما آن را انجام می‌داد- معادل آن می‌بود که یک خدا کارهای بشری انجام می‌داد. حتی وقتی که کارهای بد انجام می‌دادید، معادل انجام آن توسط یک خدا می‌بود. در نتیجه سقوط می‌کردید. برای اینکه از سقوط شما جلوگیری کنیم، و همزمان شما را قادر سازیم تا بتوانید در میان مردم عادی به تزکیه خود ادامه دهید، آن قسمت از شما که به‌طور کامل تزکیه شده فوراً از آن بخش شما که هنوز به‌طور کامل توسط شما تزکیه نشده و هنوز از ذرات درشت و خشن تشکیل شده است جدا می‌شود. آن برای همیشه مانند یک خدا حفظ شده و همچنان آن طرف در موقعیت لوتوس می‌نشیند، درحالی که بخشی از شما که هنوز به‌طور کامل تزکیه نشده همیشه در بین مردم عادی مانند یک موجود بشری زندگی می‌کند. همان‌طور که به تزکیه‌تان از درون به سمت بیرون ادامه می‌دهید، به تدریج خود را کامل می‌کنید. وقتی مولکول‌ها در ظاهری‌ترین سطح کامل شده و جذب شود، گام آخر، کمال نهایی است. این مسیری است که ما انتخاب کرده‌ایم.

برخی از شاگردان پرسیدند، معلم من این‌گونه تزکیه کردم، اما چرا این‌طور است که احساس نمی‌کنم خیلی رشد کرده‌ام، و چرا این‌طور است که هنوز هم بعضی اوقات افکار نامناسب در ذهن من منعکس می‌شود؟ به شما می‌گویم که نگران نباشید. واقعاً اگر تمام مواد بشری از سطح پاک می‌شدند شما قادر به تزکیه نمی‌بودید. اگر شما افکار بشری نمی‌داشتید، می‌توانستید تمام افکاری که انسان‌ها ساطع می‌کنند را دریافت کنید. هر یک کلمه، عمل، و فکر یک شخص امروزی خودخواه است، و حتی بعضی افکار عمیق شرم‌آوری وجود دارند که نمی‌توانستید تحمل کنید. چگونه قادر می‌بودید در میان آنها زندگی کنید؟ چگونه می‌توانستید با آنها معاشرت کنید؟ بنابراین آن نمی‌تواند به این‌صورت باشد. برای مثال اگر شما یکصد بخش از بدن‌تان را به‌طور کامل تزکیه کرده باشید، تنها یک بخش می‌تواند از سطح شما جدا شود، بنابراین همیشه احساس خواهید کرد که رشدتان در سطح سریع نیست. این طبیعی است. با شنیدن آنچه اکنون گفتیم نباید فکر کنید: اوه، آن به این شکل کار می‌کند. پس من نگران نخواهم بود و هر کاری که بخواهم، انجام می‌دهم. من درباره اصول فا با شما صحبت می‌کنم. اگر خود را بر اساس الزامات محکم نگه ندارید یا اگر نتوانید مطابق با معیار عمل کنید، نمی‌توان گفت که در حال تزکیه هستید. ارتباط آن بدین ترتیب است.

پرسش: لحظه‌ای که بی‌توجه می‌شوم، چیزی که هستم برملا می‌شود.

معلم: خیلی خودتان را دست‌کم نگیرید. در واقع شما یک تزکیه‌کننده هستید. شما می‌توانید کاستی‌هایتان را ببینید، پس در آن لحظه از سطح افکار خود بالاتر رفته‌اید، هم‌اکنون از خود قدیمی‌تان فراتر رفته‌اید. یک شخص عادی نمی‌تواند کاستی‌هایش را ببیند. او فکر می‌کند هر چیزی درباره خودش خوب است، گویی که یک گل است، درست؟ از آنجاکه می‌توانید خودتان را تزکیه کنید، خودتان بررسی نمایید و کاستی‌هایتان را ببینید، پس آیا یک تزکیه‌کننده نیستید؟

پرسش: من دو اشتباه بزرگ مرتکب شده‌ام، و پس از آن بسیار پشیمان بوده‌ام. آیا آن کار روح‌کمکی من یا پیام‌هایم بود؟

معلم: اگر شما در میان مردم عادی کاری انجام داده‌اید، یا اگر کار بدی انجام داده‌اید، نمی‌توانید بگویید شما نبودید که آن کار را انجام دادید. همچنین نمی‌توانید این را از هم مجزا کرده که آیا آن آگاهی اصلی یا آگاهی کمکی بود که آن را انجام داد، چراکه شما یک بدن واحد هستید. بیشتر اینکه، نمی‌توانید بگویید تمام این کارها توسط کارمای فکری‌تان انجام شده است، چراکه دلیل آنها نیز ضعیف بودن آگاهی اصلی است. آن کارما با شما مداخله خواهد کرد تا زمانی که از آن رها شوید. وقتی آن کارما از بین نرفته باشد، رفتارهای بیرونی آن همگی باید رفتارهای شما در نظر گرفته شود. اگر شدیداً آن را پس بزنید، یا اگر

بتوانید آن را تشخیص داده و آگاهی اصلی خود را قوی نگه دارید، آن موضوع دیگری است. بنابراین اگر کارهایی که این کارما انجام می‌دهد را رد نکنید، باید مسئولیت آن را به‌عهده بگیرید. تزکیه درباره این است که این چیزهای بد را پاک کرد و همزمان آگاهی اصلی را قوی کرد. هنگامی که تزکیه می‌کنید بهتر این است که درباره کارهایی که در گذشته اتفاق افتاده‌اند فکر نکنید. بدون توجه به اینکه چقدر بد بودند، به‌رحال اتفاق افتاده‌اند. در آینده به‌خوبی عمل کنید به‌طوری که یک وابستگی رشد ندهید.

پرسش: ما تعدادی از کنفرانس‌های فا در ایالت متحده را ضبط ویدیویی کردیم و آن را به خویشاوندان در خارج نداده‌ایم. آیا این کار بر خلاف خواست استاد است؟

معلم: می‌توانم به شما بگویم که رویکرد تزکیه‌ای که دافای ما برگزیده بهترین و پاک‌ترین است. من حقیقتاً مسئول شما هستم تا مطمئن شوم که واقعاً بتوانید به کمال برسید. باید تمام آن چیزهایی که به تزکیه ما در دافا تعلق ندارد را از آن پاک کنم. حتی اگر آن چیزی باشد که من گفتم، چیزی که به مریدان در کشورها یا مناطق خاصی گفتم، یا چیزی که برای مناطق دیگر مناسب نیستند، آنها نیز باید پاک شوند. کلماتی که تنها به یک منطقه گفته شده است و کاربرد جهانی ندارد نیز باید پاک شود. نیت این است که شما را حقیقتاً قادر سازم تا بدون هیچ اختلالی تزکیه کنید - هدف این است.

برخی از افراد پرسیده‌اند: «آیا برای رشد شاگردان مفید نیست اگر درحال حاضر، پس از اینکه بازگشتیم سخنان امروز استاد را برای آنها به نمایش بگذاریم؟» اگر شما آن را ضبط کردید پس بگذارید باشد، اما با وابستگی شوق و اشتیاق بیش از حد یا هیجان، آن را در جامعه پخش نکنید. آن بدون اشکال است اگر پس از اینکه بازگشتید آن را در محل‌های تمرین یا به شاگردان در کشورتان نمایش دهید. اما می‌گویم به‌عنوان یک مرید نیازی ندارید که درباره جزئیات اداره کردن این مورد به شما بگویم. وقتی که همه آن را دیدند یا وقتی که کتاب‌های سخنرانی چاپ شدند صرفاً آنها را پاک کنید - همین. اگر شخصی با بی‌دقتی آنها را برای افراد دیگر ضبط کند، آنها را به نمایش بگذارد، آنها را پخش کند، یا از روی بی‌فکری در چاپخانه با تیراژ بالا آنها را منتشر کند، درواقع مرتکب بدترین عمل شده است. می‌گویم که چنین شخصی مطابق معیار لازم برای یک مرید دافا بودن نیست.

پرسش: من در تزکیه خود کوشا نبودم و در گذراندن آزمایش تمایل جنسی بارها شکست خوردم. اگر اکنون جبران کنم آیا هنوز مرا خواهید پذیرفت؟

معلم: بگذارید این را به شما بگویم: فکر نکنید به خاطر اینکه نتوانستید یک آزمایش را یک یا دو بار با موفقیت بگذرانید دیگر نمی‌توانید تزکیه کنید. درحقیقت تزکیه شما به همین شکل است. برخی از کسانی که به‌خوبی تزکیه می‌کنند آزمایش را می‌گذرانند؛ برخی افراد که به آن خوبی تزکیه نمی‌کنند آزمایش را به‌خوبی نمی‌گذرانند، یا حتی اصلاً آن را [با موفقیت] نگذرانده‌اند؛ اما این شخص می‌تواند آزمایشاتی از جنبه‌های دیگر را بگذراند. به این شیوه تلاش و تقلا از طریق آن و گذراندن آزمایشات به‌طور مناسب یا نگذراندن آنها - این چگونگی تمرین تزکیه است. اگر هرکسی می‌توانست هر آزمایشی را بگذراند، نیازی نمی‌داشتید که تزکیه کنید و فوراً یک بودا می‌بودید، آیا این درست نیست؟ اما زمانی که در یک آزمایش بارها و بارها شکست می‌خورید باید آن را جدی بگیرید. اگر اجازه دهید که برای مدتی طولانی آن ادامه یابد آیا هنوز درحال تزکیه کردن در نظر گرفته می‌شوید؟

پرسش: قبل از اینکه جوان فالون را مطالعه کنم، درمان بیماری به‌وسیله چی‌گونگ شغل من بود. پس از اینکه فالون گونگ را مطالعه کردم این شغل را رها کردم. آیا من می‌توانم طب‌بستی و طب سوزنی چینی را اکنون آموخته و آن را به عنوان یک شغل به‌کار گیرم؟

معلم: قطعاً هیچ مشکلی ندارد. طب سنتی چینی شکلی از درمان پزشکی در اجتماع بشری است. آن کاری بشری است و با تمرین تزکیه منافاتی ندارد. در مورد درمان بیماری‌ها با چی‌گونگ، به شما می‌گویم که مطمئن شوید آن کار را انجام نمی‌دهید. فکر می‌کنم اگر طب سنتی چینی و طب سوزنی را یاد بگیرید آن مسئله‌ای نیست - می‌توانید آن را آموخته و انجام دهید.

پرسش: ما تعداد اندکی از شاگردان را اینجا داریم، و در منطقه‌ای به صورت پراکنده زندگی می‌کنیم. مانند چین محیطی خوب برای یاد گرفتن فا نداریم. چگونه می‌توانیم محیط‌های بهتری بسازیم؟

معلم: آیا می‌دانید در آن روزها وقتی به پکن رفتیم تا فا را آموزش دهیم، در سمینار اول تنها ۲۰۰ نفر بودند؟ با این حال اکنون ۱۰۰ میلیون نفر هستند. تمامی شما متعهد هستید تا درباره فا به دیگران بگویید. آیا افراد بیشتری در آینده خواهند بود؟ محیط شخص توسط خودش ساخته می‌شود. درحقیقت بسیار خوب است که افراد بیشتری با همدیگر تزکیه کنند. آنها می‌توانند نظراتشان را مبادله کنند، از یکدیگر یاد بگیرند، به همدیگر کمک کنند تا پیشرفت کنند، و درباره چیزهایی که در تزکیه اتفاق می‌افتد با هم صحبت کنند. این اعتماد به نفس فرد را در تزکیه بالا خواهد برد. همزمان وقتی تمرین‌ها توسط یک گروه انجام می‌شود میدان انرژی بسیار قوی وجود دارد، و این قطعاً به تمرین‌کنندگان منفعت می‌رساند - مطمئناً این‌طور است. اگر یک شخص خودش تمرین تزکیه را انجام دهد، ممکن است زمانی که مشغول باشد آن را فراموش کرده یا به‌طور نامنظم در زمان‌های زودتر یا دیرتر آن را انجام دهد. در هر صورت بدون شک او آهسته‌تر پیش می‌رود.

پرسش: چرا این‌طور است که افرادی که در بعدهای دیگر می‌بینم همگی شبیه غربی‌ها هستند - برخی از آنها فرشته‌هایی با بال هستند - در حالی که هرگز آسیایی‌ها را ندیده‌ام؟

معلم: اگر شما آن را دیده‌اید بگذارید باشد. اگر آن را به روشنی برای‌تان تشریح کنم، ممکن است وابستگی جدیدی شکل داده یا دچار سوءتفاهم شوید. شاگردان ما ممکن است امروز ظاهری چینی داشته باشند، ممکن است سوئدی یا هر نوع دیگری از سفیدپوستان به نظر بیایید، اما شاید از نژاد دیگری باشید. کیهان بی‌نهایت بیکران است. شاید بعد از این که در تزکیه موفق شدید به بهشت خدایانی وارد شوید که شبیه غربی‌ها هستند. ممکن است موضوع این باشد. نمی‌گویم که قطعاً این‌گونه است - یک وابستگی رشد ندهید. نباید خیلی سربلند شوید یا به خود ببالید و گیج شوید و از حالا به بعد چیزهای مدرسه بودا را تزکیه نکنید. اگر سیستمی که امروز به شما آموزش می‌دهم را تمرین نکنید، نمی‌توانید به آن مکان بروید. اگر بگویید: «چیزی که استاد به ما آموزش می‌دهد به مدرسه بودا تعلق دارد، پس من فردا می‌روم در یک کلیسای کاتولیک عبادت می‌کنم»، شما نمی‌توانید به آن مکان برگردید. گفته‌ام که آموزش‌های من بر پایه مدرسه بودا است اما چیزی که درحال تشریح آن هستم فای کل کیهان است. کدام مدرسه درون محدوده فای کیهان قرار نمی‌گیرد؟ بنابراین دلیل آن این است. من بیشتر و بیشتر در آموزش فا صریح شده‌ام. شاید این برای تزکیه شما مفید نباشد. خودتان باید تزکیه کنید و به این چیزها روشن شوید.

پرسش: من سعی کردم تا یکی از اقوام را قانع کنم تا از تمرین چی‌گونگ بخصوصی دست بکشد. یک شب در طول خواب زمانی که از سوی او گوان‌دینگ دریافت می‌کردم، نتوانستم خود را به خوبی کنترل کنم. چیزهای بد بسیاری درون من ریخته شد. پس از اینکه از خواب بیدار شدم، سردرد داشتم و از آن به بعد اغلب سردرد می‌گیرم. باید چکار کنم؟

معلم: شما خود را به خوبی کنترل نکردید. یعنی وقتی او برای شما گوان‌دینگ انجام می‌داد مخالفت نکردید - عدم مخالفت شما به این معنی است که آن را می‌خواستید. در اثر آن یک لحظه ضعف، با گوان‌دینگ او موافقت کردید. باید این درس را به یاد داشته باشید و دفعه بعد خودتان را کنترل کنید. نگران نباشید، این یک آزمایش است. احساس سردرد شما حقیقی نیست؛ آن درحال یاد دادن به شماست تا کیفیت روشن‌بینی خود را بهبود بخشید. آزمایشاتی که در خواب متحمل

می‌شوید بخشی از تزکیه شما نیست. تحت آن شرایط شما را مورد آزمایش قرار می‌دهد تا دیده شود آیا تزکیه‌تان محکم است—چنین چیزی است. اگر بتوانید حتی در خواب‌ها نیز خودتان را به‌طور قاطع کنترل کنید، بدین معنی است که تزکیه شما در این سطح و در این زمینه محکم و استوار است. اما این فقط در شرایط شما در این زمان کاربرد دارد. بسیاری از رؤیاهای ممکن است رؤیا نباشند. اگر یک اهریمن واقعاً وارد شود، آن وضعیت دیگری خواهد بود.

پرسش: استاد یکبار شما گفتید این جهان ما کثیف و پلید است. همچنین گفتید چیزها در اینجا برای آن طرف باارزش هستند. این چگونه قابل توضیح است؟

معلم: اگر چیزی کاملاً سالم را از این جهان به آن دنیا ببرید، هیچ کسی آن را نمی‌خواهد. آن کثیف‌ترین چیز در نظر گرفته می‌شود، حتی کثیف‌تر از مدفوع—این حقیقت است. اما مواد در این جهان پس از اینکه از طریق یک روند تبدیل، جذب آن قلمرو شوند، باارزش هستند؛ ارتباط آن این‌گونه است. به عبارت دیگر، برخی از مواد از اینجا [به بالا] رفته‌اند، اما موادی که اینجا هستند از بالا افتاده‌اند. صرفاً چنین ارتباطی است. اسرار آسمانی همگی فاش شده‌اند.

پرسش: وقتی شخصی تا مرحله‌ای تزکیه می‌کند که کودک جاودانش بیرون می‌آید، چشم سوم او می‌تواند کودک جاودان را ببیند. معیار رسیدن به سطح میانی چیست؟

معلم: در گذشته تمرین‌کنندگان شیوه‌های خاصی از تزکیه در دنیای مادی می‌توانستند آن را ببینند. برای مثال، سابقاً در مدرسه دائو وقتی کودک جاودان (یوان‌یینگ) به اندازه یک کودک هفت-هشت ساله رشد می‌کرد، روح اصلی شخص وارد آن می‌شد و آن را کنترل می‌کرد و کودک جاودان از بدن بیرون می‌پرید. این تولد کودک جاودان نامیده می‌شد. آنقدر هیجان‌زده بود که نمی‌شد جلوی او را گرفت—هرچه باشد، آن یک بدن بوداگونه بود—و می‌خواست بیرون بیاید و در اطراف حرکت کند و بازی کند. اگر کودک جاودان را در بدن خود ببینید و او بیرون نیاید، آن تولد کودک جاودان نامیده نمی‌شود. اما شیوه تزکیه ما اجازه نمی‌دهد که آن بیرون بیاید یا حداقل در طول زمان حاضر اجازه نمی‌دهد. همانطور که گفتم این تنها بعدی است که هنوز به آن رسیدگی نشده است، و بسیار کثیف و خطرناک است. وقتی بعدهای سطوح بالاتر مورد رسیدگی قرار می‌گرفتند، درحقیقت بسیاری از موجودات به این بعد آمدند—حتی چیزهای بد از سطوح بسیار بالا به اینجا آمدند. برخی از افرادی که می‌بینید در خیابان راه می‌روند درحقیقت انسان نیستند. اگر این توانایی را داشته باشید، به این دنیا نگاهی بیندازید، خواهید دید که موجودات فضایی بسیار زیادی اینجا وجود دارند. اما آنها شبیه موجودات بشری هستند و شما نمی‌توانید این تفاوت را تشخیص دهید. تمامی اینها باید مورد رسیدگی قرار گیرند.

معیار برای رسیدن به سطح میانی چیست؟ آیا می‌توانید بدانید که تا چه سطحی قادر به تزکیه هستید؟ سطح میانی شما کجاست؟ برای آنکه مطمئن شد بتوانید تزکیه کنید، اکنون این‌گونه به شما آموزش داده شده است که تزکیه کنید. بنابراین شما هیچ راهی ندارید که بدانید، و اجازه ندارید که بدانید. یک‌بار که آن را بدانید وابستگی از خودراضی بودن یا وابستگی دیگری رشد می‌دهید—نمی‌توانید تصور کنید که ممکن است چه کار کنید. برخی از افرادی که در گذشته به این شکل تزکیه کردند تباه شدند. ناگهان، یک روز، شخص خود را در ظاهر یک بودا دید، بنابراین بیرون رفت تا استاد چی‌گونگ شود. او به خودش گفت: «من یک بودا هستم.» سپس بیرون رفت تا براساس آن چیزها عمل کند. از پیروی از هر کسی، حتی از استادش خودداری کرد. ممکن است شما بگویید که وسوسه نخواهید شد، اما آن وضعیت حال حاضر است که در آن هستید. وقتی این محیط را ترک کنید و چیزی ببینید، آیا به نوسان در نمی‌آیید؟ بنابراین برای اینکه مطمئن شویم همه می‌توانند به سرعت پیشرفت کنند، برخی از افراد اجازه ندارند ببینند. با این حال برخی‌ها اجازه دارند که ببینند؛ شریط هرکسی متفاوت است. همچنین مریدان بسیاری داریم که در شرف رسیدن به کمال هستند. درواقع هم اکنون به آن رسیده‌اند. فقط این‌طور است که هنوز اجازه ندارند کاری انجام دهند. اما به نظر می‌آید که خیلی چیزها می‌دانند. برخی از افراد با من صحبت

می‌کنند، مرا می‌بینند و می‌خواهند با من معاشرت کنند. این پدیده قبلاً اتفاق نمی‌افتاد، چراکه امکان نداشت چنین چیزی پیش بیاید. این نشان می‌دهد که شاگردان ما به سرعت در تزکیه‌شان در حال رشد هستند.

پرسش: برخی از مریدان را دیده‌ام که خودنمایی می‌کنند گویی از هر فرد دیگری بهتر هستند، و من تمایل دارم که از آنها فاصله بگیرم. آیا این پدیده‌ای عادی است یا به این معنی است که در تزکیه‌ام به خوبی عمل نمی‌کنم؟

معلم: تنها می‌توان گفت که این پدیده‌ای عادی است. برخی از افراد این وابستگی‌ها را دارند. برخی از شاگردان مان وابستگی‌هایی که از افکار افراد خاصی بیرون می‌آید را حس می‌کنند و نمی‌توانند آن را تحمل کنند- مخصوصاً افکار شاگردان جدید، چراکه افکار آنها بیشتر نشان داده می‌شود. این گونه نیست که بگوییم این شاگردان به خوبی تزکیه نمی‌کنند. بلکه به این خاطر است که وابستگی‌هایی که هنوز از بین نرفته‌اند آشکار می‌شوند. این چگونگی تزکیه است. وقتی یک وابستگی در او می‌بینید نمی‌توانید بگویید که او خوب نیست. و وقتی می‌بینید کارها را به خوبی انجام می‌دهد نیز نمی‌توانید بگویید که تا سطح بالایی تزکیه کرده است. یک شخص را فقط می‌توان به‌طور جامع مورد قضاوت قرار داد.

پرسش: استاد، در متن «شرح‌دادن فا» نوشتید که «به‌طور بشری اهریمنان پلید را پرورش داده‌اید...» این «اهریمنان پلید» چه هستند؟

معلم: اهریمنان چه هستند؟ آنها صرفاً اهریمن هستند. اهریمنان همیشه در این جهان وجود داشته‌اند. اهریمنانی که شما به آن اشاره می‌کنید اساساً چیزهایی از سرشت اهریمنی هستند که از شین‌شینگ یا افکار متجلی می‌شوند، که به این معناست که هنوز سرشت اهریمنی در مردم وجود دارد. یعنی، شاگردان مان ممکن است گاهی اوقات برای یکدیگر مانند اهریمن عمل کنند. گاه‌گاهی یک شخص ممکن است مانند یک اهریمن دیگران را مختل کند. اما نمی‌توانید بگویید او یک اهریمن است- فقط می‌توانید بگویید او چنین نقشی را ایفاء کرده است. شاید این شخص کاملاً خوب باشد. او هنوز در حال تزکیه خود است، فقط در آن زمان کاری را به خوبی انجام نداده و بنابراین مانند یک اهریمن برای دیگران عمل کرده است. همچنین برخی از افراد هستند که کارمای فکری نسبتاً بیشتری دارند. اهریمنانی که در نوشته «شرح‌دادن فا» به آن اشاره شده‌اند هستند که به فا آسیب زده و به تزکیه شما صدمه وارد می‌کنند. این‌طور نیست که نمی‌توانم در برابر این نوع از اهریمنان از شما محافظت کنم. می‌توانم به شما بگویم هر موقعیتی که در طول دوره تزکیه پیش می‌آید به شما مربوط است، بنابراین باید تزکیه کنید.

پرسش: چگونه باید آن سمتی که فا را کسب کرده است فا را اصلاح کند؟

معلم: شما در حال پرسش درباره نوشته «شرح‌دان فا» هستید. اینجا جزئیات آن را برای تان توضیح نخواهم داد. بدون توجه به اینکه چگونه نوشته «شرح‌دان فا» را درک می‌کنید، آن را اشتباه درک نخواهید کرد؛ صرفاً این‌گونه است که گستره درک تان محدود است. در واقع، آن را کلاً برای سمت بشری شما نوشتم. بلکه برای آن سمتی از شما که به‌طور کامل تزکیه شده‌ام. پس هر مقدار که بتوانید آن را درک کنید خوب است.

پرسش: مریدان در شین‌جیانگ مدتی طولانی است که استاد را ندیده‌اند.

معلم: آنها از من می‌خواهند که به آنجا بروم. از احساسات شما آگاهم. از همگی متشکرم. افراد در بسیاری از مناطق می‌خواهند به آنجا بروم. بگذارید ببینیم فرصت مناسب چه وقت می‌آید.

پرسش: واقعاً می‌خواهم به اشاعه فا کمک کنم اما بعضی اوقات می‌ترسم که شاید آن را به‌خوبی انجام ندهم و با اشتباهاتم باعث آسیب به دافا شوم. چگونه باید این را اداره کنم؟

معلم: دربارهٔ تجربیات خودتان به هنگام یادگیری فا صحبت کنید. درباره فا طوری صحبت نکنید که انگار آنها کلمات خودتان هستند- درباره فا با تفسیر اشتباه صحبت نکنید. دربارهٔ تجربیات خودتان صحبت کنید. اگر می‌ترسید به فا آسیب برسانید، می‌توانید درباره چیزهایی که خودتان تجربه کردید و در فا درک کردید و مانند آن صحبت کنید. سپس این کلمات را به آن اضافه کنید: «معنای این فا بسیار عمیق است. در سطحی که درحال حاضر در تزکیه به آن رسیده‌ام، آن را این‌گونه درک می‌کنم.» انجام آن به این شیوه به فا آسیب نمی‌زند. راه دیگر این است که، می‌توانید به شخص کلمات معلم را بگویید و بگذارید که درک خودش را داشته باشد. هیچ کدام از این شیوه‌ها به فا آسیب نمی‌رساند. اگر کلمات مرا به دیگران بگویید، طوری که انگار که آنها کلمات خودتان هستند، ناخواسته تأثیری بد ایجاد خواهد شد. گاهی اوقات شخص افکار و عقاید خودش را نیز به فا اضافه می‌کند، این‌طور می‌گوید که معانی کلمات خاصی این یا آن است. زمانی که او تعابیر خودش را می‌گوید بسیار بد است. آیا او به دلخواه فا را تفسیر نمی‌کند؟ درحقیقت، این فا معانی درونی عمیقی دارد- او نمی‌تواند حتی مقداری جزئی از آن را تعبیر کند. شخص ممکن است فقط این را بگوید: «پی می‌برم که این معنی در فا هست، و همچنان معانی بالاتری نیز وجود دارد.» این اشکالی ندارد.

پرسش: ما باید بی‌قصدی را تمرین کنیم و در امور مردم عادی دخالت نکنیم. درعین حال، باید در تمام شرایط علایق دیگران را در نظر بگیریم. چگونه باید این ارتباط را هماهنگ کنیم؟

معلم: یکی از اصول فا که آموزش دادم این است که هر کسی باید قلب و ذهن خودش را تزکیه کند، خود را تبدیل به شخص خوبی کند- یک شخص بهتر- و حتی مطابق معیار قلمروهای بالا باشد. وقتی مشکلات اتفاق می‌افتند، به درون خود نگاه کند. اگر در امور اجتماعی که شاهد آن هستید دخالت کنید، ممکن است آنها را به‌درستی اداره نکرده و احتمالاً اشتباه کنید. به همین دلیل باید تا جایی که می‌توانید آن را کمتر انجام داده یا اصلاً انجام ندهید. این را در نظر بگیرید: چرا راهبان در زمان‌های گذشته از دنیای مادی کناره می‌گرفتند؟ یک راهب حتی گوش‌هایش را با پنبه می‌پوشاند تا کل روز چیزی نشنود، چراکه نمی‌خواست به چیزی گوش دهد. او دهانش را با دهان‌بند می‌بست تا از صحبت کردن خوداری کند. او پی برده بود که از طریق شنیدن، چیزهای بد وارد می‌شدند. این‌طور به نظرش می‌آمد که هر چیزی منجر به کارما می‌شود.

آیا می‌دانید یک فرد شرور چه کسی است؟ چرا یک فرد شرور بد است؟ زیرا ذهن آن شخص با چیزهای بد بسیار زیادی پر شده است. او چیزهای بد بسیار زیادی آموخته است، و ذهنش پر از افکار شرورانه است. بدون توجه به اینکه آشکار باشد یا خیر، او یک فرد بد است. پس این چیزهای بد از کجا می‌آیند؟ آیا آنها از چیزهایی که شنیده است نمی‌آیند؟ [آن راهب احساس می‌کرد:] «من هیچ چیزی نمی‌خواهم، به چیزهای بد گوش نمی‌دهم، چیزهایی را که می‌بینم نادیده می‌گیرم، و به هیچ چیز گوش نمی‌دهم.» یک شخص خوب چه کسی است؟ شما شخص خوبی هستید اگر ذهن‌تان پر از افکار خوب باشد. اگر فقط افکار خوب در ذهن‌تان باشد، هر کاری که انجام می‌دهید مطابق معیار است. تمام رفتارها توسط مغز شخص هدایت می‌شود، بنابراین آنچه انجام می‌دهید قطعاً کارهای خوبی هستند. اگر شما، یک تزکیه‌کننده، همیشه بخواهید در امور مردم عادی دخالت کنید، دچار اشتباه خواهید شد چراکه نمی‌توانید نظم و ترتیب‌های مقدرشده را ببینید. اگر آن شغل شما باشد، البته که نمی‌توانید آن را نادیده بگیرید. در جامعه مردم عادی، اگر ببینید کسی به دیگری لگد می‌زند یا به او دشنام می‌دهد یا اگر ببینید مردم با یکدیگر در یک کشمکش دعوا می‌کنند و شما قدم پیش بگذارید و برای مقابله با بی‌عدالتی از کسی دفاع کنید، در آن صورت شما نمی‌بایستی در این امور دخالت می‌کردید. چرا این‌گونه است؟ پلیس و اشخاصی در موقعیت مسئولیتی برای انجام این کارها هستند. دست داشتن شما در این امور برابر است با مداخله کردن. به‌علاوه، کاری که انجام می‌دهید ممکن است صحیح نباشد. اگر شخصی در زندگی گذشته‌اش به دیگری یک لگد بدهکار باشد، آن را در این زندگی بازپرداخت کرده است. اگر شما دخالت کنید نمی‌تواند آن را بپردازد. از نقطه‌نظر یک شخص عادی، شما کار خوبی انجام داده‌اید و از نظر خدایی که این واقعه را نظم و

ترتیب داده است تا بدهی کارمایی تسویه شود، کار بدی انجام داده‌اید، چراکه یک تزکیه‌کننده دیگر نمی‌تواند توسط استانداردهای مردم عادی مورد سنجش قرار گیرد. بدین ترتیب این موضوع را نشان دادم که شما نباید این کارهای با قصد را انجام دهید.

چگونه باید منافع و علایق دیگران را در تمام شرایط در ذهن داشته باشید؟ از آنجاکه گفته‌ام تزکیه شما باید در بیشترین حد خود مطابق با جامعه مردم عادی باشد، باید در تماس با مردم بمانید. بنابراین موضوعاتی درخصوص منافع شخصی وجود خواهد داشت. اگر هنوز واقعاً خودخواه باشید، در شرایط مختلف اول به خودتان فکر کنید و دیگران را در نظر نگیرید، به شما می‌گویم که این خوب نیست. هرچه باشد، هنوز احتیاج دارید تا با مردم در اجتماع در تماس باشید. اگر در محل کار، صرفاً آنجا بنشینید، سرد و منزوی و کاری انجام ندهید، فکر می‌کنم رئیس‌تان شما را اخراج می‌کند. هنوز باید شیوه زندگی در جامعه بشری را رعایت کنید. باید در تماس با مردم باشید، با مردم مهربان باشید، و قبل از انجام کارها دیگران را در نظر بگیرید. در جامعه امروزی، برخی از تاجران فقط می‌خواهند از جیب مردم پول به‌دست آورند تا بتوانند فوراً ثروتمند شوند. درخصوص این موضوع، فکر می‌کنم تاجران سفیدپوست اروپایی حالت ذهنی بسیار خوبی دارند. یک تاجرسفید پوست، کارش را یک حرفه و یک وظیفه در نظر می‌گیرد، و آن را با تمام قلبش و با بهترین توانایی‌اش انجام می‌دهد. اگر فقط یک مشتری در روز داشته باشد اصلاً اهمیتی به آن نمی‌دهد. فکر می‌کند که آن شغلش است، بخشی از زندگی‌اش است، درحال انجام کاری است و تا زمانی که بتواند خودش یا خانواده‌اش را حمایت کرده و مقداری پس‌ازانداز کند خوب است. این حالت [طبیعی] موجود بشری است. امروزه تمایل مردم برای به‌سرعت ثروتمند شدن به‌طور وحشتناکی قوی است. حالت ذهنی‌ای که آنها را به پیش می‌راند این‌گونه است. مردم به‌سادگی به یکدیگر آسیب می‌زنند، انگار می‌خواهند تمام پول افراد دیگر را گرفته و در جیب خود بگذارند. چه بلایی بر سر بقیه می‌آید؟ چرا آنها درباره سختی‌های دیگران فکر نمی‌کنند؟ کارها را بدون اینکه اصلاً دیگران را در نظر بگیرند انجام می‌دهند. این ذهنیت بشر گمراه‌شده در جامعه مردم امروزی است. زمانی که روی چیزی کار می‌کنید به این فکر کنید آیا دیگران می‌توانند آن را تحمل کنند- یک موجود بشری باید این‌گونه باشد.

پرسش: لطفاً دوباره برای‌مان درباره معنی مقاله «راه میانه را برگزینید» صحبت کنید؟

معلم: تمام شاگردان باید بدانند که نباید فا را با تفکر و احساسات بشری درک کرد. ساده بگوییم، نکته این است. برای مثال کسی امروز با من مصاحبه کرد. او از من پرسید: «پس به ما بگویید سطح داخلی و خارجی جهان به چه شکل است.» به او گفتم: «مفهومی که شما عنوان کردید از حالت ذهنی بشری می‌آید. در این جهان آن نوع از سطح داخلی و خارجی که گفتید وجود ندارد- چنین مفهومی وجود ندارد. چیزی که گفتید افکار و حالت ذهنی یک موجود بشری است.» چیزی که سعی دارم به شما بگویم این است که شما نیز باید این حالت ذهنی بشری خود را تغییر دهید. یعنی، در زندگی روزانه یا درک فا، واقعاً دیگر نمی‌توانید با حالت ذهنی بشری به آن بپردازید، و نباید فا را با آن مواد بشری که به‌سختی به آنها چسبیده و رها نمی‌کنید درک کنید. معنی ظاهری «راه میانه را برگزینید» این است که به افراط نروید.

پرسش: معلم، شما بیان کردید که تقوای عظیم بوداهای بزرگ در بهشت‌هایشان همگی توسط خود آنها تزکیه شده‌است. اما از آنجاکه در بهشت‌های بوداها تزکیه سخت است، آیا آن به این معنی است که تمام آنها باید به این دنیای بشری بیایند تا تزکیه کنند؟

معلم: برای موجودات در کیهان دو منبع یا سرچشمه وجود دارد: یکی متولد شدن از والدین است و دیگری نتیجه حرکت ماده در کیهان است. محدوده آگاهی یک موجود که در قلمروی معینی به‌وجود آمده به بلندی همان قلمرو است. آن موجود توسط هیچ چیزی در سطوح پایین‌تر آلوده نمی‌شود و مجبور نیست مطابق معیارهای سطوح پایین‌تر باشد. لحظه‌ای که به وجود می‌آید مطابق با معیار همان قلمرو است. آیا نباید در همان قلمرو زندگی کند؟ سپس موجودات دیگری هستند که از طریق

تزکیه به آنجا می‌رسند. اینجا روی تزکیه تأکید می‌کنم چرا که شما تزکیه‌کنندگان هستید. در واقع، آن بخشی که از طریق تزکیه به آن بالا می‌رسند تعداد بی‌نهایت اندکی در کیهان هستند. بیشتر موجودات از همان قلمرو خودشان سرچشمه می‌گیرند.

پرسش: از اشتیاق بسیاری از شاگردان در اشاعه فا، بسیار تحت تأثیر قرار می‌گیرم، اما اغلب خودم بی‌تفاوت هستم. برای اینکه این حالت ذهنی را تغییر دهم باید چه کنم؟

معلم: من در این خصوص هیچ الزامی ندارم. نگفته‌ام که شاگردان ما مجبورند بروند فا را اشاعه دهند یا فا را به دیگران منتقل کنند. اگر کسی آن اشتیاق را نداشته باشد یا اگر او نخواهد پس از کسب فا آن را پخش کند، اشکالی ندارد. ملزم به انجام آن نیستید و این خطا محسوب نمی‌شود. اما می‌گوییم که شما، به‌عنوان یک شاگرد، زمانی که می‌بینید دیگران رنج می‌کشند باید به آنها درباره فا بگویید، چرا که شما رحمت دارید. هر چقدر پول یا هر نوع کمکی که به آنها بدهید به خوبی این نخواهد بود که آنها را از این فا آگاه کنید، این بهترین کاری است که می‌توانید انجام دهید.

پرسش: زمانی که تمرین‌ها را با آهنگ انجام نمی‌دهیم، آیا سرعت حرکات مان اثرات آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

معلم: بدون توجه به اینکه چقدر سریع آن را انجام می‌دهید خیلی آهسته نخواهد بود. سرعت ثابتی مقرر نشده است. شما در حال تقویت مکانیزم‌ها هستید، بنابراین این‌طور نیست که باید دقیقاً شبیه من باشد. اما وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهید، سرعت باید کم‌وبیش مانند صدای ضبط‌شده باشد. زمانی که به‌صورت گروهی انجام می‌دهید حرکات باید یکسان و منظم انجام شود.

پرسش: وقتی کودک جاودان شخص به اندازه خود او شده، رشد او متوقف می‌شود. بنابراین آیا بچه‌ها باید منتظر بمانند تا بزرگ شوند بعد تزکیه کنند؟

معلم: چگونه موجودات بشری می‌توانند با کودک جاودان مقایسه شوند؟ کودک جاودان از طریق عمل تزکیه پدید می‌آید. آیا کودکان بسیاری وجود ندارند که در حال تزکیه‌اند؟

پرسش: افکار افراد دیگر معمولاً می‌تواند وارد ذهن من شود. اگر کسی خواب‌آلود باشد، من نیز می‌خواهم بخوابم؛ اگر او عصبانی باشد، من نیز ناخشنود می‌شوم.

معلم: این حالتی است که در تزکیه پیش می‌آید. یعنی تمامی منافذ شما به‌طور کامل باز شده‌اند و شما می‌توانید پیام‌های خارجی را درک کنید. این یک توانایی فوق‌طبیعی نیست. فقط حالتی از روند تزکیه شخص است. اگر کسی در جایی از بدنش احساس درد کند، شما نیز آن را احساس می‌کنید؛ اگر شخصی در جایی احساس معذب بودن کند، شما نیز راحت نخواهید بود؛ اگر شخصی خوشحال باشد، شما نیز در همان زمان خوشحال هستید. درحقیقت، آن حالت وقتی اتفاق می‌افتد که سراسر بدن شما باز شده است. اما این مرحله به‌سرعت می‌گذرد. هرچه سریع‌تر در تزکیه پیشرفت کنید، این حالت سریع‌تر خواهد گذشت.

پرسش: شنیدم که در چین شاگردی بود که کمی پس از یادگیری فا درگذشت. او قبل از مرگش بر مصرف نکردن دارو بسیار اصرار داشت. چرا شخصی که حتی این چنین از مرگ نمی‌ترسد، می‌میرد؟

معلم: اگر فردی بیمار دارو مصرف نکند، می‌توانید از ظاهر تشخیص دهید که آیا آن به‌خاطر این است که در اعماق درونش می‌خواهد من بیماری‌اش را درمان کنم یا به‌خاطر این است که به‌طور محکم و استوار خودش را یک تزکیه‌کننده فرض می‌کند. اگر فردی عادی به یک بیماری مهلک مبتلا می‌شد و بر نخوردن دارو اصرار می‌ورزید بدون توجه به اینکه چه می‌بود،

آیا او می‌مرد؟ او می‌مرد، مگر نه؟ برای او زمان مرگش رسیده بود، بنابراین می‌مرد، چرا که فردی عادی بود. چگونه زندگی فردی عادی می‌تواند به‌طور اتفاقی طولانی‌تر شود؟ او ادعا می‌کرد که تمرین‌ها را انجام می‌داد. همگی درباره آن بیندیشید: اگر شما تمرین‌های فالون گونگ را انجام داده و کتاب‌ها را بخوانید، آیا این شما را مرید دافا می‌کند؟ اگر به‌طور کوشا پیشرفت نکنید و حقیقتاً برطبق استانداردهایی که آموزش داده‌ام عمل نکنید، چگونه می‌توانید مرید من باشید؟ اینکه شما مرید من باشید بستگی به این دارد که آیا من این را تأیید می‌کنم. به‌عبارت دیگر، آیا شما برطبق استاندارد یک مرید هستید؟ اگر هر روز تمرین‌ها را مانند انجام تمرین‌های فیزیکی انجام دهید، اگر کتاب‌ها را بدون جذب کردن محتوای آنها بخوانید، اگر به‌طور کوشا پیشرفت نکنید و بر طبق الزامات کتاب‌ها عمل نکنید، آیا می‌توانید مرید من باشید؟ آیا هنوز یک شخص عادی نیستید؟ فرض کنید یک شخص عادی بیمار می‌شود و مانند فردی درحال غرق شدن که به چنگ‌زدن به یک تکه نی امید دارد، پی می‌برد که من می‌توانم کارمای بیماری مردم را از بین ببرم. از آنجاکه در سیستم این روش این درک هست که هنگام حل‌وفصل کارما نباید از دارو استفاده کرد، او تمرین‌ها را با این سوءتفاهم انجام داده که اگر صرفاً تمرین‌ها را انجام دهد و دارو مصرف نکند خوب می‌شود و نمی‌میرد. او نه تنها یک فرد عادی است، بلکه هنوز چنین وابستگی قوی‌ای نیز دارد. چگونه می‌تواند نمیرد؟

دافا باوقار است و تزکیه موضوعی جدی است. چگونه زندگی فردی که قرار است پایان یابد می‌تواند همین‌طوری طولانی‌تر شود، یا به شخصی عادی به‌راحتی اجازه داده می‌شود به کمال رسیده و بودا شود؟! باید ذهن‌تان را تزکیه کنید. اگر ذهن‌تان را به‌طور بنیادی تغییر ندهید، آن به حساب نمی‌آید. اگر به‌طور ظاهری خوب عمل کنید اما هنوز مقدار کمی وابستگی درون‌تان داشته باشید که نتوانید متوجه شوید، به‌عنوان کسی که آزمایش را با موفقیت گذرانده در نظر گرفته نمی‌شوید. زیرا این جدی‌ترین موضوع است. تغییرات بنیادی باید به‌طور واقعی اتفاق بیفتد. شما می‌دانید افراد زیادی فالون گونگ را تمرین می‌کنند، و سرطان یا دیگر بیماری‌های کشندهٔ تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنها درمان شده‌اند. نیازی نیست در این باره به شما بگویم چرا که همه شاگردان مان این را می‌دانند.

افراد دیگری با بیماری وخیم نیز بودند که از سرطان یا بیماری‌های مهلک دیگر رنج می‌بردند و آمدند تا تمرین فالون گونگ را انجام دهند اما به همین شکل درگذشتند. چرا؟ در حالی که آن شخص به زبان می‌گفت فالون گونگ را تمرین می‌کند، اما ذهنش به‌هیچ‌وجه فکر بیماری را رها نمی‌کرد. برخی از افراد ممکن است این‌گونه فکر کنند: «او کاملاً در تمرین مشتاق بود. به ما درباره مصرف نکردن دارو می‌گفت و به ما نصیحت می‌کرد که وابستگی به بیماری را از دست بدهیم. حتی به دیگران کمک می‌کرد تا فایده بگیرند.» اما لزوماً خودش آن را رها نکرده بود- شما نمی‌دانید چه چیزی در ذهن او بود. این نشان می‌دهد که این موضوع چقدر پیچیده است. او از دیگران می‌خواست تا این وابستگی را از دست بدهند، درحالی که می‌دانست معلم می‌تواند آن را بشنود. می‌خواست که معلم آن را بشنود. ساده بگوییم، او درحال تلاش برای فریب دادن معلم بود. نیت واقعی او این بود که: «معلم قطعاً به‌خاطر تمام کارهایی که انجام داده‌ام از من مراقبت خواهد کرد، من درحال خواندن کتابها هستم، درحال انجام تمرین‌ها هستم، به دیگران می‌گویم که تزکیه کنند، بنابراین معلم به‌طور قطع بیماری مرا از بین می‌برد.» می‌بینید که در ظاهر از مصرف دارو دست کشید، آن کلمات را گفت، و برطبق الزامات من برای تمرین عمل می‌کرد. اما در اصل، واقعاً مطابق استاندارد یک تزکیه‌کننده نبود. هنوز فکر می‌کرد: «تا زمانی که این‌طور انجام دهم، معلم مطمئناً بیماری‌های مرا بر می‌دارد.» هنوز به این شیوه فکر می‌کرد. آیا او تمایل خود را مبنی بر اینکه معلم بیماری‌هایش را بردارد، ریشه‌کن کرده بود؟ آیا آن تمایل هنوز در ذهنش جاسازی و پنهان نشده بود؟ در آن صورت آیا او درحال فریب دادن دیگران و من نبود؟ درحقیقت، او درحال فریب خودش بود. چگونه بیماری‌اش می‌توانست درمان شود؟

با این وجود، به افرادی که دچار بیماری‌های وخیم هستند به‌دفعات فرصت‌هایی می‌دهیم و مسائل را به‌تأخیر می‌اندازیم. تاریخ گواهی مرگ بیمارستان مدت‌ها بود که گذشته بود. چه آن نیم‌سال، یک‌سال یا چند سال باشد، زمان بسیاری گذشته بود. هنوز به این شخص فرصت‌های بیشتری می‌دهیم و صبر می‌کنیم تا آن وابستگی را رها کند. او از آن دست نمی‌کشد. اگرچه چیزی نمی‌گوید، اما ذهنش اغلب با این افکار آشفته است: «از آنجاکه درحال تمرین فالون گونگ هستم، بیماری‌ام احتمالاً از بین می‌رود. از آنجاکه درحال تمرین فالون گونگ هستم، شاید آن درمان شود.» او نمی‌تواند به‌طور حقیقی خودش را یک مرید درحال

تزکیه که دیگر به هیچ وجه به بیماری فکر نمی کند در نظر بگیرد. تاکنون گفته ام که به ندرت الزاماتی برای تان دارم. هیچ چیز محدودکننده ای وجود ندارد- فقط ذهن شما مهم است. اگر حتی به ذهن تان نگاه نمی کردم، آیا هنوز می توانستم شما را نجات دهم؟ درحقیقت، بدون توجه به اینکه شخص چه راه تزکیه ای را تمرین می کند، ذهنش باید متحول شود، تفاوت در این است که سیستم تزکیه ما مستقیماً به ذهن شخص نشانه می رود.

پرسش: هرچه بیشتر فا را مطالعه می کنم، بیشتر متوجه می شوم که قدرت این فا نامحدود است و هر چیزی در این بی کرانگی دربرگرفته می شود، و هیچ پایانی برای آن نیست. معلم لطفاً به من می گوید چرا این طور است؟

معلم: «هر چیزی در این بی کرانگی دربرگرفته می شود»- این نوعی آزمایش نیز هست. وقتی احساس کنید که کمال نزدیک است دیگر چنین حسی نخواهید داشت. احساس شما بسیار خوب است. بدون توجه به اینکه چه چیزی احساس می کنید، خیلی به آن توجه نکنید. برخی اوقات شخص می تواند وقتی پیشرفت می کند خیلی سریع صعود کند. اما پس از رسیدن به بخشی از بدن که درون محدوده سه قلمرو است، یک قدم پیش رفتن بسیار سخت می شود. بسیار سخت است چراکه مایل نیستید از حالت ذهنی بشری خود جدا شوید. این وضعیتی است که متوجه شده ام.

پرسش: معلم، شما اغلب بیان کرده اید که زمان درحال فشرده شدن است. در عین حال، همچنین بیان کرده اید که دافا به طور گسترده و وسیعی در میان مردم عادی برای زمانی طولانی اشاعه می یابد. آیا این یک تناقض است؟

معلم: حقیقتاً درحال گفتن این هستم که زمان درحال فشرده شدن است. گفته ام که فقط درحال نجات مردم نیستم. پس از اینکه به کمال برسید، هنوز باید کارهای دیگری انجام دهم که نمی توانم درباره آنها به شما بگویم. نمی توانم برای مدت زمان طولانی فا را در دنیای بشری آموزش دهم. اگر می گویم که زمان درحال فشرده شدن است، صرفاً باید تزکیه تان را سرعت دهید. کلمات مرا بد تفسیر نکنید یا آنها را با گفته هایی درباره فجایی که توسط مذاهب شیطانی امروزی درباره آنها صحبت می شود مخلوط نکنید. زمان برای تزکیه در حقیقت بسیار تنگ است. فاجعه ای نخواهد بود، اما برای پایان تزکیه یک موعد و ضرب الاجل وجود دارد. وقتی حقیقت به طور کامل برملا شود، همه چیز پایان خواهد یافت و شما دیگر اجازه ندارید تزکیه کنید. اما هنوز بشریت ادامه خواهد یافت. تمرین تزکیه برای همیشه وجود خواهد داشت، هر چند آن در قالبی از تزکیه خواهد بود که به آینده مربوط می شود.

پرسش: اگر فردی درحالی که در اجتماع مردم عادی زندگی می کند کارها را با جدیت انجام دهد، نسبت به شغل و خانواده اش مسئول باشد و حتی یک ذره هم مسامحه کار نباشد، آیا او وابسته در نظر گرفته می شود؟

معلم: نمی توانم بگویم که این گفته شما اشتباه است، همچنین نمی توانم وجود عناصر بشری بسیار قدرتمندی در کلمات شما را نادیده بگیرم. زیرا وقتی سعی می کنید این کارها را در اجتماع مردم عادی به خوبی انجام دهید، غیرممکن است که آنها را به روش تفکر یک بودا انجام دهید. شما قادر نیستید کارها را به آن طریق انجام دهید. بنابراین هنوز شیوه تفکر بشری دارید. آن صرفاً تجلی وضعیت های گوناگون در سطوح خاصی است.

پرسش: دوستان آمریکایی من از سخت بودن درک نسخه انگلیسی جوآن فالون گلايه می کنند. ممکن است لطفاً آینده دافا برای آمریکایی ها را بگویید؟

معلم: بگذارید به شما بگویم، این طور نیست که فهمیدن نسخه انگلیسی سخت باشد. می گویم که نسخه های انگلیسی به خوبی ترجمه شده اند- مخصوصاً درک آن نسخه ای که در ایالت متحده منتشر شد، راحت است. معانی عمیق بسیار زیادی در این دافا وجود دارد. آن آمریکایی هایی که تا حدی ذهنی ساده دارند درک آن را مشکل در نظر می گیرند. درک برخی چیزها نیز

برای افراد جوانی که عادت ندارند از ذهن‌شان استفاده کنند حقیقتاً سخت است. کدام‌یک از شما که اینجا نشست‌اید می‌توانید بگویید که می‌توانید به راحتی هر چیزی در جوان فالون را درک کنید؟ همگی شما احساس می‌کنید که هر چه بیشتر آن را مطالعه می‌کنید، سخت‌تر می‌شود. شما می‌دانید راهب تانگ یازده سال با پای پیاده سفر کرد تا متون بودیستی را از بهشت غربی کسب کند. او از میان انواع و اقسام سختی‌ها و خطرات گذر کرد و بعد از اینکه بازگشت مجبور شد خودش ترجمه را انجام دهد. امروزه، دافا درست اینجا برای شما آورده شده، اما هنوز فکر می‌کنید که آن سخت است. اگر فکر می‌کنید که ترجمه آن خوب نیست، شما نیز می‌توانید ترجمه‌ها را انجام دهید— ترجمه‌های بهتری ارائه دهید.

در چین تعدادی از شاگردان را سازمان دادیم تا این کتاب را به انگلیسی ترجمه کنند. برای آنها دو سال طول کشید. آنها همیشه در میان خودشان در حال بحث بودند چراکه می‌خواستند برای خوانندگان انگلیسی معنی را بدون کوچکترین انحرافی از متن اصلی ترجمه کنند. آنها بر سختی‌های بسیاری غلبه کردند. شما آن را حاضر و آماده به دست آوردید و هنوز فکر می‌کنید که آن سخت است. اگر چیزی واقعاً پرسش‌برانگیز است، می‌توانید آن را با نسخه ترجمه‌شده در چین مقایسه کنید. یک شاگرد روسی در بوستون هست. دیروز وقتی او صحبت می‌کرد گوش می‌دادم، همه متوجه شدند روندی که او برای یادگیری زبان چینی گذرانده بود غیرعادی بود. نمونه‌های بسیاری مانند آن وجود داشته است. اگر ذهن‌تان را بر آن بگذارید فکر می‌کنم همه شما می‌توانید مانند او باشید.

درخصوص آینده دافا برای آمریکایی‌ها، بگذارید به شما بگویم که برای هر رویداد، هر زندگی، و هر کاری که در این جهان انجام می‌شود، آینده می‌تواند از ابتدا تا انتها دیده شود. صرفاً این‌گونه است که هیچ‌کسی نمی‌تواند آینده این تعهد مرا ببیند. قبل از اینکه انجام آن را نظم و ترتیب دهم، هیچ آینده‌ای وجود نداشت. درخصوص اینکه آینده چگونه خواهد بود، اگر اجتماع بشری امروزه به همین شیوه ادامه دهد، همه مردم بی‌نهایت فاسد و مانند اهریمنان می‌شوند. البته، وقتی مردم بد باشند، درگیری‌های خشونت‌بار و بلاپای طبیعی و فاجعه‌های ساخت بشر افزایش می‌یابد. مردم با هم می‌جنگند و یکدیگر را می‌کشند و کارما موج می‌زند. آنگاه چه چشم‌انداز و آینده‌ای خواهد بود؟ آن واقعاً وحشتناک است. از منظر تزکیه، آینده دافا در ایالت متحده بستگی به این دارد که آمریکایی‌ها چقدر به خوبی فا را کسب کنند.

پرسش: برخی از آمریکایی‌ها فکر می‌کنند که بعضی قسمت‌های دافا مخالف تمرین‌های چی‌گونگ مشهور است. این اغلب مشکلاتی ایجاد می‌کند.

معلم: بگذارید به شما بگویم، چنین فای عظیمی آموزش داده شده است. صرفاً در این کتاب تعداد بسیار زیادی آزمایش برای افراد مختلف وجود دارد تا دیده شود ذهن‌شان چگونه عکس‌العمل نشان خواهد داد. دافا نمی‌تواند همین‌طوری و سرسری کسب شود. برای مثال، تنوع فرقه‌ها و تعداد چی‌گونگ‌های تقلبی این روزها بسیار زیاد است و آنها مردم را به گمراهی می‌کشاند. بسیاری از افرادی که قادر به تزکیه هستند، آنها [را] مانند مذاهب [در نظر گرفته] و مشغول آنها می‌شوند و برخی از آنها مرتکب خودکشی می‌شوند— آن یک آسفتگی است. گفتم که صرفاً در حال نجات مردم نیستیم. اگر به این چیزهای بد اشاره نمی‌کردم، اگر به شما نمی‌گفتم که آنها شرور هستند، چگونه می‌توانستید بدون هیچ مداخله‌ای بر تزکیه خود تمرکز کنید، و چگونه می‌توانستیم این موضوع حساس «هیچ راه دومی تزکیه نکردن» را به شما بگویم؟ دافا نمی‌تواند همین‌طوری و سرسری کسب شود. شاید کسی به آن چیزها چسبیده باشد به‌طوری که بازداشته شود و نخواهد فا را کسب کند. اگر او نخواهد فا را کسب کند، پس بگذارید باشد، زیرا اگر این وابستگی را رها نکند و فقط در یک روش تمرین نکند، نمی‌تواند به کمال دست یابد و به دافا آسیب می‌رساند. آن، احساسات شخصی‌اش هستند که او را از کسب فا باز می‌دارد. دافا باوقار است. این‌گونه نیست که همه بتوانند فا را کسب کنند. ما می‌توانیم فا را به‌طور گسترده‌ای اشاعه دهیم و بگذاریم همه آن افرادی که رابطه تقدیری دارند یا هنوز قادرند فا را کسب کنند آن را به دست آورند. اما حقیقتاً تعدادی از افراد هستند که صرفاً نمی‌توانند فا را کسب کنند. آنها دیگر اجازه ندارند آن را ببینند، بنابراین احتمالاً بازداشته می‌شوند. اگر کسی بازداشته نشود، به احتمال بسیار زیاد هنوز برای کسب فا رابطه تقدیری دارد.

پرسش: علامت‌های دست در تصاویر مختلفی که از استاد به‌طور رسمی منتشر شده‌اند متفاوت هستند. آیا ممکن است لطفاً معانی آنها را به ما بگویید؟

معلم: به غیر از این تصویر که اینجا در کنفرانس نصب شده است، هیچ تصویر دیگری با علامت‌های دست منتشر نشده است. علامت‌های دست بسیار پیچیده هستند. آنها شبیه تمام این کلماتی هستند که به‌وسیله آنها امروز فا را آموزش می‌دهم. علامت‌های دست، در حال حرکت، یک زبان است. حرکات یک سری از آنها که انجام شود عبارتی از فای آموزش داده است. اگر آن چیزی بود که می‌توانستم به‌وسیله کلمات به شما بگویم، امروز برای تان علامت‌های دست را به کار نمی‌بردم. دلیل آن این است که چنین محتوایی را نمی‌توان در قالب کلام بیان کرد. شما فکر می‌کنید آنچه امروز گفته‌ام بسیار رفیع است؛ باید همین‌گونه فکر کرده باشید. نمی‌توانید تصور کنید چقدر علامت‌های دست رفیع‌تر از این هستند - آنها حقیقت را نشان می‌دهند. اگر بتوانید آنها را بفهمید، خوب است. اگر نتوانید، اشکالی ندارد.

پرسش: فکر می‌کنم برای ما نظم و ترتیب داده شد تا به اجتماع غربی بیاییم و بتوانیم فا را منتشر کنیم، و در زمان مناسب به شرق باز خواهیم گشت. آیا این درست است؟

معلم: اگر در حال پرسیدن از من هستید که چرا به غرب مهاجرت کردید، نمی‌توانم به شما بگویم. امروزه به هر جایی که بخواهید می‌توانید بروید. اگر در حال گفتن این هستید که وقتی به کمال رسیده باشید به شرق باز خواهید گشت، اگر به کمال رسیده باشید روی زمین چه کار می‌کنید؟

پرسش: کلیه شخصی پس از اینکه عمل پیوندش موفقیت‌آمیز نبود، برداشته شد. او این فرصت را داشت تا فالون گونگ را یاد بگیرد و در تزکیه شین‌شینگ خود در تزکیه روزانه بسیار کوشا است، امیدوار است که در این زندگی بتواند به کمال برسد. آیا او شانسی دارد؟

معلم: می‌توانم به شما بگویم بسیاری از شما درباره جراحی‌ها از من پرسیده‌اید و اینکه آیا می‌توانید بدون بخش‌های خاصی از بدن تان هنوز تزکیه کنید. در حقیقت عمل جراحی در این بعد بشری انجام شده است و نمی‌تواند حتی یک ذره از بدن‌ها در بعدهای دیگر را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین آنچه برداشته شده فقط چیزی در این بعد ظاهری است. بدن(های) اصلی نمی‌توانند دست بخورند. به عبارت دیگر بدن(ها) در آنجا دست‌نخورده هستند. اما برای انجام تزکیه، به این بدن در اینجا متکی هستید. اگر حقیقتاً بتوانید مطابق معیار برای تزکیه باشید، هر معجزه‌ای می‌تواند برای تان انجام شود. اما اگر نتوانید مطابق معیار باشید، هیچ چیزی نمی‌تواند به شما داده شود. به همین دلیل است که تزکیه موضوعی جدی است.

پرسش: اگر شخصی به چیزی روشن و آگاه شود اما بر طبق آن عمل نکند، آیا آن شخص هنوز در آن موضوع غیرروشن‌بین و غیرآگاه در نظر گرفته می‌شود؟

معلم: اگر کسی به چیزی آگاه شد اما خوب عمل نکرد، او «درحالی که کاملاً آگاه است، آنچه اشتباه است را انجام می‌دهد.» این طور نیست که او به آن آگاه نشده بود. در واقع، به شوخی می‌گفتم. بگذارید به شما بگویم که بسیاری از شما اصول را کاملاً به‌خوبی می‌دانید، اما وقتی با آزمایشی روبرو می‌شوید هنوز قادر نبوده‌اید آن وابستگی را رها کنید - آیا این طور نیست؟ آیا این درست نیست؟ (همه پاسخ می‌دهند «بله!») دلیل آن چیست؟ برخی از افراد برای محافظت از مقام خود تلاش می‌کنند؛ برخی از افراد نمی‌توانند از احساساتشان چشم‌پوشی کنند، مگر نه؟ بنابراین آنها دانسته اشتباه کرده‌اند. اکنون شما یک تزکیه‌کننده هستید، بنابراین نمی‌توانید در تمام مدت آنچه را که اشتباه است به‌طور آگاهانه انجام دهید. باید نهایتاً آن آزمایش را بگذرانید.

پرسش: آیا آب ساکن جن - شن - رن را در خود دارد؟

معلم: کیهان از سرشت ذاتی جن - شن - رن تشکیل شده است. خود را مشغول شکل دادن تصور یا ایده‌ای برای آن مفهوم نکنید. در مفهومی خاص، آن به این شکل است و در مفهومی دیگر به شکلی دیگر است. نه علایق و نه درطلب دانش بودن، هیچ‌یک نباید انگیزه شما در تزکیه باشد. آن مؤثر نیست. باید بر تزکیه تمرکز کنید.

پرسش: اگر شخصی بخواهد تا سطحی فراتر از یک آرهات تزکیه کند، آیا باید آرزو کند که نجات را به تمام موجودات ذی‌شعور عرضه کند؟ آیا این درست است که اگر کسی چنین آرزویی نکند فقط می‌تواند به سطح پایین‌تری دست یابد؟

معلم: من تفکر شما را به این سمت راهنمایی نکردم. من این چیزها را نگفتم. از کدام مذهب این را شنیدید؟ چه آرزویی؟ بگذارید به شما بگویم که این تماماً احساسات بشری است. حال که آن را ذکر کردید، درباره اینکه چرا معتقدین به بودیسم این را می‌گویند صحبت می‌کنم. آیا گفتگو درباره آرزو کردن در بودیسم امروزه ساخته بشر نیست؟ آیا آنها وابستگی‌های اعمال با قصد و در طلب بودن نیستند؟ در بودیسم آنها درباره آرزوی ارائه نجات به تمام موجودات ذی‌شعور صحبت می‌کنند. فکر می‌کنند که اگر آرزو کنند تا نجات را به تمام موجودات ذی‌شعور تقدیم کنند بودا خواهند شد. آیا آن یک شوخی نیست؟ یک شخص فقط به وسیله تزکیه واقعی برای رسیدن به آن سطح، و از طریق تحمل سختی‌های بسیار، و به وسیله دست‌یابی به آن قلمروی بلند مرتبه، می‌تواند بودا شود. معتقدین به بودیسم اکنون می‌خواهند که نجات را به همه موجودات ذی‌شعور تقدیم کنند. چگونه آنها می‌توانند نجات را به تمامی موجودات ذی‌شعور عرضه کنند بدون اینکه تا سطح بالایی تزکیه کرده باشند؟ درحقیقت، بسیاری از معتقدان به بودیسم، در بیان آن عبارت، بسیاری از وابستگی‌های احساسات و نیت خودنمایی را شامل می‌کنند. کلمات من می‌تواند فوراً در قلب شخص نفوذ کند. چگونه موجودات بشری می‌توانند درک کنند که در سطح بودا، معنی «ارائه نجات به تمام موجودات ذی‌شعور» چیست؟ وقتی این روزها مردم درباره ارائه نجات به تمام موجودات ذی‌شعور صحبت می‌کنند، آیا آن نمایشی از ذهنیت خودنمایی‌شان و وابستگی پیچیده‌ای نیست که از تفکر آرزومندان آنها نشأت می‌گیرد؟ وابستگی به انسان‌ها و احساسات، همراه با ذهنیت خودنمایی در آینده، سبب آن می‌شود. آیا یک بودیست در دوره پایان دارما می‌تواند در چنین قلمروی مقدس و باشکوهی باشد؟ غیرممکن است.

به‌علاوه ارائه نجات به تمام موجودات ذی‌شعور، موضوعی نیست که بتوان به‌طور سرسری درباره آن صحبت کرد یا آن را انجام داد. انسان‌ها چگونه می‌توانند بدانند که قبل از اینکه شاکيامونی به این دنیا نزول کند، مجبور بود از بسیاری بوداها، دائوها و خدایان اجازه بگیرد و نیز از بوداها، دائوها، و خدایان بسیار دیگری در سطوح حتی بالاتری اجازه بگیرد؟ اگر برای مأموریت خاصی نمی‌بود، چه کسی جرأت می‌کرد پایین بیاید؟ پایین آمدن مانند سقوط کردن است. شخص باید برای برگشت تزکیه کند، بنابراین چه کسی جرأت می‌کرد پایین بیاید؟ علاوه بر آن، ممنوع است که فردی همین‌طوری و به‌طور سرسری وارد سه‌قلمرو شود. فرد شاید فکر کند که به‌وسیله انسان‌ها آلوده نمی‌شود. اگر فردی درون گودالی از کود پیرد چگونه می‌تواند آلوده نشود؟ او به‌طور حتم آلوده می‌شود، مگر نه؟ بنابراین آن نمی‌تواند به‌طور سرسری انجام شود. در ابتدا در مذهب، این عبارات، بسیار مقدس بودند؛ آنها کلمات مدرسه بودا هستند، که توسط خدایان گفته شده‌اند و در تزکیه مورد استفاده قرار می‌گیرند. اکنون، مردم عادی به‌طور سرسری آنها را برداشته و با بی‌توجهی درباره آنها صحبت می‌کنند. مردم عادی طوری از آنها استفاده می‌کنند که گویی کاملاً بی‌ارزش هستند، و معنای ضمنی مقدس آنها هم‌اکنون از دست رفته است.

علاوه بر آن، یک آرهات قصدی برای ارائه نجات به همه موجودات ذی‌شعور ندارد. چرا؟ زیرا آرهات یک موجود خودروشن‌بین است - آن یک آرهات است. یک موجود خودروشن‌بین چیست؟ ساده بگوییم یک موجود خودروشن‌بین خودش را تزکیه کرده و تا ورای سه‌قلمرو به کمال رسیده است. او این‌طور در نظر گرفته می‌شود که موفق شده و آزاد شده است، بنابراین حقیقتاً تمایل یا قصدی برای نجات دیگران ندارد. یک بودی‌سات‌وا صرفاً به یک بودا در تلاش برای نجات موجودات ذی‌شعور کمک می‌کند. گفته شده است که یک بودی‌سات‌وا مردم را نجات داده و آنها را به بهشت خود می‌برد، اما او بهشتی ندارد - او در بهشت یک بودا است. اینکه آیا او می‌تواند آزادانه مردم را نجات دهد یا خیر، بستگی به آمادگی و تمایل آن بودا دارد که آنها را

داشته باشد. آیا آن درست نیست؟ ارتباط آن به این صورت است که اگر بودا بخواهد مردم را نجات دهد، بودی‌سات‌وا کمک خواهد کرد کارهای خاصی را انجام دهد.

پرسش: آیا این درست است که من صرفاً باید تمام تلاشم را بکنم تا وابستگی‌هایم را رها کنم، اما اینکه آنها از بین بروند یا نه همگی مربوط به استاد است؟

معلم: آنگاه آیا این من نیستم که تزکیه می‌کنم؟ آن چنین روندی است، اما نمی‌توان آن را به این شیوه درک کرد. در واقع، لحظه‌ای که پی می‌برید می‌توانید مشکلی را تشخیص دهید و آن وابستگی‌هایی که نباید داشته باشید را به‌طور واقعی شناسایی می‌کنید، در آن لحظه مطابق معیار هستید. استاد برای شما آن مواد را از سطح پاک می‌کند. از آنجاکه آن از تزکیه خود شما سرچشمه می‌گیرد واقعاً نمی‌تواند عمل استاد در نظر گرفته شود.

پرسش: چگونه باید ارتباط بین رحمت عظیم و بی‌قصدی (وووی) را اداره کنیم؟

معلم: در قلمرو یک آرهای یا بودی‌سات‌وا، رحمت عظیم جایگزین احساسات بشری می‌شود. موجودات بشری برای عواطف و احساسات زندگی می‌کنند. یعنی، انسان‌ها در احساسات غرقه شده‌اند و برای آنها سخت است که بیرون بیایند. یک شخص نمی‌تواند بدون رها شدن از احساسات تزکیه کرده و رشد کند. در خصوص وووی، آن در تمرین تزکیه لازم است. این حالت نیز برای کسی که در کیهان به قلمروی کاملاً بالایی رسیده است وجود دارد: او همه چیز می‌داند اما نمی‌خواهد هیچ کاری انجام دهد، اگرچه قادر به انجام هر کاری باشد، گویی ساده‌تر از بازی با اسباب بازی است. فرض کنید یک دانشجو و بسیار باهوش هستید. اگر مقداری قطعات چوبی بسیار ساده اینجا قرار می‌داشت و از شما خواسته می‌شد که آنها را به جلو و عقب حرکت دهید یا با آنها بازی کنید، آیا می‌خواستید آن کار را انجام دهید؟ نمی‌خواستید. هر چیزی با یک نظر واضح و شفاف می‌بود. آنها صرفاً مقداری قطعات چوبی هستند، چرا باید با آنها بازی کرد؟ شما نمی‌خواستید هیچ حرکتی انجام دهید. وووی در تمرین تزکیه مورد تأکید قرار گرفته است تا شما را از ایجاد کارمای بیشتر بازدارد. اگر خود را از احساسات رها کنید و به استاندارد وووی دست یابید، در قلمروی رحمت عظیم هستید.

پرسش: من یک ویراستار پاره‌وقت برای یک نشریه جامع هستم. به منظور اشاعه فایده، در نظر داریم تا جوان فالون و آثار دیگر شما را چاپ کنیم. اما از آنجاکه فضا محدود است، فقط می‌توانیم بخش‌ها و فصل‌های خاصی را به دلخواه انتخاب کنیم.

معلم: آن ایده خوبی نیست. زیرا اولاً مجله شما مطالب متنوع بسیاری را پوشش می‌دهد، قرار دادن فایده آنجا مناسب نیست. علاوه بر آن، به این شکل گزینش کردن بخش‌هایی، در واقع نقل قول خارج از متن است. همچنین درک آن را سخت می‌کند، احتمال دارد آن به اصطلاح افراد «اهل قلم» به عنوان مطالبی بشری کپی کنند. بنابراین مطمئن شوید چنین کارهایی را انجام نداده و خارج از متن نقل قول نمی‌کنید.

پرسش: معلم، شما بیان کردید که برای شاگردی قدیمی، امری عادی است که برای انجام تمرین‌ها به محل‌های تمرین نرود. آیا آن ایده خوبی است که معلم آنها را از تزکیه در چنین محیطی سست می‌کنند؟

معلم: به این سادگی که شما فکر می‌کنید نیست. آیا می‌دانید که وقتی شما را نجات می‌دهم، حتی باید این شرایط شما را در نظر بگیرم؟ وقتی از کسی که در قلمرو و وضعیت متفاوتی است می‌خواهید که برود، نمی‌دانید که او احساس راحتی ندارد. آنچه که شما می‌گویید و انجام می‌دهید به شدت او را اذیت می‌کند. این موارد وجود دارند. اگر کسی در چنین شرایطی نیست و صرفاً نمی‌خواهد بیرون بیاید، می‌گوییم که او باید رویکردش را اصلاح کند. اگر برای انجام تمرین‌ها بیرون بیاید، به شما منفعت می‌رساند. اگر حقیقتاً به خاطر کارتان زمان ندارید، آن نیز قابل درک است، پس به خودتان بستگی دارد.

البته در چین نمونه‌هایی وجود دارد که هم در صبح و هم شب برای انجام تمرین‌ها بیرون می‌آیند. آنها در ساعت چهار صبح و شش عصر پس از شام بیرون می‌آیند و در مجموع دو بار در روز تمرین می‌کنند. آنها پی می‌برند به این شیوه انجام دادن تمرین‌ها بسیار خوب است. اما افراد در بسیاری از نواحی در سایر کشورها به این شیوه تمرین‌ها را انجام نمی‌دهند، و بهانه‌های مختلف می‌آورند. بگذارید به شما بگویم که اگر همان‌گونه که در این سیستم تمرین به شما آموزش داده‌ام انجام دهید، تضمین می‌شود هیچ آسیبی وجود نخواهد داشت و فقط منفعت می‌رساند. شما ادعا می‌کنید که بسیار مشغول هستید و وقت ندارید. درواقع، نگران هستید که به‌اندازه کافی استراحت نکنید. آیا تاکنون به این حقیقت اندیشیده‌اید که تمرین تزکیه بهترین شکل استراحت است؟ می‌توانید به‌نوعی از استراحت برسید که نمی‌توان از طریق خواب به‌دست آورد. هیچ کسی نمی‌گوید: «تمرین‌ها آن قدر مرا خسته می‌کنند که امروز دیگر نمی‌توانم کاری انجام دهم.» شخص فقط می‌گوید: «تمرین‌ها تمام بدن مرا آسوده و راحت کرده است. پس از یک شب بی‌خوابی احساس خواب‌آلودگی ندارم. احساس می‌کنم پر از انرژی هستم. پس از یک روز کاری به‌نظر نمی‌رسد اصلاً اذیت شوم.» آیا موضوع این نیست؟ بنابراین اگر شخصی که برای انجام تمرین‌ها بیرون نمی‌آید بگوید که زمان ندارد یا بهانه‌های دیگر بیاورد، می‌گویم که کاملاً به این خاطر است که او درک عمیقی از فا ندارد و اراده کافی برای تلاش سخت ندارد. البته وقتی شاگردی قدیمی در آن شرایط است، وضعیتی کاملاً متفاوت است. اما اگر شخصی به آن حالت نرسیده است، درست نیست که همچنان برای بیرون نیامدن بهانه‌تراشی کند. تمرین تزکیه درباره تزکیه خود فرد است. فریب دادن دیگران، درحقیقت، فریب خود است.

پرسش: در بعدهای سطح بالا از مدت‌ها پیش هواپیماها وجود داشته‌اند. مردم در بعدهای سطوح بالاتر می‌توانند پرواز کنند، مگر نه؟ پس چرا آنها هنوز نیاز دارند از هواپیما استفاده کنند؟

معلم: به شما گفته‌ام که در بعدهای مختلف این‌طور نیست که همگی موجودات شبیه بوداها و خدایان در هر جای آسمان‌ها باشند- موجودات اساساً با هم متفاوتند. مکان‌هایی نیز وجود دارند که مانند مکان موجودات بشری هستند، اما تعدادشان کم است. اما به‌طور خاص مکان‌های بیشتری هستند که مانند مکان موجودات فضایی هستند. آنها نیاز دارند که پرواز کنند و از وسایل پرواز استفاده می‌کنند. نمی‌توانم درباره همه آنها به شما بگویم و فکرشان را به سوی آن مکان‌ها هدایت کرده و کنجکاوی‌تان را تقویت کنم. موجودات بی‌نهایت پیچیده هستند. انواع و اقسام دنیاها وجود دارد و تنوع بسیار زیادی در کیهان وجود دارد. اکنون فقط نژادهای سفید، زرد و سیاه انسان‌ها را بر روی زمین داریم؛ در آنجا، افراد سبز و آبی و حتی نژاد چندرنگی نیز وجود دارد. افراد گوناگونی از هر نوع وجود دارد، برخلاف هرچیزی که تصور کرده‌اید. به‌عبارت‌دیگر، فکر کردن با قالب ذهنی بشری درباره این مسائل را باید متوقف کنید.

پرسش: فالون گونگ به صورت باز و آزاد اداره و اجرا می‌شود. آن چگونه با یک ساختار سازمانی ملموس متفاوت است؟

معلم: آن به‌صورت باز و آزاد اداره می‌شود و هیچ شکلی از ساختار سازمانی ندارد. اگر بخواهید ببینید، می‌توانید ببینید؛ اگر نخواهید ببینید، می‌توانید بروید. ما لیست عضویت نداریم. از روی ظاهر، هیچ کسی نمی‌داند شما چه کسی هستید. آیا این درست نیست؟ هر کسی به خواست خودش یاد می‌گیرد. برای مثال، افراد درباره این می‌پرسند که استاد کجا رفته است و آنگاه آنها می‌آیند تا به سخنرانی فا گوش دهند، درست؟ این‌طور نیست که من فرمان بسیج شدن صادر کردم تا همه به ایالات متحده بیایند تا به سخنرانی فا گوش دهند. چنین چیزی نبود. اینکه فرد تزکیه کند یا نکند تماماً داوطلبانه است. یکبار که شکلی اجرایی مانند آنچه در میان مردم عادی است، اتخاذ شود، هر نوع قصد و نیت بشری پدیدار می‌شود، و وابستگی‌ها مانع شخص می‌شود تا تزکیه کند، در نتیجه برای فا مشکل ایجاد می‌کند.

پرسش: در «کوتاهی نداشتن در سرشت بودایی» عبارت «کوتاهی نداشتن» به چه معناست؟

معلم: «کوتاهی نداشتن» سابقاً اصطلاحی در بودیسم بود؛ یعنی، زبان تزکیه در بودیسم بود. این را در نظر بگیرید، انسان‌ها انواع و اقسام احساسات، تمایلات، و وابستگی‌های مختلف دارند که همگی از احساساتشان سرچشمه می‌گیرد. آنها بی‌شمار هستند مانند حسادت، قصد خودنمایی، کینه و غیره. هر یک از این وابستگی‌ها باید از بین بروند. اگر هر یک از آنها از بین نرود هنوز یک کوتاهی در نظر گرفته می‌شود. اگر کوتاهی وجود داشته باشد شخص نمی‌تواند به کمال برسد. فرد باید تزکیه کند تا هیچ کوتاهی و هیچ وابستگی باقی نماند. فقط وقتی واقعاً دیگر هیچ کوتاهی وجود نداشته باشد او قادر خواهد بود به کمال برسد.

پرسش: آیا هر بار که جهانی جدید به وسیله موجودات روشن بین در سطوح بسیار بالا دوباره آفریده می‌شود، سرشت جن-شن-رن تغییر می‌کند؟

معلم: شما نباید این نوع سؤالات را دیگر بپرسید. حتی نباید به آنها فکر کنید. سرشت اساسی جن-شن-رن تا ابد بدون تغییر باقی می‌ماند. فا بدون تغییر است، به طوری که تغییرات در موجودات و مواد درون آن می‌تواند سنجیده شود.

پرسش: به جز کمک به تزکیه‌کنندگان برای رسیدن به ذهنی آرام، آیا موسیقی فالون گونگ دارای تأثیر...؟

معلم: نقش اساسی آن این است که به مردم کمک می‌کند تا خیلی زود به سکون برسند. زیرا وقتی مردم به این موسیقی گوش می‌دهند، دیگر درباره مسائل مردم عادی مانند رقابت با دیگران، شرایط آشفته، اینکه شغلشان چگونه است یا اینکه چقدر پول درمی‌آورند فکر نمی‌کنند. این رویکرد اتخاذ شده است. این موسیقی به کار گرفته می‌شود تا یک فکر جایگزین هزاران فکر شود. محتوای فا نیز به این موسیقی اضافه شده است. بنابراین هر چه بیشتر آن را گوش دهید، برای تان خوشایندتر است و بیشتر احساس راحتی می‌کنید.

پرسش: آیا ما می‌توانیم وقتی تمرین‌های سکون را انجام می‌دهیم به سخنرانی فای استاد گوش دهیم؟

معلم: چگونه می‌توانید به سکون دست یابید در حالی که به سخنرانی‌های فای من گوش می‌دهید؟ سلول‌های مغزتان وقتی به فا گوش می‌دهید بسیار فعال هستند، مگر نه؟ بنابراین نمی‌توانید به سکون برسید. گوش دادن به سخنرانی‌های فا باید صرفاً گوش دادن به فا باشد.

پرسش: معلم، دیروز ذکر کردید با هر یک تمرین‌کننده‌ای که اضافه می‌شود، مقدار بیشتری از سختی را تحمل می‌کنید. از شنیدن آن ناراحت شدم، زیرا من تعداد زیادی از افراد را به راه تزکیه راهنمایی کردم.

معلم: می‌دانستم که درباره این موضوع فکر خواهید کرد. بگذارید به شما بگویم: این‌طور فکر نکنید، چرا که من روش‌های خود را دارم. نباید نگران این مسائل باشید- صرفاً بر تزکیه خود تمرکز کنید. اگر تعداد زیادی از افراد را راهنمایی می‌کنید تا فا را بیاموزند، می‌توان گفت که سهم شما و تقوای شما بی‌حدومرز است و دراصل درحال کمک به استاد هستید تا این فا را اشاعه دهد. ذهن تان نسبتاً برای فکر کردن به این مسئله فعال است. منظورم این بود که با هر تمرین‌کننده‌ای که اضافه می‌شود، باید مراقب یک فرد بیشتر باشم. مسائل من آن‌گونه که تصور می‌کنید نیستند. من بدن‌های قانون (فاشن) بی‌شماری دارم که درحال انجام این کارها هستند.

پرسش: در طول تمرین مدیتیشن نشسته و در رؤیاهایم خود را می‌بینم که در آسمان پرواز می‌کنم، اما هرگز تصاویری از مدرسه بودا با لباس زرد را ندیده‌ام. نمی‌دانم آیا واقعاً چیزی دیده‌ام؟

معلم: درحقیقت، واقعاً چیزی دیدید. علت اینکه هیچ تصویری از مدرسه بودا ندیدید این است که مکانی که به آنجا رفتید متفاوت است. فکر می‌کنم اگر این چیزها را می‌بینید، صرفاً بگذارید باشد. خیلی به آن توجه نکنید، و ذهن‌تان را بر روی تزکیه بگذارید. مطمئن شوید که این‌گونه عمل می‌کنید.

پرسش: خدایان بالا، دیگر مردم مدرن را انسان در نظر نمی‌گیرند. اما معلم، دیروز بیان کردید که امروزه فرار نیست هیچ کسی یک موجود بشری باشد.

معلم: امروزه مردم واقعاً فاسد شده‌اند. دیگر خدایان مراقب آنها نیستند. هیچ مذهبی توسط خدایان مورد مراقبت قرار نمی‌گیرد، چراکه خدایان می‌بینند که بشریت بسیار منحرف شده است و آنها دیگر موجودات بشری را انسان در نظر نمی‌گیرند. اما مکانی که از آنجا آمدید و اینکه آیا بتوان شما را نجات داد یا خیر، دو موضوع مختلف هستند. اما چیزهایی هستند که نمی‌خواهم هیچ موجودی از آن آگاه شود. به‌علاوه، من نگفتم که روش من برای انجام کارها مانند روش آنها است. برای آنچه در حال انجام آن هستیم، معنای حتی وسیع‌تری وجود دارد. اجتماع بشری به رشد خود ادامه می‌دهد. آنهایی که می‌توانند در تزکیه موفق شوند و به کمال برسند به بهشت‌های آسمانی در سطوح مختلف می‌روند. آنهایی که نمی‌توانند به کمال برسند اما برای انسان اصلی بودن معیار لازم را دارند، انسان‌هایی در دوره تمدن بعدی خواهند شد.

پرسش: معلم، شما در مقاله «اعتباربخشی» نوشتید که ما باید «به دافا به‌صورت یک علم صحیح و واقعی اعتبار ببخشیم...» چگونه به آن اعتبار ببخشیم؟

معلم: شما افرادی تحصیل کرده هستید. وقتی با افرادی برخورد می‌کنید که درک نمی‌کنند، یا کسانی که خیلی خوب نیستند، می‌توانید از طریق به‌اشتراک گذاشتن تجربیات، دانش یا نتایج عینی از کارتان و مانند آن، به آن اعتبار ببخشید.

پرسش: من لهستانی هستم، و می‌خواهم فا را در لهستان اشاعه دهم. چه زمانی خواهیم توانست مطالب را در لهستان ببینیم و من چگونه می‌توانم کمک کنم؟

معلم: برخی از افراد چینی در لهستان هستند. برخی از آنها در حال مطالعه و انجام تمرین‌ها هستند، اما چیزی به لهستانی ترجمه نشده است. از آنجا که فقط مریدان مان می‌توانند ترجمه را انجام دهند، ببینیم آیا فرصت آن پیش می‌آید. برای دیگران سخت است که کتاب‌های دافا را ترجمه کنند. همانند شما، من نیز آرزو دارم به زودی کتاب جوآن فالون به زبان لهستانی را ببینم. البته اگر می‌توانستید آن را ترجمه کنید خوب می‌بود.

پرسش: این آسان نیست که دافای جوآن فالون را به‌طور مناسبی به دیگران معرفی کرد. گاهی اوقات برخی چیزهای نسبتاً عمیق و ژرف ناخواسته گفته می‌شود و باور آن را برای مردم سخت می‌کند - برخلاف آنچه منظور است.

معلم: آن درست است. هر کسی باید به این نکته توجه کند. به افرادی که هنوز فا را نیاموخته‌اند، آن را از منظر درک خودتان ارائه ندهید - آنها را خواهد ترساند. چیزی که ناخواسته می‌گویید کاملاً عمیق است، چراکه سطح شما را منعکس می‌کند. به‌علاوه، چیزهای حتی عمیق‌تری هستند که درباره آنها صحبت نمی‌کنید اما به‌طور ضمنی در کلمات‌تان وجود دارند. ذهن شخص در سطح نمی‌تواند آن مطالب را درک کند، اما ذهنش در عمق وجودش درک می‌کند. او نمی‌تواند آن را تاب بیاورد. بنابراین زمانی که جوآن فالون را به دیگران اشاعه می‌دهید، باید در پایین‌ترین سطح و ظاهری‌ترین سطح درباره اصول آن صحبت کنید، مانند اینکه چگونه شخص خوبی بود و چگونه سطح یک شخص ارتقاء می‌یابد. درباره چنین اصول ساده‌ای صحبت کنید. مانند این است که از کسی بخواهید به مدرسه برود، اما با او درباره مفاهیمی در سطح دانشگاه صحبت کنید

درحالی که حتی هنوز به مدرسه ابتدایی نیز نرفته است. او می‌گوید: «من نمی‌خواهم آن را یاد بگیرم - آن را درک نمی‌کنم.» آیا منطقی نیست؟

پرسش: اگر شخصی یک پا و یک دست نداشته باشد، نمی‌تواند به صورت ضربدری بنشیند یا حرکات را انجام دهد. چگونه می‌تواند ترکیه کند؟

معلم: گفته‌ام که ترکیه دافا موضوعی جدی است. فا را به مردم آموزش می‌دهم که ترکیه کنند. یعنی، او می‌تواند ترکیه کند. قلب اوست که مهم است. بدون یک دست و یک پا، شما قلب‌تان را دارید که با آن ترکیه کنید. حتی اگر آن را با یک پا و یک دست انجام دهید، فکر می‌کنم معجزه روی خواهد داد. عامل تعیین کننده قلب شخص است.

پرسش: به هنگام مدیتیشن در دینگ اگر دیگر نسبت به این بدن آگاه نباشم اما وجود نور و صدا را حس کنم، چگونه باید ترکیه‌ام را به پیش ببرم؟

معلم: درباره اینکه در طول سکون چه چیزی روی می‌دهد یا نوع این حالت، به شما نگفتم - درباره این چیزها صحبت نکرده‌ام. ما بر ترکیه قلب و ذهن فرد تأکید می‌کنیم، که بنیادین است. وابستگی به هر نوع حالتی باعث می‌شود نتوانید به قلمروی خیلی بالایی برسید و بسیار شما را محدود خواهد کرد. ووی راه بزرگ است. چیزهایی که می‌شنوید یا می‌بینید همگی رویدادهای عادی هستند. خودتان را مشغول آنها نکنید و به آنها وابسته نشوید.

پرسش: وقتی که روح اصلی بدن را ترک می‌کند آیا باید هیچ نیت ذهنی نداشته باشم و اجازه دهم که آن پرواز کند؟ آیا می‌توانم نیت بالاتر پرواز کردن و در حالتی زیباتر پرواز کردن را داشته باشم؟ یا آیا می‌توانم حالت بدنم را تغییر دهم، مانند تغییر آن از حالت خوابیده به نشسته یا رو به پایین...؟

معلم: اگر می‌توانید پرواز کنید، پس پرواز کنید. مهم نیست چگونه پرواز می‌کنید، چه آن خوابیده باشد یا نشسته. اما آن را به‌عنوان سرگرمی در نظر نگیرید. بعضی افراد از من خواستند برای‌شان چیزهایی را در عمل به‌نمایش بگذارم. به آن چیزهایی که برای‌تان نمایش می‌دادم با یک حالت ذهنی بشری نگاه می‌کردید و فقط سرگرم می‌شدید. قادر نمی‌بودید ببینید که واقعاً چه معنای با عظمتی در قدرت الهی فای بودا وجود دارد، بنابراین آن نمی‌تواند به این شکل مورد استفاده قرار گیرد. حتی اگر بتوانید آن را انجام دهید نباید آن را به‌عنوان سرگرمی در نظر بگیرید.

پرسش: روح اصلی من سابقاً زمانی که بدنم را ترک می‌کرد می‌توانست بالا و دور پرواز کند. چرا این‌طور است که اخیراً ناگهان نمی‌تواند خیلی بالا پرواز کند.

معلم: شاید بدین دلیل است که یک وابستگی رشد داده‌اید. در ترکیه اجازه ندارید تمام مدت به این شکل باشید. این خوب نیست که این قدر مکرر اتفاق بیفتد که بر ترکیه‌تان تاثیر بگذارد. رشد سطح‌تان در ترکیه اولین و مهم‌ترین است.

پرسش: من فالون دافای شما را از اعماق قلبم تحسین می‌کنم، اما گفته شده که ما باید هر روز جلوی عکس شما میوه متبرک کنیم.

معلم: در واقع، وقتی خدایی مردم را در دنیای بشری نجات می‌دهد او نیز غذا می‌خورد اما نه آن نوع غذایی که انسان‌ها مصرف می‌کنند. او چه می‌خورد؟ می‌دانید که گفته‌ام برای هر شیئی، بدن‌های دیگری وجود دارد. او آن سایر بدن‌های غذایی شما را می‌خورد. شما میدان هستید و من استادان، بنابراین البته که برای آداب و رسوم سخت‌گیر نخواهم بود. وقتی غذای‌تان آماده می‌شود و شما می‌خورید، من پیشاپیش در طرف دیگر، آن را برداشته‌ام. از شما نخواستم که به هیچ تشریفاتی بچسبید. اما

اگر تمایل دارید که آن را انجام دهید و واقعاً می‌خواهید این‌گونه انجام دهید، مخالفتی نخواهم کرد، چراکه آن خواست شما است. در مواردی که برخی از شما به من تعظیم می‌کنید، فکر می‌کنم وقتی ببینم به من تعظیم نمی‌کنید اما به‌خوبی تزکیه می‌کنید از دیدن شما بسیار خوشحال خواهم بود. اگر هر روز به من تعظیم کنید اما نتوانید به‌خوبی تزکیه کنید، از دیدن شما ناراحت خواهم شد. آیا منطقی به‌نظر نمی‌رسد؟ آن صرفاً یک تشریفات است، گرچه قلب شخص را نیز نشان می‌دهد.

پرسش: وقتی درباره موضوع خاصی گیج هستم، عمیقاً در مورد آن فکر می‌کنم و در آن زمان، پاسخ از تصور و تخیل من ظاهر می‌شود، گاهی اوقات حتی همراه با تصویری در ذهنم ظاهر می‌شود. این چیزی خوب یا بد است؟

معلم: وقتی یک شخص عادی باشید معمولاً این برای تان روی می‌دهد. آن حالتی است که اغلب وقتی روی می‌دهد که شخص درباره مسائل مردم عادی فکر می‌کند. اگر هنوز آن را در تزکیه خود و مطالعه فا به‌کار ببرید، حداقل می‌توان گفت که در [مطالعه] فا بیش‌ازحد وابسته هستید، حداقل این‌گونه است. وقتی درباره مسائلی در شغل یا زندگی تان فکر می‌کنید، آن کار می‌کند، اما باید آن را از تزکیه‌تان جدا کنید. وقتی تزکیه می‌کنید باید آن را رها کنید و درباره هیچ‌چیزی فکر نکنید. اشکالی ندارد که وقتی در حال انجام کارتان هستید خود را کاملاً وقف کارتان کنید. ظاهر شدن تصاویر و پاسخ‌ها نمایشی از یک توانایی فوق‌طبیعی است.

پرسش: اگر ذهن شخصی همیشه خالی باشد، بدون هیچ فکری، آن چگونه با بودیسم ذن متفاوت است؟

معلم: تفاوتی اساسی وجود دارد. بدون توجه به اینکه چگونه ذهن تان خالی است، برای شما مجاز نیست که بگذارید آگاهی تان از شما جدا شود. این نوعی از خالی بودن است که ما درباره‌اش صحبت می‌کنیم، درحالی که در بودیسم ذن، «خالی بودن» یعنی هیچ چیزی باقی نماند و شخص از چیزی آگاه نباشد. آنها خودشان را تزکیه نمی‌کنند؛ آنها تزکیه نمی‌کنند، فقط بی‌حرکت می‌شوند. بنابراین آنها شخص دیگری را تزکیه می‌کنند، یعنی روح کمکی‌شان را.

پرسش: استاد، آنچه دیروز درباره این که «هیچ کسی در روی زمین نباید موجود بشری باشد» بیان کردید را کاملاً درک نمی‌کنم.

معلم: بگذارید از این ظاهری‌ترین پوسته موجودات بشری شروع کنم. امروزه انسان‌ها (البته شما شامل آن نیستید زیرا در حال تزکیه هستید) قادر به انجام هر نوع شرارتی هستند؛ هر چند تمام آنها به‌خاطر دلایل عمیقی آمدند. رابطه آن این‌گونه است. در عین حال، پی برده‌ام که انسان‌های واقعی، افرادی که سابقاً اینجا بودند، [اکنون] در بعدی دیگر هستند، یعنی، در جهان مردگان. وقتی در جنگ‌ها کشته می‌شدند، به‌تدریج به‌جای این که باز پیدا شوند و بازگردند به آنجا نزول می‌کردند. آنها کاملاً با این موجوداتی که به‌خاطر دلایل عمیقی آمدند، جایگزین شدند. اما هر کسی می‌آید باید مانند انسان‌ها در توهم قرار داده شود و بدون استثناء، همراه با اجتماع مردم، همراه می‌شوند. بنابراین ارتباط آن این‌گونه است. فقط کسانی که آن شجاعت آسمانی را داشتند که پایین بیایند می‌توانند این فا را که بسیار عظیم و عمیق است بشنوند. اما، این‌گونه نیست که همه آمدند تا فا را کسب کنند؛ برخی نیز آمدند تا به فا آسیب بزنند. به‌همین دلیل است که گفتم هیچ‌یک از آنها نیامدند تا موجودات بشری باشند. با این حال نیز، این‌گونه نیست که همه آمدند تا تزکیه کنند. افرادی نیز هستند که به‌طور خاص آمدند تا به فا آسیب بزنند - آنها محکوم به جهنم خواهند بود. افراد دیگری نیز وجود دارند، مانند آنهایی که دیگر خوب نیستند و نمی‌توانند فا را به‌دست آورند. به‌علاوه، افرادی نیز هستند که دیگر شایستگی این را ندارند تا فا را کسب کنند.

پرسش: من اهل دانمارک هستم و آن‌قدر خوش اقبال بوده‌ام که فا را در کالیفرنیا کسب کردم. آیا باید به دانمارک برگشته و آن را اشاعه دهم؟ مطمئن نیستم که بتوانم این مسئولیت را بر عهده بگیرم.

معلم: شما نباید نگران این مسائل باشید. وقتی به فردی کمک می‌کنید تا فا را کسب کند، خیلی از شما معمولاً می‌گویید: «این کتاب خیلی خوب است.» آن را به یک دوست می‌گویید. آن دوست می‌گوید: «واقعاً؟ بگذار نگاهی بیندازم.» به‌طور ناخواسته او می‌تواند به این شیوه با آن ارتباط برقرار کند. نسبتاً ساده است، اما تصادفی نیست. البته، یک نکته هست. اینکه، شما نمی‌توانید بگویید: «من فکر می‌کنم این خیلی عالی است، پس چرا نمی‌خواهی آن را یاد بگیری؟» آن شخص ممکن است بگوید: «صرفاً نمی‌خواهم آن را یاد بگیرم. وقت ندارم.» یا «فکر نمی‌کنم خوب باشد.» اشتباه است که آن را به دیگران تحمیل کنید. چرا اشتباه است؟ شما آن شخص را به زور وادار کرده و تحت فشار قرار می‌دهید تا فا را کسب کند. هیچ اجبار و تحمیلی نباید باشد. اگر قلب شخص تکان نخورد، فا نباید به او داده شود - قلب آن شخص باید خودش تکان بخورد. به عبارت دیگر، او باید ارزش فا را داشته باشد تا فا به او نشان داده شود. آیا این حقیقت ندارد؟

پرسش: چگونه باید درک کنیم: «دقیقاً قبل از رسیدن به کمال، هشتاد درصد از گونگ او به همراه معیار شین شینگ او برداشته خواهد شد؟»

معلم: این اصل را توضیح داده‌ام. هدف از برداشتن گونگ شما این است که شما را قادر کنیم به کمال برسید. رسیدن به کمال به چه معنا است؟ آن زمانی است که شما از طریق تزکیه به آن استاندارد رسیده‌اید، و گونگ شما به همراه تمام موهبت‌ها و تقوای تان به کمال رسیده‌اند. یک بودا می‌تواند هر چیزی یا هر توانایی که بخواهد را داشته باشد. این قابلیت از کجا می‌آید؟ از تلاش طاقت‌فرسایی که متحمل می‌شوید. یعنی، از تقوای عظیم‌تان - گونگ، که توأم با شین شینگ‌تان وجود دارد - ساخته و تکمیل شده است. بدون آن، نمی‌توانید به بهشت بروید. می‌دانید که یک دایره دور بدن بودا هست. تصاویر نقاشی شده بوداها در معابد باستانی همگی به‌نظر می‌رسند که درون یک ماه نشسته‌اند. حقیقت این است که آن چیزی به جز بهشت خود بودا نیست. این بهشت باید به شکل مادی درآید، در غیر این صورت چیزی به غیر از گونگ نمی‌داشتید. آنگاه چگونه می‌توانستید بودا نامیده شوید؟ اگر می‌خواستید مردم را نجات داده و کارهای خوب انجام دهید، آن بهشتی که باید داشته باشید را نمی‌داشتید. قبل از این که بتوانید هر چیزی که می‌خواهید را داشته باشید، باید بهشت خودتان را داشته باشید.

پرسش: بدون کنفرانس‌های تبادل تجربه دافا مانند این کنفرانس امروز، فکر نمی‌کنم می‌توانستم شین شینگ‌ام را رشد دهم. آیا این عادی است؟

معلم: کنفرانس‌های تبادل تجربه می‌تواند برای رشد و پیشرفت شاگردان مان حقیقتاً مفید باشند، و هم‌زمان می‌تواند فا را به دیگران معرفی کنند. آن قالب بسیار خوبی است، و فکر می‌کنم باید به این شکل انجام شود. واقعاً می‌تواند کسانی که در تزکیه‌شان کند شده‌اند را قادر سازد تا بفهمند کجا کوتاهی دارند، و بنابراین مجبور می‌شوند که عقب‌ماندگی را جبران کنند. این اشتباه است که بگوییم شخص بدون این کنفرانس نمی‌توانست فا را بگیرد. فا برای همه اینجاست تا یاد بگیرند. کنفرانس‌های فا می‌تواند در نقش معرفی فا به دیگران و تسریع رشدتان عمل کنند. برخی از افراد هستند که از طریق این کنفرانس‌ها فا را کسب می‌کنند.

پرسش: معلم، شما بیان کردید که در طول دوره حاضر، خدایان در سطوح بعدی مختلف نیز در حال یادگیری این فا هستند. آیا متونی که توسط موجودات بالا در آن سطوح مطالعه می‌شود مانند متونی است که ما اینجا می‌بینیم؟

معلم: آنها قطعاً متفاوت هستند - برای سطوح مختلف، فای مختلفی وجود دارد. جوهر سیاه روی کاغذ سفید برای انسان‌ها است تا بخوانند. در سطوح مختلف، کلمات و معانی همین فا، متفاوت است.

پرسش: اهریمن‌ها باز پیدا می‌شوند و برای دنیای بشری آشفتگی‌های اسفناکی بوجود می‌آورند. چرا موجودات بالاتر به اهریمنان اجازه می‌دهند که از جهنم باز پیدا شوند؟

معلم: این طور نیست که تمام اهریمنان در جهنم وجود دارند- اهریمنان مختلفی در سطوح مختلف وجود دارند. وجود برخی از آنها ناشی از اصل ایجاد متقابل و بازدارنده متقابل است؛ برخی از آنها در نتیجه کارمای بسیار زیاد مردم می‌آیند؛ هنوز برخی دیگر هستند که نیروهای منحط و کهن هستند و می‌آیند تا برای ما مشکل درست کنند.

پرسش: سال گذشته من غسل تعمید شدم، اما اکنون فهمیدم که فالون دافا راه بزرگ حقیقی است. مصمم هستم که در فالون دافا تزکیه کنم. آیا تضادی وجود دارد؟

معلم: هیچ تعارضی وجود ندارد. غسل تعمید یک عمل بشری است و آن کاری سطحی و ظاهری است- عمل خدایان نیست. گفتم که آنچه خدایان تصدیق می‌کنند قلب شخص است، نه انواع تشریفات بشری.

پرسش: شما بیان کردید که جهان از میان شکل‌گیری ایستایی و فساد می‌گذرد. چرا فساد وجود دارد؟

معلم: همگی می‌دانید که چرا غذا فاسد می‌شود، انسان‌ها پیر می‌شوند، آهن زنگ می‌زند، و حتی سنگ‌ها در معرض فرسودگی هستند- این گونه است. فقط این طور است که آن زمان طولانی‌تری دارد. اختلاف زمانی و طولانی بودن طول این دوره برای انسان‌ها غیرقابل درک است، گویی برای همیشه ادامه می‌یابد و هرگز فاسد نمی‌شود.

پرسش: در طول چند ماه گذشته، نتوانسته‌ام از مداخله اهریمنانی که با کلماتی رکبیک با من صحبت می‌کنند رها شوم. با پیام‌های بد در رؤیایها و زندگی روزانه‌ام آشفته شده‌ام.

معلم: کتاب را بیشتر مطالعه کنید و هر مشکلی می‌تواند حل شود. صرفاً به شما گفتم کتاب را بیشتر بخوانید، اما در واقع، ممکن است لزوماً معنای درونی آنچه که گفته‌ام را درک نکنید. این کتاب توانا و قادر مطلق است. در حالی که خودآگاه اصلی خود را مصمم‌تر می‌کنید، کارمای درون افکارتان برداشته می‌شود. در اکثر موارد، این موقعیت، زمانی اتفاق می‌افتد که به‌طور نسبی کارمای فکری شدیدی وجود دارد، اما باید به محکم و قوی کردن خودآگاه اصلی خود خیلی توجه کنید!

پرسش: زمانی که خودم کتاب‌ها را می‌خوانم و تمرین‌ها را انجام می‌دهم مشکلی ندارم. اما زمانی که به محل‌های تمرین می‌روم، احساس می‌کنم که انگار در حال انجام مطالعاتی سیاسی هستیم [زمانی که کتاب را با هم می‌خوانیم].

معلم: شاید شما از مطالعات سیاسی بدتان می‌آید، و بنابراین آن نتیجه حس تنفر قوی شما است؟ تشریفات و آداب و رسوم مهم نیست- آنچه که مهم است جوهر و ذات است. آیا آن یک وابستگی قوی نیست، یک وابستگی به نفرت؟

پرسش: آیا معرفی اجمالی فالون دافا که در نشریات منتشر شد به عنوان نقل قول خارج از متن در نظر گرفته می‌شود؟

معلم: معرفی اجمالی، از فا استخراج نشده است. آن یک «معرفی اجمالی» است، و نقل قول خارج از متن نیست. آن رئیس کلی مطالب فای مرا معرفی می‌کند. آنها این کار را هر بار با ملاحظه و احتیاط انجام داده‌اند. فقط بعد از مشورت‌های مکرر، آن را انجام داده‌اند.

پرسش: چگونه باید درک کنیم که تنهایی خطرناک‌ترین دشمن در تمرین تزکیه است؟

معلم: شما نمی‌دانید که تنهایی می‌تواند هر چیزی را برای یک شخص ویران کند. در گذشته تزکیه راهبان متکی به چه چیزی بود؟ چرا آنها می‌توانستند در تزکیه موفق شوند؟ بزرگترین سختی آنها تنهایی بود. چه سختی‌ای داشتند که تحمل کنند؟ تنهایی غیرقابل تحمل بود. چرا شخصی که از کوه بالا می‌رفت تا دئو را تزکیه کند می‌توانست در دستیابی به دئو

موفق شود؟ افراد دنیوی از شادمانی، شکوه، زرق و برق، ثروت و مقام لذت می‌برند. حتی مردم فقیر، که از شادی و شکوه و زرق و برق و پول و مقام بهره نداشتند، دانش و قوم و خویش داشتند، و از لذت‌های دنیوی برخوردار بودند. راهبان خودشان به تنهایی در کوهستان‌ها به سختی تزکیه می‌کردند. بدون هیچ تماسی با سایر افراد، آن تنهایی، که تحملش سخت است، می‌تواند بسیاری از وابستگی‌ها و تمایلات مختلف شخص را از بین ببرد. البته، ما این مسیر را بر نمی‌گزینیم. ما مستقیماً به قلب شخص نشانه می‌رویم - این سریع‌ترین راه است. فکر نمی‌کنم که زمان برای شما باشد تا در طی چندین دهه وابستگی‌هایتان را از بین ببرید.

پرسش: بیماران روانی اجازه شرکت در سمینارها را ندارند. اما آیا بیماران با توهم و هذیان بزرگی و عظمت، اختلال وسواس فکری یا عملی، اختلال هراس و مانند آن، به‌عنوان بیماران روانی در نظر گرفته می‌شوند؟

معلم: در واقع، بگذارید به شما بگویم که «اختلال روانی» که توسط انسان‌ها فهمیده می‌شود با آنچه که من تعبیر می‌کنم متفاوت است. آنچه که من به‌عنوان اختلال روانی به آن اشاره می‌کنم این است که روح اصلی فرد بدن او را کنترل نمی‌کند و هر نوع پیام‌های خارجی، موجودات دیگر، یا کارمای او می‌توانند به او فرمان دهند که این یا آن کار را انجام دهد. کارمای درون مغزش، او را وادار می‌کند که دشنام داده و کارهای بد انجام دهد، بنابراین مردم می‌گویند که او بیماری روانی دارد. دریافتم که بیماران روانی هیچ‌گونه زخم یا عامل بیماری‌زایی ندارند. آن چگونه می‌تواند یک بیماری نامیده شود؟ فقط یک حالت غیرعادی بشری است. اما این دافای ما برای نجات مردم است و برای تزکیه روح اصلی فرد است؛ اگر روح اصلی او کنترل را در دست نداشته باشد، این دافا به چه کسی داده می‌شود؟ بنابراین به او اجازه نمی‌دهیم در سمینارها شرکت کند. اگر این، کارما یا روح تسخیرکننده باشد که او را هدایت می‌کند، آیا کارمای او یا روح تسخیرکننده می‌تواند نجات پیدا کند؟ دلیل آن این است. علاوه بر آن، مردم می‌گفتند: «نگاه کن، او به‌خاطر تمرین فالون گونگ دیوانه شده است.» بسیار به ما آسیب می‌زد.

پرسش: قرار عاشقانه گذاشتن می‌تواند بسیاری از وابستگی‌های درون ما را برانگیزد. آیا باید رابطه‌ام با دوست‌پسرم را قطع کنم یا باید بگذارم مسائل مسیر خود را طی کند و ازدواج کنم و بچه‌دار شوم؟

معلم: در حقیقت، گفته‌ام که اجتماع بشری هنوز باید زاد و ولد کند. اگر تعداد مریدان دافای ما به‌جای صد میلیون، چندین میلیارد بود، آیا آن مسئله‌ای بسیار جدی نمی‌شد؟ آیا موضوع این نیست؟ از شما خواسته‌ام تا بیشترین حد ممکن با مردم عادی تطابق داشته باشید. در واقع، شما می‌توانید آن را انجام دهید؛ شما استاندارد بسیار بالایی برای خود قرار داده‌اید. البته، من مخالف استانداردهای بیش از حد بالا نیستم. فکر می‌کنم باید تا حد امکان با مردم عادی سازگار باشید. انجام آن به شیوه‌ای که بر خودتان تحمیل کنید باعث می‌شود اجتماع درباره ما دچار سوءتفاهم شده، و آسیب‌های خاصی برای ما به‌بار می‌آورد. درحالی که به آن سطح نرسیده‌اید، از رنج و عذاب تحمل وابستگی زجر خواهید کشید. اگر حقیقتاً به آن سطح رسیده باشید، مخالف آن نیستم؛ اگر نرسیده باشید، نهایت سعی خود را بکنید تا چیزها به‌طور طبیعی اتفاق بیفتند.

این ارتباط را به‌خوبی هماهنگ کنید. اگر واقعاً تمام احساسات‌تان را از بین رفته باشند، حقیقتاً دیگر نخواهید توانست قرار عاشقانه بگذارید. اما قبل از اینکه به آن حالت برسید، فکر می‌کنم هنوز باید بر طبق شیوه‌های انسان‌ها عمل کنید. اگر ازدواج کنید قطعاً سقوط نمی‌کنید - آن اتفاق نخواهد افتاد.

پرسش: اگر کسی در زندگی گذشته‌اش یک حیوان بوده باشد، آیا او می‌تواند از طریق تزکیه در این زندگی به ورای فای دنیای سه‌گانه برسد؟

معلم: بگذارید مثالی بزنم: شخص ممکن است از سطح بسیار بالایی آمده باشد، اما در طول دوره بازپیدایی‌های خود ممکن است در تمام زندگی‌ها بدن بشری نداشته باشد. او ممکن است این یا آن [موجود] بوده باشد. به‌رحال، در این مرحله به

شکل انسان باز پیدا شده است. [شاید] قبل از این مرحله به شکل یک حیوان باز پیدا شده باشید، اما نمی‌توان این‌طور گفت که حیوان هستید. صرفاً در مسیر شش‌گانه بازپیدایی بوده‌اید. آنچه که مهم‌ترین است، موجود واقعی شما است.

پرسش: گاهی اوقات وقتی که کتاب‌ها را می‌خوانم و فا را مطالعه می‌کنم، می‌توانم به چیزهایی روشن و آگاه شوم. اما بعضی اوقات حتی پس از خواندن دو یا سه دور کتاب به چیزی آگاه نمی‌شوم.

معلم: اگر با قصد به دنبال آگاه شدن به چیزی باشید، قطعاً به آن آگاه نخواهید شد. باید کتاب را بردارید و صرفاً آن را بخوانید. آن نامیده می‌شود: «به‌دست آوردن طبیعی بدون در طلب بودن.» دیروز در حال گفتن این بودم که وقتی به مشکلی برمی‌خورید سعی نکنید که بخش‌های مربوطه را پیدا کرده و بخوانید- آنها را پیدا نخواهید کرد. شخص معمولاً چیزی را به‌طور طبیعی و بدون در طلب بودن آن به‌دست می‌آورد. صرفاً کتاب را برداشته به‌طور تصادفی آن را باز کنید و تضمین می‌شود آنچه را که باید امروز دریافت کنید، پیدا خواهید کرد. اما پس از اینکه این را گفتم، برخی افراد آن را این‌طور تعبیر می‌کنند: «بسیار خوب. از حالا به بعد، وقتی کتاب را می‌خوانم آن را به‌طور تصادفی باز می‌کنم.» آنگاه آن وابستگی دیگری می‌شد و قادر نمی‌بودید آنچه را که به دنبال آن بودید دوباره پیدا کنید. بیشتر اینکه، موضوع در طلب بودن وجود دارد- صرفاً این‌طور است که به شکلی متفاوت است.

پرسش: ما به‌طور استوار به شما و فالون دافا باور داریم. شنیده‌ایم که اخیراً مشکلاتی در سرزمین اصلی چین وجود داشته است. چگونه باید آن را اداره کنیم؟

معلم: از روزی که آموزش فا را آغاز کردم به‌طور مداوم مشکلاتی وجود داشته است. چرا؟ اگر یک فای راستین بدون هیچ‌گونه مداخله‌ای از جانب شیطان، اشاعه می‌یافت یا هر کسی می‌توانست آن را درک کند، از نظر من، سطح آن در همان سطح انسان‌ها می‌بود، مگر نه؟ در آن صورت نمی‌توانست مردم را نجات دهد. مداخله وجود دارند دقیقاً به این دلیل که افرادی هستند که نمی‌توانند آن را درک کنند، یا شیطان وقتی می‌فهمد این فای راستین است، می‌خواهد آن را مختل کنند. هر چند این فا اشاعه یافته است، اما بسیار مهم است که چگونه منتشر می‌شود، چگونه مردم را نجات می‌دهد، خود دافا و من در مواجهه با مداخلات چگونه عمل می‌کنیم، و اینکه آیا مسیر برگزیده شده مستقیم است یا خیر. این ارتباط مستقیمی دارد با اینکه آیا این فا راستین است و می‌تواند مردم را نجات دهد یا خیر. آیا این منطقی نیست؟ بنابراین آزمایشات و سختی‌های مداومی وجود داشته است. هر قدمی که برداشته‌ایم راستین بوده است. حتی اگر کسی قصد داشت تا به‌وسیله‌ی سوءاستفاده از یک اشتباه به ما حمله کند و تمام حقایق خوب را نادیده بگیرد، آن شخص هیچ چیز اشتباهی پیدا نمی‌کرد چراکه مسیری که برگزیده‌ایم بی‌نهایت صالح است. این شیوه‌ای است که تاکنون داشته‌ایم. به این شکل تقوای عظیم خودمان را از طریق آزمایشات و سختی‌ها ساخته‌ایم، و فقط این‌گونه می‌توانیم چیزی برای نسل‌های بعدی به‌جای بگذاریم تا درباره آن صحبت کنند. همچنین تجربیات و درس‌هایی را که از طریق تحمل کردن و غلبه بر سختی‌های مختلف کسب کرده‌ایم، می‌توانیم برای نسل‌های بعدی به‌جا بگذاریم. این فا فقط به این شیوه می‌تواند دارای تقوای عظیمی باشد، مگر نه؟

پرسش: استاد، شما بیان کردید چون در میان مردم عادی زندگی می‌کنیم باید تا حد امکان با شیوه مردم عادی سازگار باشیم. در ایالات متحده گاهی اوقات بدون یک سازمان ثبت‌شده، اشاعه فا به عموم راحت نیست.

معلم: یک انجمن دافا در ایالات متحده ثبت شده است، اما نمی‌توانیم این سازمان را به‌عنوان شرکت عادی بشری در نظر بگیریم. آن برای فای ما صرفاً محیطی را برای تمرین کردن این سیستم تزکیه به‌طور قانونی ایجاد می‌کند و حفاظی برای شما است تا به‌طور قانونی در تزکیه شرکت کنید. هدف آن فقط این‌ها است. قطعاً نباید خود این نهاد را چیزی شبیه شرکت و تشکیلات در نظر بگیرید. به شما گفته‌ام که یک راه بزرگ هیچ شکلی ندارد و شما اجازه ندارید توجه‌تان را بر برخی پروژه‌ها

متمرکز کنید. حتی تلاش برای فراهم کردن این کنفرانس بزرگ امروز باید با تزکیه فرد توأم باشد. شاگردان هیچ شهریه‌ای نمی‌گیرند زیرا آن سازمانی داوطلبانه است؛ اما آن مذهب نیست.

پرسش: من خودم به تنهایی زندگی می‌کنم و تماس‌های کمی با سایر افراد دارم. خانواده‌ام در چین هستند. در اوقات فراغتم فا را در منزلم مطالعه می‌کنم. آیا این محیط...؟

معلم: هر روشی که در تزکیه‌تان دارید خوب است. تا جایی که خود را در هر لحظه تزکیه‌کننده در نظر بگیرید و مطالعه کنید و تمرین‌ها را انجام دهید، شما جا نخواهید ماند. بهتر است برای تمرین‌ها بیرون بروید.

پرسش: آیا باید در تمام طول روند تزکیه مداخلات از سوی تمام انواع پیام‌ها را دفع کنیم؟

معلم: وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهید اگر می‌توانید واقعاً صداهایی را بشنوید، اگر پیام‌هایی در ذهن‌تان وجود دارد، یا اگر افکاری با شما مداخله می‌کنند، باید از آنها خلاص شوید. اگر آنها قوی هستند، می‌توانید آنها را به‌عنوان نفر سوم یا افکار دیگران که هیچ ربطی به شما ندارند در نظر بگیرید. چرا باید به این شیوه آن را برای شما شرح دهم؟ زیرا همه چیز شما تحت فرمان شما است. بازوهای‌تان، پاهای‌تان، انگشتان، و دهان‌تان هر زمان که شما بخواهید حرکت می‌کنند. چرا این‌گونه است؟ زیرا آنها به شما تعلق دارند. وقتی می‌خواهید به دینگ برسید، افکار‌تان ساکن نمی‌شود؛ هر چه بیشتر بخواهید که ساکن شوند، بی‌قرارتر می‌شوند. آیا آن افکار، شما هستید؟ آیا آنها را به‌عنوان خودتان تصدیق می‌کنید؟ آنها کارما و عقاید و تصوراتی هستند که در طول زندگی‌تان کسب کرده‌اید. به‌همین دلیل است که باید آنها را نفر سوم در نظر بگیرید: «تو به فکر کردن ادامه می‌دهی، و من تو را در حال انجام آن نگاه می‌کنم.» این بار شما از آن‌ها بیرون می‌پرید. اگر حقیقتاً بتوانید آنها را تشخیص دهید معادل این است که به‌خوبی از آنها جدا شده‌اید و خودتان را پیدا کرده‌اید. این نیز تمرین تزکیه است و این‌گونه عمل کردن، باعث می‌شود به‌سرعت از بین بروند. اگر واقعاً آنها را تشخیص دهید، آنها خواهند ترسید چراکه زمان آن رسیده که از بین بروند.

پرسش: استاد، جوآن فالون برای نسل‌های آینده باقی می‌ماند و تصویر شما در آن است. اما بیان کردید که مردم در آینده از تصویر شما آگاهی نخواهند داشت.

معلم: جوآن فالون برای نسل‌های بعدی باقی نمی‌ماند. مردم در آینده از وجود جوآن فالون آگاه نخواهند بود. بنابراین اگرچه فایی که آموزش داده‌ام عمیق است و بسیاری از اسرار آسمانی آشکار شده است، اما اگر افرادی که فا را شنیده‌اند واقعاً در آینده به کمال برسند، آیا من فقط آن را به خدایان آموزش نداده‌ام؟ انسان‌ها هنوز هم آگاه نمی‌بودند. به‌همین دلیل است که این‌گونه به شما آموزش می‌دهم. امیدوارم که همگی شما بتوانید به کمال برسید.

درخصوص کتاب‌ها، به‌راحتی می‌توان به آنها رسیدگی کرد. در زمانی بخصوص، می‌توانیم آنها را تبدیل به کاغذ سفید ساده کنیم بدون اینکه کلمه‌ای هم روی آنها باشد.

پرسش: چگونه باید نسخه‌های بخصوصی از جوآن فالون که سطرها و جمله‌هایی از آن کم شده است را اداره کنیم؟

معلم: چنین نمونه‌های زیادی در نسخه‌هایی از جوآن فالون که بدون اجازه چاپ شدند وجود دارد. مطمئن شوید که درخصوص این موضوع دقت می‌کنید. اگر کلمات و جملاتی پیدا کردید که از قلم افتاده‌اند، با قلم آنها را اضافه کنید. در آینده، هیچ کتابی با کلمات و جملات از قلم افتاده نخرید. به‌عبارت دیگر، شما می‌توانید کتاب‌هایی با حروفچینی اصلی بخرید؛ هرگز کتاب‌هایی با حروفچینی جدید نخرید.

پرسش: برخی از شاگردان هستند که سابقاً چی‌گونگی‌های دیگر را تمرین می‌کردند. اکنون به هنگام اشاعه‌فای، به‌منظور جذب کردن شاگردان، ابتدا درباره چیزهایی صحبت می‌کنند که سابقاً تمرین می‌کردند.

معلم: برخی از شما چنین افکار بشری عادی را دارید، اما نمی‌توانید بگویید که چنین شخصی خوب نیست. در این دو روز سخنرانی، من نیز فهمیدم که برخی از افراد کماکان به چیزهایی در گذشته‌شان اشاره می‌کنند. به‌طور کلی، آنچه که همه گفتند خوب بود؛ فقط اینکه هنوز افرادی هستند که قصد و نیت بشری عادی‌شان را به نمایش می‌گذارند. به هنگام اشاعه‌فای، اصلاً نباید آنچه را قبلاً آموختید دیگر ذکر کنید، زیرا هم‌اکنون کاملاً از آن خارج شده‌اید. آن دیگر به شما تعلق ندارد، و بخشی از آن چیزی نیست که می‌خواهید کسب کنید. آیا آن همانند این نیست که دو یا چندین روش تزکیه را ترویج می‌دهید؟

پرسش: معلم، آیا می‌توانید بیشتر درباره این الزام که هیچ پولی نباید در مراکز دستگیری نگه‌داشته شود بیان کنید؟ در این اجتماع اقتصادی ایالات متحده، سخت است که کارها را بدون درگیر شدن در پول انجام داد.

معلم: بگذارید به شما بگویم که هیچ کسی نمی‌تواند این را تغییر دهد: مراکز دستگیری مطلقاً نمی‌توانند هیچ پولی نگه دارند. فرض کنید که در طول دوره حاضر کمی پول از فروش کتاب‌ها مانده باشد و ما بخواهیم آن پول را برای انجام کارهایی فوراً استفاده کنیم. از نظر اصول، هیچ پولی در میان نیست، اما در حقیقت، [پای پول] واقعاً در میان است. اگر برای مدتی طولانی ادامه یابد، بی‌پایان می‌شود و شما عملاً پول و اموال نگه‌داری خواهید کرد. در واقع، بگذارید به شما بگویم که وقتی کارهایی برای اشاعه‌فای انجام می‌دهیم، فکر می‌کنم برخی از شاگردان که استطاعت مالی دارند برخی از هزینه‌های معمولی را تقبل می‌کنند. برای مثال، سالن کنفرانس به این بزرگی مانند امروز توسط یکی از شاگردان مان پرداخت شده است. به این منظور که مردم بتوانند فا را کسب کنند، او کار خوبی انجام داد. شاید آنچه که او کسب می‌کند حتی بیشتر باشد. به‌هرحال، فکر می‌کنم صرفاً در حال صحبت درباره این ایده هستیم. راهی که برمی‌گزینیم باید راستین باشد- باید این راه را به شکلی درست برگزینیم.

پرسش: آیا این حقیقت دارد که هر چه سطح بالاتر باشد، به ماده اصلی نزدیک‌تر است؟ این توضیح می‌دهد که چرا گل‌هایی که توسط دختران آسمانی جاری می‌شوند، می‌توانند از بدن یک بودی‌ساتوا عبور کنند اما از بدن یک آرهایات عبور نمی‌کنند.

معلم: آن به این شکل نیست. آنچه که شما به آن اشاره می‌کنید تفاوت در مواد است؛ آنچه که من اشاره می‌کنم تفاوت در قلمرو و مقام دستیابی است. البته، تفاوت در مقام دستیابی می‌تواند منجر به تفاوت در ذرات بدن‌تان شود- این قطعی است. اما تفاوت در ذرات، یک پیش‌شرط نیست. سطح شین‌شینگ و مقام دستیابی، پیش‌شرط هستند.

پرسش‌های امروز اساساً همگی پاسخ داده شدند. شاگردان جدید باید کتاب را بیشتر بخوانند. اگر شما می‌خواهید آن را بیاموزید و تزکیه کنید، بروید و کتاب را بخوانید. یک کنفرانس فا سخت به‌دست می‌آید. اگر درباره مسائل سطح ابتدایی گفته بودم، این کنفرانس برای آنهایی که اینجا نشستند عملاً بی‌ثمر می‌شد، چراکه آنچه را که باید می‌شنیدید، نمی‌شنیدید. هدف این کنفرانس این است که همه قادر شوند سریع‌تر پیشرفت کرده و زودتر به کمال برسند. درعین‌حال، می‌تواند فا را به‌پیش برده و افراد بیشتری را قادر کند تا فا را کسب کنند. بنابراین فکر می‌کنم پس از این کنفرانس باید تا حد زیادی رشد کنید. هم‌زمان، باید بگذاریم افراد بیشتری که هنوز فا را کسب نکرده‌اند آن را کسب کنند. به شما می‌گویم هنوز بسیاری از افراد سفیدپوست قابل‌نجات و افرادی از نژادهای دیگر وجود دارند که هنوز فا را کسب نکرده‌اند. البته، شما را مجبور نمی‌کنم این کارها را انجام دهید؛ هر چقدر بیشتر بتوانید انجام دهید خوب است. فا افراد با رابطه تقدیری را نجات می‌دهد. فقط می‌توانید به مردم توصیه کنید که مهربان باشند، اما نمی‌توانید آنها را مجبور کنید که تزکیه کنند- آن این‌گونه است. امیدوارم همگی بتوانند سریع‌تر رشد کرده و بتوانند به‌زودی به کمال برسند.